

اهل بیت علیهم السلام: ۱۷۳ (تاریخ: ۳۵۵)

- عمومی

۲۲۳۳

۶۷۸۲

کتاب‌های آیه‌الله کریمی جهرمی / ۲

کریمی جهرمی، علی، ۱۳۲۰ - بانوی ملکوت (نگاهی به حیات معنوی کریمه آل محمد، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام) / علی کریمی جهرمی. - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۳. [۱۶۸] ص. - (مؤسسه بوستان کتاب؛ ۲۲۳۳. کتاب‌های آیه‌الله کریمی جهرمی؛ ۲) (تاریخ: ۳۵۵. اهل بیت علیهم السلام؛ ۱۷۳)

ISBN 978- 964 - 09 - 1538 - 7

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

ص. ع. به انگلیسی: Ayatollah Ali Karimi Jahromi. The Celestial World's Lady A glance at the spiritual life of the generous lady of Prophet Mohammad's family, Lady Fatima Ma'soumah (PBUH)

کتاب‌نامه: ص. [۱۶۱] - ۱۶۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

چاپ دوم: ۱۳۹۶.

۱. معصومه علیها السلام بنت موسی کاظم علیه السلام، ۴۱۸۳ - ۴۲۰۱ ق. ۲. قم - احادیث. ۳. قم - سرگذشتنامه.

الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مؤسسه بوستان کتاب. ج. عنوان.

۲۹۷ / ۹۷۶

ک ۶ م / ۲ / ۵۲ BP

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۴۰۹۲۹۲

۱۳۹۶

بانوی ملکوت

(نگاهی به حیات معنوی کریمه آل محمد، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام)

آیه الله علی کریمی جهرمی

بیت
۱۳۹۶



بانوی ملکوت

(نگاهی به حیات معنوی کریمه آل محمد، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام)

● نویسنده: آیه الله علی کریمی جهرمی

● ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

(مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

● چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

● نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۶ ● شمارگان: ۱۰۰۰۰ ● بهای: ۱۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

✦ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائیه)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۷-۳۷۷۴۲۱۵۵ نامبر: ۳۷۷۴۲۱۵۴ تلفن پخش: ۳۷۷۴۳۴۲۶

✦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)

✦ فروشگاه شماره ۷: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، جنب بانک انصار، تلفن: ۸۸۹۵۶۹۲۲

✦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۲۲۳۳۳۶۷۲

✦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰

✦ فروشگاه شماره ۵ (رنگین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نبش خیابان ارم، تلفن: ۳۷۷۴۳۱۷۹

✦ فروشگاه شماره ۶: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، انتهای کوچه ممتاز، تلفن: ۳۷۸۴۱۹۵۰

اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۱۰۰۰۲۱۵۵ و یا ارسال درخواست به:

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail:info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت:

با قدردانی از همکاریانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

● اعضای شورای بررسی آثار ● دبیر شورای کتاب: مهدی محدثی ● ویراستار: ابوالفضل طریقه دار ● چکیده عربی: خلیل العصامی ● چکیده انگلیسی: یحیی ناوری ● فیبا: مصطفی محفوظی ● اصلاحات حروف نگاری: مهدیه قرباندوست ● صفحه آرایی: حسین محمدی و احمد مؤتمنی ● کنترل نمونه خوانی و بازخوانی نهایی متن: محمدجواد مصطفوی ● نمونه خوانی: ابیصفت غریب ● کنترل فنی صفحه آرایی: سیدرضا موسوی منش ● اداره آماده سازی: حمید رضا تیموری ● اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی ● مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی.

رئیس مؤسسه
محمدباقر انصاری

اهدا به:

حريم ملائك پاسبان ولى نعمت عظاما،
الگوى قداسٲ بانوان، بضعة موسى و
شقيقة الرضا، حضرت فاطمة معصومه،
رزقنا الله تعالى زيارتها فى الدنيا و
شفاعتها فى الاخرة.

فهرست

- ۱۱ پیش گفتار
- ۱۵ قم در آینه اخبار و روایات
- ۲۹ قم، حرم اهل بیت علیهم السلام
- ۳۰ شهر قم و نام افتخار آفرین آن
- ۳۲ مزایا، خصوصیات و عناوین شهر قم
- ۳۷ مزایای مردم قم
- ۴۳ چراغ حرم اهل بیت، فاطمه معصومه علیها السلام
- ۴۳ فواطم آل هاشم و فاطمه معصومه علیها السلام
- ۴۳ ۱. فاطمه بنت اسد، مادر پرافتخار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام
- ۴۴ ۲. حضرت فاطمه زهرا، دخت رسول الله صلی الله علیه و آله
- ۴۵ ۳. فاطمه دختر امیرالمؤمنین علیه السلام

۴. فاطمه بنت الحسین علیها السلام ۴۶
۵. فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهما السلام ۴۷
- درخشش حضرت معصومه علیها السلام ۵۰
- شباهت حضرت معصومه به حضرت زینب علیها السلام ۵۵
- وفات کریمه اهل بیت علیهم السلام ۵۷
- زیارت حضرت معصومه علیها السلام ۶۳
- حضرت ولی عصر و زیارت حضرت معصومه علیها السلام ۶۸
- بیت النور یا محراب عبادت حضرت معصومه علیها السلام ۷۰
- یادآوری دو نکته ارزشمند ۷۲
- موقعیت و محبوبیت حضرت معصومه علیها السلام ۷۲
- روی آوردن به حرم حضرت معصومه علیها السلام در مناسبت های مختلف ۷۳
- تواضع بزرگان در آستانه فاطمه معصومه علیها السلام ۷۷
- اهتمام شیعه به زیارت حضرت معصومه علیها السلام ۷۸
- اهل سنت و زیارت حضرت معصومه علیها السلام ۸۲
- کرامات حضرت معصومه علیها السلام ۸۲
- آثار توسل به حضرت معصومه علیها السلام ۹۰
- حل مشکلات علمی ۹۳
- برکات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ۹۷
- کانون هدایت و فیض دائم ۱۰۳
- محدثه آل محمد علیهم السلام ۱۱۳
- فاطمه معصومه علیها السلام شفیعۀ روز جزا ۱۱۷
- تکریم حریم قم و حضرت معصومه علیها السلام ۱۲۱

- هتک حریم قم و حضرت معصومه علیها السلام ۱۲۳
- بخشی از افتخارات و گروهی از مفاخر قم ۱۳۱
۱. زکریا بن آدم قمی ۱۳۲
۲. زکریا بن ادريس یا ابوجریر القمی ۱۳۴
۳. احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد اشعری قمی ۱۳۵
۴. علی بن ابراهیم قمی ۱۳۸
۵. علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی ۱۳۸
۶. محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، معروف به صدوق ۱۴۰
۷. آخوند ملا محمد طاهر قمی ۱۴۲
۸. شیخ غلامرضا قمی معروف به حاج آخوند ۱۴۴
۹. حاج میرزا محمد ارباب ۱۴۵
۱۰. مرحوم شیخ ابوالقاسم قمی ۱۴۷
۱۱. حاج شیخ مهدی حکمی قمی ۱۵۰
۱۲. حاج میرزا محمد فیض قمی ۱۵۱
۱۳. حاج آقا حسین قمی ۱۵۲
۱۴. محدث قمی ۱۵۶
- کتاب نامه ۱۶۱

پیش‌گفتار

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين.

سالیان سال است که وارد بر بانوی بانوان بهشتی و پاره تن امامان معصوم، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام شده و از سفره انعام و لطف بی دریغ آن ولیة الله بهره‌مندم.

ده‌ها سال است که در مرکز امن و امان و زیر سایه رحمت و احسان دخت گرامی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام جا گرفته و به آن ملجأ مطمئن و ملاذ نواز شگر، ملتجی و پناهنده شده‌ام.

و با وجود آن‌که پناه خواهنده‌ای درست کار و شایسته نبوده، شرایط و تعهدات پناهندگان را رعایت نکرده، درست بدان پای‌بند نبوده و انجام نداده‌ام، ولی آن مظهر لطف و رحمت خدا مرا طرد نکرده، از درخانه خود نرانده و به دست دیگران نداده و قرین غم دوری و اندوه جدایی و محرومیت نساخته، خلاف‌کاری‌ها و نادرستی‌ها را نادیده گرفته و از کجی‌ها و کاستی‌ها - که حقیقتاً کم نیز نبوده - چشم‌پوشی کرده، مرا از باب

رحمت خود دور نساخته است، بلکه هر روزی که فرارسیده لطف تازه‌تری کرده، و به جای قهر و خشم بر انعام و احسان خود افزوده است. در این تفکر و اندیشه، وجدان شرمسارم الهام می‌کرد که این همه بزرگواری و کرامت نفس را از ولی نعمت خود و کریمه اهل بیت، از یاد ببرم و گامی - هر چند ناچیز - در مسیر سپاس‌گزاری از آن مظهر لطف و رحمت بی کران خدا، یعنی فاطمه بنت موسی علیها السلام بردارم.

از این رو بر آن شدم یادداشت‌هایی را که از سالیان سال درباره آن مکرمه بی‌بدیل داشتم، تنظیم نموده، تقدیم آستان مبارکش سازم؛ باشد که در جهان ابدی نیز همچون این جهان، جزء پناه یافتگان حضرتش باشم. نتیجه آن کار، کتاب حاضر است که به نظر شریف دلدادگان و موالیان آل محمد علیهم السلام و علاقه‌مندان حضرت فاطمه معصومه - ارواحنا فداها - می‌رسد.

ضمناً یادآور می‌شویم که بحث‌های محوری کتاب، چهار موضوع است:

۱. اخبار و روایات مربوط؛

۲. قم، حرم اهل بیت علیهم السلام.

۳. چراغ حرم اهل بیت، فاطمه معصومه علیها السلام.

۴. بخشی از افتخارات و گروهی از مفاخر قم.

در این مقام، اعتراف می‌کنم که این نوشته در برابر کتاب‌های مفصل و سودمندی که برای قم و حضرت معصومه علیها السلام نوشته شده، اثری ناچیز است، ولی ممکن است این نوشته مختصر، نیز مقبول دربار بانوی با جلال، حضرت معصومه علیها السلام واقع شود و در آن صورت، ارزشمند خواهد

بود. علاوه که ممکن است در جایی این مختصر نیز مطالب تازه‌ای داشته باشد که مورد توجه و عنایت اهل مطالعه قرار گیرد و در نتیجه، بها و ارزش پیدا کند و اگر هر دو جهت تحقق بیابد، که آن هم لطفی فوق همه الطاف حضرت معصومه علیها السلام درباره این جانب است، زاد و توشه راه خطیری که در پیش دارم خواهد بود.

ألا فصلوات الله عليها و علی أביها و ابن أخیها و من ولده ابن أخیها
إلی القائم الحجّة، عجل الله تعالی فرجه.

قم / حوزه علمیه / علی کریمی جهرمی

ذی الحجة ۱۴۲۱ / فروردین ۱۳۷۹

قم در آینه اخبار و روایات

در آغاز، چند روایت درباره قم و اهل قم و خزینه الهیة مدفون در آن را ذکر می‌کنیم که محور اصلی در استفادة بسیاری از مطالب کتاب به شمار می‌رود:

۱. کشی، رجالی بزرگ، نقل کرده که حماد ناب گفته است: ما با گروهی در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم که ناگهان عمران بن عبدالله قمی وارد شد. حضرت از او حال‌پرسی کرده و به او محبت نمودند و اظهار سرور و شادمانی فرمودند. وقتی که برخاست، به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: چه کسی بود که این‌گونه به او محبت فرمودید؟

امام در پاسخ فرمودند:

مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ النَّجْبَاءِ - يَعْنِي أَهْلَ قَمٍ - مَا آزَادَهُمْ جَبَّارٌ مِنَ الْجَبَابِرَةِ
إِلَّا قَصَمَهُ اللَّهُ؛^۱

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۱، ح ۱۸ و محمد کشی، اختیار معرفة الرجال،

او از اهل بیت و خاندان نجبا می‌باشد، یعنی اهل قم، که هیچ ستمگری از ستمگران، آهنگ هلاک آنان نکرد مگر این که خداوند او را در هم شکست و خرد گردانید.

۲. روایت دیگری را نیز کشی به همین مضمون با اندک اختلاف لفظی دربارهٔ عمران بن عبدالله نقل کرده است.

۳. علی بن میمون الصائغ نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ احْتَجَّ بِالْكُوفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ وَ احْتَجَّ بَبَلَدَةِ قُمَّ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِأَهْلِهَا عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ مِنَ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ وَ لَمْ يَدْعِ اللَّهُ قُمَّ وَ أَهْلَهُ مُسْتَضْعَفًا بَلْ وَفَّقَهُمْ وَ آيَدَهُمْ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الدِّينَ وَ أَهْلَهُ بِقُمَّ ذَكِيلٌ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَأَسْرَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَخَرِبَ قُمَّ وَ بَطَلَ أَهْلُهُ فَلَمْ يَكُنْ حُجَّةً عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ لَمْ تَسْتَقِرَّ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ لَمْ يُنْظَرُوا طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ إِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْ قُمَّ وَ أَهْلِهَا وَ سَيَاتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدَةً قُمَّ وَ أَهْلُهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ وَ ذَلِكَ فِي زَمَنِ غَيْبَةِ قَائِمِنَا، عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِلَى ظُهُورِهِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قُمَّ وَ أَهْلِهَا وَ مَا قَصَدَهُ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا قَصَمَهُ فَاصِمٌ الْجَبَّارِينَ وَ شَعَلَهُ عَنْهُمْ بِذَاهِيَةِ أَوْ مُصِيبَةِ أَوْ عَدُوٍّ وَ يُنْسِي اللَّهُ الْجَبَّارِينَ فِي دَوْلَتِهِمْ ذِكْرَ قُمَّ وَ أَهْلِهَا كَمَا نَسُوا ذِكْرَ اللَّهِ؛^۱

راستی خداوند، به کوفه بر سایر بلاد و به مؤمنین از اهل آن بر دیگر مردمان بلاد، احتجاج می‌کند و به شهر قم بر سایر بلاد و به اهل آن بر

۱. همان، ص ۲۱۲-۲۱۳.

تمام مردم مشرق و مغرب از جن و انس، احتجاج خواهد فرمود و قم و اهل آن را بی‌بهره و دور از معارف، رها نکرده، بلکه آنان را موفّق داشته و تأیید فرموده است.

سپس فرمود: راستی که دین و اهل دین در قم بی‌مقدارند و اگر این جهت نبود، مردم از هر سو به سوی آن شتابان می‌آمدند و در نتیجه قم ویران و اهل آن نابود می‌شدند و دیگر حجتی بر سایر بلاد نبود و هنگامی که چنین می‌شد، آسمان و زمین استقرار نمی‌یافت و یک چشم به هم زدن، مهلت داده نمی‌شدند و به راستی که بلا از قم و اهل آن، دفع می‌گردد و به زودی زمانی فرا برسد که قم و اهل آن، حجت بر سایر خلایق باشند و این در زمان غیبت قائم تا هنگام ظهور اوست و اگر این نبود، زمین اهل خرد را فرومی‌برد و به راستی که ملائکه بلاها را از قم و اهل آن دفع می‌کنند و هیچ جباری، قصد سوء در بارهٔ آن نمی‌کند، جز این که شکنندهٔ پشت جبارین، او را در هم خواهد شکست و او را از آسیب رساندن به آن مردم، به وسیله رویداد مشکلی یا مصیبت، یا دشمنی، مشغول خواهد گردانید و خداوند، یاد قم و اهل آن را از خاطر جباران و در دولت آنان خواهد برد، چنان که آنان یاد خدا را فراموش کردند.

۴. با سندهایی از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت ذکر کوفه کرده

و فرمودند:

سَخَلُوا كُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْرَزُ عَنْهَا الْعِلْمَ كَمَا تَأْرَزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلَدَةِ يُقَالُ لَهَا: قُمَّ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى

الْمُحَدَّرَاتِ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمَّ وَ آهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ أَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيَقْبِضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَتَمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَطْهَرُ الْقَائِمُ عليه السلام وَ يَصْبِرُ سَبَبًا لِنِقْمَةِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ عَلَى الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ انْكَارِهِمْ حُجَّةً؛^۱

به زودی کوفه از مؤمنین، خالی می‌گردد و علم از آن قبض و گرفته خواهد شد، بدان‌گونه که مار در لانه‌اش گرفته می‌شود. سپس علم در شهری ظاهر می‌گردد که قم نامیده می‌شود و آن‌جا معدن علم و فضل می‌گردد؛ به گونه‌ای که در زمین مستضعفی در دین باقی نماند، حتی زنان پرده‌نشین. و این نزدیکی ظهور قائم ما خواهد بود پس خداوند، قم و اهل آن را در مقام حجت قرار می‌دهد و اگر این نبود، زمین اهل خود را فرو می‌برد و حجتی در زمین باقی نمی‌ماند، پس علم از قم به سایر بلاد در مشرق و مغرب سرازیر خواهد شد و حجت خدا بر مردم تمام می‌گردد، آن‌چنان که احدی بر صفحه زمین باقی نخواهد ماند که دین، به او نرسیده باشد. آن‌گاه، قائم ظهور می‌کند و موجب نعمت و خشم خدا بر بندگان - منحرف - خواهد شد، زیرا خداوند از بندگان خود انتقام نمی‌گیرد، مگر بعد از آن‌که آنان حجت را انکار کنند.

۱. همان، ص ۲۱۳، ح ۲۳.

۵. ابو مقاتل دیلمی می‌گوید: از حضرت علی بن محمد - امام هادی عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

إِنَّمَا سُمِّيَ قُمَّ بِه لِأَنَّهُ لَمَّا وَصَلَتِ السَّفِينَةُ إِلَيْهِ فِي طُوفَانِ نُوحٍ عليه السلام قَامَتْ وَ هُوَ قَطْعَةٌ مِنْ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ؛^۱

همانا قم به این اسم، نامیده شد، زیرا چون کشتی نوح عليه السلام در جریان توفان، بدان جا رسید، ایستاد - و حرکت نکرد - و آن قطعه‌ای از بیت‌المقدس است.

۶. از امام صادق عليه السلام نقل شده که فرمود:

إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقَمٍّ وَ حَوَالِهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهَا؛^۲

هنگامی که فتنه‌ها و آشوب‌ها شهرها را فرا گرفت، بر شما باد که به قم و حوالی و نواحی آن رو بیاورید، زیرا بلا از قم و اطراف و جوانب آن دفع شده است.

۷. جماعتی نقل کرده‌اند که امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانُ فَالْأَمْنُ فِي كُوفَةِ وَ نَوَاحِيهَا مِنَ السَّوَادِ وَ قُمَّ مِنَ الْجَبَلِ وَ نِعْمَ الْمَوْضِعُ قُمَّ لِلْخَائِفِ الطَّائِفِ؛^۳

هنگامی که بلاها فراگیر شد، پس امن، در کوفه و نواحی آن از روستاها، و در قم از بلاد کوهستانی است و برای ترسناک فرارکننده به هر سو، قم چه جای خوبی است.

۱. همان، ح ۲۴.

۲. همان، ص ۲۱۴، ح ۲۶.

۳. همان، ح ۲۷.

۸. از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمود:

قُمْ عَشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَأْوَى شَيْعَتِهِمْ وَ لَكِنْ سَيِّئِكَ جَمَاعَةٌ مِنْ
شَبَابِهِمْ بِمَعْصِيَةِ آبَائِهِمْ وَ الْأَسْتِخْفَافِ وَ السُّخْرِيَّةِ بِكِبْرَائِهِمْ وَ
مَشَائِيخِهِمْ وَ مَعَ ذَلِكَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ شَرَّ الْأَعَادِي وَ كُلِّ سُوءٍ^۱

قم آشیانه آل محمد و پناهگاه شیعیان آن‌هاست و لکن به زودی
جماعتی از جوانان، آن‌ها بر اثر نافرمانی پدران و استهزای به بزرگان و
پیش کسوتانشان هلاک خواهند شد و در عین حال، خداوند، شر
دشمنان و هر بدی را از آنان دفع خواهد فرمود.

۹. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَ عَنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ فَإِنَّهُ مَأْوَى الْفَاطِمِيِّينَ وَ مُسْتَرَاخُ
الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا أَرَادَ أَحَدٌ بِقُمْ وَ أَهْلِهِ سُوءًا إِلَّا آذَلَّهُ اللَّهُ وَ أَبْعَدَهُ مِنْ
رَحْمَتِهِ^۲

هنگامی که مصیبت و رنجی به شما رسید، بر شما باد به قم، زیرا آن‌جا
ماوای فاطمیین و استراحت‌گاه مؤمنین است و هیچ‌کس تصمیم سویی
در باره قم و اهل آن نگرفت، مگر این‌که خداوند، او را خوار کرده، از
رحمت خود دور ساخت.

۱۰. و از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام روایت است که فرمود:

إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَ لِأَهْلِ قُمْ وَاحِدٌ مِنْهَا فَطُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ طُوبَى
لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ^۳

۱. همان، ح ۳۱.

۲. همان، ص ۲۱۴-۲۱۵، ح ۳۲.

۳. همان، ص ۲۱۵، ح ۳۳.

برای بهشت، هشت در است و برای اهل قم یکی از آن درهاست. پس

خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان.

۱۱. سلیمان بن صالح می‌گوید: در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم که

ذکر فتنه‌های بنی عباس و آنچه که از ناحیه آنان به مردم می‌رسد به میان
آمد. عرض کردیم: جان ما فدای شما باد، مفرّ و پناه‌گاه، در آن زمان کجا
خواهد بود؟ فرمود: به سوی کوفه و حوالی آن و قم و نواحی آن. سپس
فرمود:

فِي قُمْ شَيْعَتُنَا وَ مَوَالِينَا وَ تَكَثُرُ فِيهَا الْعِمَارَةُ وَ يَقْضُدُهُ النَّاسُ وَ
يَجْتَمِعُونَ فِيهِ حَتَّى يَكُونَ الْجَمْرُ بَيْنَ بِلَدَيْهِمْ^۱

شیعیان و دوست‌داران ما در قم‌اند و عمارت و آبادی در قم زیاد خواهد
شد و مردم، آهنگ قم می‌کنند و در آن گرد می‌آیند، به طوری که نهر
مخصوص، در میان شهرستان، قرار خواهد گرفت.

علاّمه مجلسی در این‌جا می‌فرماید: در بعضی از روایات شیعه وارد
شده که قم، از عمارت و آبادی به جایی برسد که جایگاه یک اسب، به هزار
درهم به فروش خواهد رسید. و در بیان روایت یادشده می‌فرماید: جمر،
نام نهری از انهار است که قبل از بنای شهر قم جاری بوده است.

۱۲. از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمود:

رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ
الْحَدِيدِ لِاتْرَلَهُمُ الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفُ وَ لَا يُمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَ لَا يَجْبَنُونَ
وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^۲

۱. همان، ح ۳۵.

۲. همان، ص ۲۱۶، ح ۳۸.

مردی از اهل قم مردم را به سوی حق، فرا می‌خواند. گروهی همچنان قطعات آهن به همراه او گرد می‌آیند، تند بادها آنان را نمی‌لغزاند، از جنگ خسته نمی‌گردند، نمی‌ترسند و بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت از برای اهل تقواست.

۱۳. عَفَّانِ بَصْرِيٍّ مِيْ گويد: حضرت صادق عليه السلام به من فرمود: آيا مي‌داني براي چه قم بدین نام نامیده شد؟ عرض کردم: خدا و رسول او و شما داناترید. فرمود:

إِنَّمَا سُمِّيَ قُمَّ لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ فَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَ يَنْصُرُونَهُ؛^۱

قم بدین اسم نامیده شد زیرا اهل آن با قائم آل محمد عليه السلام اجتماع نموده و با او قیام می‌کنند و بر این کار، استوار بوده، او را نصرت و یاری می‌نمایند.

۱۴. صفوان بن یحیی می‌گوید: روزی در خدمت حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر عليه السلام بودیم که نام قم و اهل آن و میل و توجهی که آنان به مهدی عليه السلام دارند به میان آمد، حضرت بر آن‌ها رحمت فرستاد و فرمود: خدا از آنان راضی و خشنود باشد. سپس اضافه کردند:

إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَ وَاحِدٌ مِنْهَا لِأَهْلِ قُمَّ وَ هُمْ خِيَارُ شَبْعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ حَمَّرَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَأَيَّتِنَا فِي طَيِّبَتِهِمْ؛^۲

از برای بهشت هشت در است و یکی از آن درها برای اهل قم می‌باشد و

۱. همان.

۲. همان، ح ۳۹.

آنان بهترین شیعیان ما از میان همه بلادند، خداوند ولایت ما را در طینت آنان عجین کرده است.

۱۵. از گروهی از اهل ری روایت شده که بر حضرت صادق عليه السلام وارد شدند و عرض کردند: ما اهل ری می‌باشیم، حضرت فرمود:

مَرْحَبًا بِأَخْوَانِنَا مِنْ أَهْلِ قُمَّ؛

آفرین بر برادران ما از اهل قم!

عرض کردند ما از اهل ری هستیم. حضرت همان سخن را تکرار فرمود. آنان بار دیگر حرف خود را تکرار کردند، و امام صادق عليه السلام همان پاسخ را دادند؛ بعد فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةَ وَ إِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَ هُوَ الْمَدِينَةُ وَ إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةَ وَ إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ بِلْدَةُ قُمَّ وَ سَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛^۱

راستی که برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا، حرمی است و آن مدینه است و برای امیر المؤمنین حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن شهر قم است و به زودی دفن می‌شود در آن سرزمین، زنی از اولاد من به نام فاطمه، پس هر کس او را زیارت کند، بهشت برای او واجب خواهد شد.

در ذیل همین روایت آمده که راوی این روایت می‌گوید: این سخن را

۱. همان، ص ۲۱۶-۲۱۷، ح ۴۱.

امام صادق علیه السلام در زمانی فرمودند که هنوز حضرت کاظم علیه السلام - پدر حضرت معصومه - تولّد نیافته بود.

۱۶. از ائمه علیهم السلام روایت شده که:

لَوْلَا الْقَمِيُونَ لَضَاعَ الدِّينُ؛^۱

اگر قمی ها نبودند، دین، ضایع و تباه می شد.

۱۷. از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است:

إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقَمٍ وَ حَوَالِهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَرْفُوعٌ عَنْهَا؛^۲

هنگامی که فتنه ها شهرها را فراگرفت بر شما باد به قم و حوالی و نواحی آن، زیرا بلا از آن برداشته شده است.

۱۸. از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

إِنَّ لَعْلَى قَمٍ مَلَكًا رَفَرَفَ عَلَيْهَا بِجَنَاحَيْهِ لِأَيْرِ بِدَهَا جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا آدَابَهُ اللَّهُ كَذَوْبِ الْمِلْحِ فِي الْمَاءِ ثُمَّ أَشَارَ إِلَى عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ: سَلَامٌ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ قَمٍ يَسْقَى اللَّهُ بِلَادَهُمُ الْعَيْثَ وَ يُنْزِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتِ وَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ هُمْ أَهْلُ رُكُوعٍ وَ سُجُودٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ وَ هُمْ الْفُقَهَاءُ الْعُلَمَاءُ الْفُهَمَاءُ هُمْ أَهْلُ الدَّرَايَةِ وَ الرَّوَايَةِ وَ حُسْنِ الْعِبَادَةِ؛^۳

راستی که فرشته ای بال های خود را بر قم افکنده و حرکت می دهد، هیچ ستمگری درباره آن قصد سوء نمی کند مگر این که خداوند، او را ذوب

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷، ح ۴۲.

۲. همان، ح ۴۴.

۳. همان، ص ۲۱۷، ح ۴۶.

می کند، همچون نمکی که در آب ذوب می شود. آن گاه اشاره به عیسی بن عبدالله کرد و فرمود: سلام خدا بر اهل قم، خداوند با باران رحمتش بلاد آنان را سیراب گرداند و برکات خود را بر آنان نازل فرماید و سیئاتشان را به حسنات مبدل گرداند، آنان اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند؛ آنان فقها، علما و فهیمانند؛ آنان اهل درایت و روایت و عبادت نیکو می باشند.

۱۹. روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

تُرِبَةُ قَمٍ مُقَدَّسَةٌ وَ أَهْلُهَا مِتْنَا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ لَا يُرِيدُهُمْ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا عَجَلَتْ عُقُوبَتُهُ مَا لَمْ يَخُونُوا إِخْوَانَهُمْ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَةَ سُوءٍ أَمَا إِنَّهُمْ أَنْصَارُ فَاثِمِنَا وَ دُعَاةُ (رُغَاة) حَقْنَا - ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ: - اللَّهُمَّ اغْصِمُهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ نَجِّهِمْ مِنْ كُلِّ هَلَاكَةٍ؛^۱

تربت قم مقدّس است و اهل قم از ما ایند و ما از آنانیم، هیچ ستمگری به آنان قصد سوء نمی کند مگر این که به سرعت به عقوبت و کیفر خود خواهد رسید و این تا هنگامی است که آنان به برادران خود خیانت نکرده اند. پس اگر خیانت کردند، خداوند، جباران بد عمل را بر آنان مسلط خواهد کرد. آگاه باشید که آنان - اهل قم - یاران قائم ما و دعوت کنندگان یا رعایت کنندگان - حق مایند. آن گاه سر خود را به آسمان بلند کرده و گفت: خداوند! آنان را از هر فتنه ای ننگه داشته و از هر گونه هلاکتی رهایی بخش.

۱. همان، ص ۲۱۹-۲۱۸، ح ۴۹.

۲۰. ابوالصلت هروی می‌گوید: من در خدمت حضرت رضا علیه السلام بودم که گروهی از اهل قم وارد شدند و بر آن بزرگوار سلام کردند. حضرت، جواب سلامشان را داده و آن‌ها را نزدیک خود جا داد. آن‌گاه به آنان فرمود:

مَرْحَبًا بِكُمْ وَ أَهْلًا فَأَنْتُمْ شِيعَتُنَا حَقًّا فَسَيَأْتِي عَلَيْكُمْ يَوْمٌ تَزُورُونَ فِيهِ تُرْتَبِي بِطُوسٍ أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَ هُوَ عَلِيٌّ غُسْلٍ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَ لَدَتْهُ أُمُّهُ؛^۱

خوش آمدید، آفرین بر شما، شما حقا شیعیان مایید و به زودی روزی فرا رسد که تربت مرا در توس زیارت کنید. آگاه باشید که هر کس با غسل، مرا زیارت کند، از گناهان خود خارج می‌شود، مانند روزی که مادر او را متولد ساخته است.

۲۱. حضرت عبدالعظیم حسنی می‌فرماید: شنیدم که حضرت علی بن محمد - امام هادی علیه السلام - می‌فرمود:

أَهْلُ قَمٍّ وَ أَهْلُ آبَةِ مَعْقُورٍ لَهُمْ لِيَزَارَتِهِمْ لِحَدِّي عَلِيٌّ بِنِ مَوْسَى الرَّضَا، عَلَيْهِ السَّلَام، بِطُوسٍ...؛^۲

اهل قم و اهل آبه (قریه‌ای از قرای ساوه) مورد غفران الهی‌اند، به خاطر این‌که جد من علی بن موسی الرضا علیه السلام را در توس زیارت می‌کنند.

۲۲. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که:

قُمْ بَلَدُنَا وَ بَلَدُ شِيعَتِنَا مَطَهَّرَةٌ مَقَدَّسَةٌ قَبِلَتْ وَ لَايْتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لِأَيْرِيدُهُمْ أَحَدٌ بِسُوءٍ إِلَّا عَجَّلَتْ عُقُوبَتُهُ مَا لَمْ يَخُونُوا إِخْوَانَهُمْ فِإِذَا

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۲۱.

۲. همان، ح ۲۲.

فَعَلُوا ذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَةَ سُوءٍ أَمَا إِنَّهُمْ أَنْصَارُ قَائِمِنَا وَ رَعَاةٌ حَقِّنَا - ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ: - اللَّهُمَّ اعْصِمْهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ نَجِّهِمْ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ؛^۱

قم شهر ما و شهر شیعیان ماست. پاکیزه و مقدس است - اهل آن - ولایت ما اهل بیت را پذیرفتند، هیچ کس تصمیم بدی درباره آنان نمی‌گیرد، مگر این‌که در عقوبت او سرعت خواهد شد و این مادامی است که به برادران خود خیانت نکنند. پس اگر به خیانت روی آوردند، خداوند جباران بد سیرتی را بر آنان مسلط می‌گرداند. آگاه باشید که آنان - اهل قم - انصار قائم ما و مراعات کنندگان حق مایند، سپس سر خود را به آسمان بلند کرد و گفت: خداوند، آنان را از هر فتنه و مشکلی نگره‌داری فرما و از هر هلاکتی نجات‌شان ده.

شایان ذکر است که هر چند در بسیاری از این روایات، قم را مصون از بلا و محفوظ از شر جباران دانسته‌اند ولیکن در روایت نوزده و بیست و دوم، قید کرده‌اند که تا هنگامی که به برادران خود خیانت نکنند - وگرنه شرایط دیگری است - و در روایت هشتم تصریح فرموده‌اند که گروهی از جوانان قم به سبب نافرمانی بزرگان، هلاک می‌شوند.

۱. حاج شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۷ ماده «قَمَم».

قم، حرم اهل بیت علیهم السلام

شاید هر کس کلمه حرم را در مورد قم بشنود و یا در نوشته‌ای بنگرد، فوراً متوجه حرم مطهر و بقعه مبارکه فاطمیه؛ یعنی مقدار معینی از زمین که زیر قبه سامیه و گنبد مطهر قرار گرفته است، بیفتد و همان‌گونه که معمول و متعارف است، همان موضع مبارکی که محصور است و علاقه‌مندان با احترام مخصوص وارد شده و در آن جا زیارت می‌خوانند، به ذهن بیاید.

ولی مقصود ما از حرم در این بحث، معنا و مفهوم گسترده‌تری دارد و خلاصه منظور، سراسر شهر قم و کلّ این سرزمین مقدّس و شریف است و این براساس روایت یا روایاتی است که از اهل بیت علیهم السلام وارد شده و براساس آن روایات، امام معصوم، این سرزمین را متعلق به خود و خاندان خود دانسته و حرم خویش خوانده‌اند و از این رو قم، سراسر، حرم اهل بیت علیهم السلام است.

در لغت آمده است که: حرم، آن چیزی است که انسان از آن حمایت و دفاع می‌کند، چیزی که انتهاک و حرمت شکنی آن روانیست. لذا

بیت‌المقدس را حرم اقصی گویند و چون لفظ حَرَمَان گفته شود، مقصود، مکه و مدینه باشد.

با لحاظ این معنا، می‌توان حرم را در این جا بیت و خانه، معنا کرد و گفت: قم، این سرزمین مبارک، خانه اهل بیت و جایگاه آنان و مرکز عنایت و مورد حمایت و دفاع آل محمد علیهم‌السلام است.

ما در این مقام، به ذکر عناوین توقیرآمیز و مزایای محترمانه این سرزمین پاک می‌پردازیم و پیش از آن، چون همه بحث‌ها در این فصل، درباره قم است، مختصر مباحثی پیرامون قم و نام آن اشاره می‌کنیم.

شهر قم و نام افتخار آفرین آن

قاضی نورالله شوشتری نقل می‌کند که حموی و دیگران گفته‌اند: قم از مداین مستحده اسلامی است و اهالی آن، همیشه امامیه بوده‌اند و ابتدای بنای آن در سال ۸۳ هجری قمری و در زمان عبدالملک مروان بوده است. قاضی خود می‌گوید: قم، شهری عظیم و بلده‌ای کریم است و از جمله بلادی است که همیشه دارالمؤمنین بوده و بسیاری از اکابر و افاضل و مجتهدان شیعه امامیه، از آن جا برخاسته‌اند و انتساب به چنین شهری، اقوا ادله صحت عقیده منسوب الیه است.^۱

ظاهراً «قم» اسمی است که عرب بر آن شهر، اطلاق کرده است. و از روایات استفاده می‌شود که این اسم، منشأ دینی دارد و با مناسبات ایمانی و عقیدتی بدین نام موسوم شده است. و اینک به چند روایت اشاره می‌شود:

۱. علامه مجلسی می‌فرماید: در روایات شیعه آمده که چون

۱. قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۸۲.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به معراج برده شد، ابلیس را دید که در این بقعه و سرزمین، جایگزین شده رسول خدا به او فرمود: **قُمْ يَا مَلْعُونُ!** ای ملعون! برخیز. پس آن سرزمین به قم موسوم گردید.^۱

۲. و در روایت پنجم از روایاتی که پیش‌تر اشاره کردیم، از حضرت هادی علیه‌السلام نقل شد که فرمودند: قم را بدین سبب قم نامیدند، که چون کشتی نوح، در داستان توفان، بدان جا رسید، ایستاد و متوقف شد.

۳. در روایت سیزدهم از روایات قبل خواندیم که حضرت صادق علیه‌السلام به عقیان بصری فرمودند: می‌دانی که چرا قم، بدین نام، موسوم شده است؟ او عرض کرد: خدا و رسول او و شما بهتر می‌دانید. حضرت فرمود: زیرا اهل قم با قائم آل محمد علیه‌السلام اجتماع کرده و با او قیام می‌نمایند و بر این امر، استقامت ورزیده، او را یاری می‌کنند.

اکنون بنا بر روایت اول، اسم قم از خطاب رسول خدا به شیطان، که فرمود: «قم» گرفته شده و بنا بر روایت دوم، از «قیام» گرفته شده و چون کشتی نوح در این سرزمین قائم شد و ایستاد، لذا آن را قم گفتند و طبق روایت سوم به تناسب حضور مردم قم با قائم آل محمد و قیام اهل قم با آن حضرت و استقامت‌شان، این سرزمین را قم نامیده‌اند.

البته این وجوه و مناسبات، قابل جمع نیز هست؛ یعنی می‌تواند تمام این وجوه، وجه مناسب نام‌گذاری این شهر، به قم باشد، کما این‌که روایت سوم، خود، متضمن سه وجه مناسبت است که هر یک برای نام‌گذاری کافی بود: یکی، حضور مردم قم با حضرت قائم علیه‌السلام؛ دیگری، قیام آنان با آن حضرت و آخر استقامت آنان در این راه.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷، ح ۴۲.

مزایا، خصوصیات و عناوین شهر قم

و اکنون به ذکر مزایا و خصوصیات شهر قم در چارچوب آنچه که از روایات استفاده می‌شود می‌پردازیم:

۱. قم از سوی خداوند متعال، حجت بر بلاد دیگر، شهرها و شهرستان‌های مختلف عالم، قرار داده شده است.
۲. خداوند قم را در حال استضعاف و بیچارگی وانی‌گذار دارد.
۳. قم در زمان غیبت قائم علیه السلام حجت است.
۴. ملائکه، بلا را از شهر قم، دفع می‌کنند.
۵. هر کس قصد سوء در باره قم کند، خداوند او را به داهیه و امر عظیمی یا به مصیبتی مبتلا می‌کند و یا دشمنی را در برابر او قرار می‌دهد که در نتیجه، مشغول به این‌ها شود و از اعمال اراده خود باز بماند.
- همه این مطالب پنج‌گانه را، از روایت سوم استفاده می‌کنیم.
۶. علم در قم ظهور و بروز پیدا می‌کند.
۷. قم معدن علم و فضل خواهد شد.
۸. علم و دانش از قم به مشرق و مغرب و تمام نقاط عالم، سرازیر خواهد گردید و همه جا از قم بهره‌مند می‌شوند.
- این چند مزیت را از روایت چهارم استفاده می‌کنیم.
۹. قم، قطعه‌ای از بیت المقدس می‌باشد. این مطلب در روایت پنجم آمده است.
۱۰. بلا از قم، دفع خواهد شد. این نکته در روایت ششم آمده است.
۱۱. قم مأمن است؛ یعنی مرکز ایمنی و امن و امان خواهد بود.

۱۲. قم، جایگاه خوبی برای انسان خائف و ترسانی است که به هر سو در طوف و حرکت است. این دو خصوصیت در روایت هفتم ذکر شده است.

۱۳. قم عَش و آشیانه آل محمد علیهم السلام است.

۱۴. قم مأوا و پناهگاه شیعیان و پیروان آل محمد علیهم السلام است. این دو امتیاز از روایت هشتم گرفته شده است.

۱۵. قم مأوای فاطمین؛ یعنی اولاد و ذراری فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد.

امکان دارد قبور فراوانی که از سادات و بنی فاطمه در این شهر است، به همین سبب باشد که آنان از هر سو رو به قم آورده و آن‌جا را مأوای خود قرار می‌دادند.

و نیز احتمال می‌رود که مقصود از فاطمین، دلدادگان و پیروان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام باشند و گویا فرموده‌اند: قم مأوا و مرکز پیروان و دوستان فاطمه علیها السلام است.

۱۶. قم محل استراحت و آسایش مؤمنان است.

۱۷. هر کس درباره قم تصمیم سوء بگیرد، خداوند، او را ذلیل و خوار گردانیده و از رحمت خود دور می‌سازد.

و این سه امتیاز در روایت نهم آمده است.

۱۸. قم مرکز شیعیان و موالیان اهل بیت عصمت و طهارت و خاندان پیغمبر است.

۱۹. قم مرکز توجه نفوس و علاقه و اجتماع مردم است. این دو خصوصیت، مستفاد از روایت یازدهم می‌باشد.

۲۰. قم، حرم خاندان پیغمبر و منزل و بیت آل محمد علیهم السلام بوده، مرکز و

جایگاه و محل توجه خاص امامان معصوم علیهم السلام خصوصاً از امام صادق علیه السلام به بعد است؛ چنان که حرم خدا، مکه و حرم رسول الله مدینه، و حرم حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام کوفه است.

۲۱. قم، مدفن پیکر پاک و مطهر فرزندان امام صادق علیه السلام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می باشد.

و این دو وجه شرافت بزرگ، در روایت پانزدهم با کمال صراحت و روشنی ذکر شده است.

۲۲. به هنگامی که بلا و گرفتاری عمومیت پیدا کرده و همه جا را فرا بگیرد، به امر حضرت رضا باید به سوی قم و حوالی آن رفت.

۲۳. بلا از قم - نوعاً برداشته شده است.

این دو جهت، مورد تصریح در روایت هفدهم است.

۲۴. قم زیر بال ملیکه است و فرشته آسمانی، بال خود را همچون چتری بر سر اهل قم افکنده و باز و بسته می کند.

۲۵. کسی که تصمیم بدی در باره قم داشته باشد، خداوند، او را ذوب می کند؛ چونان نمک که در آب ذوب می گردد. این دو امتیاز، در روایت هیجدهم آمده است.

۲۶. تربت قم، دارای قداست است.

این نکته افتخارآمیز در روایت نوزدهم مورد تصریح قرار گرفته است.

۲۷. بلد آل محمد و امامان علیهم السلام است.

۲۸. قم، بلد و شهر شیعیان علی و آل علی است.

۲۹. قم، مطهر است.

۳۰. قم، مقدس است.

۳۱. قم، سرزمینی است که خود، ولایت آل علی را پذیرفته است. البته احتمال می رود که مقصود اهل قم باشند. و این چهار یا پنج خصوصیت را از روایت ۲۲ استفاده کردیم.

این ها سلسله افتخارات و امتیازاتی است که برای شهر قم، از لسان خاندان وحی علیه السلام صادر گردیده و ما را متوجه موقعیت عظیم و بزرگی معنوی این سرزمین شریف می گرداند.

و چه بگویم راجع به شهری که معصومین پاک، این گونه آن را ستوده اند و چه افتخار آفرین است شهری که حجت خدا بر همه بلاد عالم می باشد. شهری که مورد عنایت خداوند بوده و حق تعالی آن را مستضعف، رها نخواهد کرد.

شهری که در عصر پراز مشکلات غیبت حضرت ولی عصر، حجت می باشد.

شهری که فرشتگان الهی بلا را از آن دفع می کنند.

شهری که تصمیم سوء گیرنده آن را خداوند، به داهیه و مشکل بزرگ و مصیبت و دشمن خطرناک دچار می سازد تا از تصمیمش باز بماند.

شهری که مهد علم و دانش و محل بروز حرکت های علمی است.

شهری که معدن علم و کانون فضیلت و فرهنگ اسلامی خواهد گردید.

شهری که علم و دانش، سیل مانند از آن جا به اطراف و اکناف دنیا

سرازیر خواهد گردید و بالاخره اقطار جهان را تغذیه علمی می کند. شهری

که قطعه ای از بیت المقدس - شهر پیامبران و مدفن انبیا - است. شهری که

بلا از آن دفع شده و خواهد شد.

شهری که مأمّن و بهترین موضع برای انسان ترسان و به هر سو در

حرکت و فرار، خواهد بود.

شهری که آشیانه آل محمد علیهم السلام و مأوای شیعیان و هواخواهان آنان است. شهری که مأوای فاطمین و جایگاه آسایش مؤمنان می باشد. شهری که مرکز موالیان و دلدادگان خاندان پیغمبر و نقطه توجه نفوس و اجتماع مردم است.

شهری که حرم اهل بیت و مدفن بانوی گران قدر آل محمد، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است.

شهری که به هنگام فراگیر شدن بلاها باید بدان جا رو آورد و بلا از آن جا برداشته شده است.

شهری که زیر چتر بال ملک است و کسی که تصمیم ناروایی درباره آن داشته باشد، به کلی نابود خواهد گردید.

شهری که تربت و خاک پاک آن، از قداست خاصی برخوردار است.

راستی شهری عجیب و سرزمینی شگفت انگیز است! کسانی که روی زمین آن راه می روند، در سرزمین مقدس راه می روند و آنان که در این شهر ساکن و مقیمند، در عرش آل محمد و در حرم اهل بیت پیغمبر علیهم السلام اقامت گزیده اند.

و در آخر، قم شهری است که متجاوز از چهار صد امامزاده واجب التعمیم در آن آرمیده و مدفونند و این خاک مقدس، پیکر پاک این عده کثیر از آل علی علیهم السلام را در خود جای داده است و علما و فقها و محدثین بزرگ شیعه و اصحاب ائمه علیهم السلام به قدری در سرزمین قم، به ویژه در اطراف حرم شریف و صحن مطهر حضرت معصومه مدفونند که به شمار نمی آید.

به سبب این قداست خاص است که فقیه نامدار و اصولی جلیل القدر، مرحوم حاج محمد ابراهیم کلباسی - کرباسی - اعلی الله مقامه، مرجع معاصر مرحوم میرزای قمی، بنا بر آنچه که منقول و معروف است، هنگامی

که از اصفهان به قم می آمد، از پل علیخانی - دروازه معصومه سابق - یا از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام کفش های خود را بیرون آورده و به دست می گرفت و تا حرم مطهر، پیاده می رفت و می فرمود: در این جا علمای ابرار و اصحاب ائمه و محدثان بسیار آرمیده اند و سراسر این قسمت، قبور آن بزرگواران است.

مزایای مردم قم

به مقتضای روایاتی که نقل کردیم، مردم قم دارای مزایا و افتخارات فراوانند:

۱. آنان جزء اهل بیتند.
۲. آنان مردمی نجیب و بزرگوارند و نجبای مردم به شمار می روند.
۳. کسی که تصمیم بد در باره آنان بگیرد، خداوند او را درهم می شکند. این سه مطلب از روایت اول استفاده می شود.
۴. خداوند با مردم قم بر سایر مردم، احتجاج خواهد کرد.
۵. خداوند، آنان را مستضعف نخواهد گذاشت.
۶. خدای تعالی آنان را موفق و مؤید می دارد.
۷. بلا از مردم قم دفع خواهد گردید.
۸. اهل قم حجت بر خلائق در زمان غیبتند.
- این پنج مطلب از روایت سوم استفاده می شود.
۹. هر کس اراده بدی در مورد آنان کرد، خداوند او را ذلیل و خوار و از رحمت خود دور ساخت.

این مطلب در روایت نهم مورد تصریح، واقع شده است.

۱۰. برای مردم قم دری مخصوص، از درهای بهشت است.

۱۱. امام علیه السلام سه بار درباره آنان (طوبی لهم) فرموده است؛ یعنی خوشا به حالشان. و این دو مطلب، در روایت دهم آمده است؛ چنانکه مطلب اول از این دو در روایت چهاردهم نیز آمده است.
۱۲. مردی از اهل قم، دعوت به حق می‌کند. این مطلب در روایت دوازدهم ذکر شده است.
۱۳. اهل قم با قائم آل محمد علیه السلام اجتماع کرده و او را یاری می‌نمایند. این سخن در روایت سیزدهم آمده است.
۱۴. طلب رحمت و رضا و خشنودی خداوند، برای مردم قم، از ناحیه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام.
۱۵. آنان بهترین شیعیان‌اند.
۱۶. خداوند، ولایت اهل بیت را با ذات آنان عجین کرده است. این سه نکته در روایت چهاردهم ذکر شده است.
۱۷. اهل قم برادرخواندگان اهل بیت‌اند. این مطلب در روایت پانزدهم آمده است.
۱۸. اگر قمی‌ها نبودند، دین، ضایع می‌شد. این نکته افتخار آمیز در روایت شانزدهم آمده است.
۱۹. مورد سلام و درود امام علیه السلام‌اند.
۲۰. مشمول دعای امام‌اند که خدا بلایشان را با نزول باران، سیراب گرداند.
۲۱. مشمول دعای امامند که خدا برکاتش را بر آنان نازل گرداند.
۲۲. و دعای امام علیه السلام که خدا سیناتشان را به حسنات مبدل گرداند.
۲۳. آنان اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند.
۲۴. آنان فقهایند.

۲۵. و نیز علمای فهیم و دانا می‌باشند.
۲۶. اهل درایت، فهم و دانایی، و روایتند.
۲۷. اهل عبادت نیکو و شایسته می‌باشند. این نه مطلب پرافتخار، در روایت هیجدهم ذکر شده است.
۲۸. امام علیه السلام مردم قم را از خاندان خود، و خاندان خود را از آنان برشمرده است.
۲۹. آنان انصار قائم آل محمد، علیه و علیهم السلامند.
۳۰. آنان دعوت کننده، یا رعایت کننده حقوق اهل بیتند.
۳۱. مورد دعای امام صادقند که خداوند آنان را از هر فتنه‌ای نگه داشته و از هر گونه هلاکتی نجات بخشد.
- این مطالب چهارگانه در روایت نوزدهم آمده است. چنانکه سه مطلب اخیر، در روایت ۲۲ نیز آمده است.
۳۲. تصدیق و امضای تشیع اهل قم با ذکر کلمه (حقاً) برای تأکید.
۳۳. آنان از دیر زمان زائران حضرت رضا علیه السلام بوده‌اند. این دو نکته در روایت بیستم ذکر شده است.
۳۳. اهل قم و نیز اهل آبه - از قرای ساوه - به برکت زیارت حضرت رضا علیه السلام مورد غفران الهی‌اند.
۳۴. هر کس تصمیم سویی درباره آنان گرفت، تعجیل در کیفر او خواهد شد. این مطلب، در روایت ۲۱ و ۲۲، آمده است.
- راستی این همه شرف و افتخار و نقطه‌های روشن برای چه مردمی جز اهل قم وارد شده است؟! مردمی که خداوند با آنها بر دیگران احتجاج می‌کند، مردمی که

خداوند آنان را مستضعف و عقب افتاده رها نخواهد کرد، مردمی که مورد توفیق و تأیید الهی بوده و بلا از آنان دفع می شود و در زمان غیبت، حجت بر مردمان دیگرند.

مردمی که هر کس سوء نیت در باره آنان داشته باشد خداوند، او را خوار و زبون می دارد و از رحمت خود، دور می سازد.

مردمی که یک در بهشت، ویژه آنان بوده و امام علیه السلام در مقام تقدیر و تکریم آنان سه بار جمله «خوشا به حالشان» را ذکر کرده اند. مردمی که یک شخصیت ممتاز از میان آنان بر می خیزد و ملت را به سوی خدا دعوت می کند.

مردمی که با حضرت ولی عصر، عجل الله تعالی فرجه، همراه بوده و او را یاری می کنند، مردمی که شیعیان برتر بوده و ولایت آل محمد علیهم السلام در سرشت ذات آنان عجین شده است.

مردمی که امام، آنان را برادران خود خوانده و اگر آنها نبودند، دین الهی ضایع می گردید.

مردمی که مورد سلام امام علیه السلام قرار گرفته و با جمله افتخار آفرین: **سَلَامُ اللَّهِ عَلَيَّ أَهْلِ قَوْمٍ**، سلام الهی نثار آنان شده است.

مردمی که امام معصوم از خدا خواسته که بلادشان را سیراب کرده، برکاتش را بر آنان نازل گردانیده و گناهانشان را به خوبی و ثواب مبدل فرماید.

مردمی که اهل رکوع، سجود، قیام و قعود بوده، فقها و علمای فهیم و دانا قلمداد شده اند و اهل درایت، روایت و عبادت نیکو می باشند.

مردمی که امام علیه السلام آنان را از خود و خود را از آنان قلمداد کرده و انصار مهدی موعود و دعوت کنندگان یا مراعات کنندگان حقوق خاندان پیامبرند.

مردمی که مشمول دعای خیر امام علیه السلام می باشند که از هر فتنه ای مصون و از انواع هلاکت ها محفوظ بمانند.

مردمی که امام علیه السلام مؤکدانه آنان را شیعه خوانده و تشیعشان مورد گواهی حجت خدا واقع شده و بالاخره مردمی که همواره اهل زیارت حضرت رضا بوده و به برکت زیارت آن بزرگوار، مورد مغفرت الهی اند.

بدون تردید هیچ سرزمین و جایگاهی نیست که این قدر فضیلت و منقبت داشته باشد.

و اکنون که اهل قم این قدر مناقب دارند، به جاست که موضع سراسر توقیر و تکریم خود را حفظ نموده، شایستگی خود را برای این همه افتخارات با خوبی، ایثار، تقوا و کرامت نفس، به اثبات برسانند.

در این جا ناگزیر این نکته را تذکر می دهیم که بعید است این همه تعظیم و احترام برای هر کسی باشد که در این شهر اقامت کرده و در آن فرو آمده یا از آن جا نشئت گرفته باشد، بلکه در کلمه اهل، اهلیت افتاده و اگر لغت، در این موضوع، همراهی نکند، لسان دین آن را تأیید و امضا کرده است.

چنان که خداوند در داستان حضرت نوح علیه السلام و فرزندش می فرماید: نوح گفت:

﴿إِنَّ أَبِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ﴾^۱

خداوندا، پسر من از اهل من است و وعده تو - برای نجات اهل من - حق است.

خطاب شد:

﴿إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾^۲

۱. هود، آیه ۴۵.

۲. همان، آیه ۴۶.

نه، این پسر، از اهل تو نیست، او عملی ناصالح است. - فردی منحرف و گناه کار است.

راستی این آیه، وحشت‌زاست! نکند ما، در قم باشیم ولی اهل قم نباشیم و بالاخره باید مرد و زن و دختر و پسر و اهل قم همگی، ممتاز باشند، به طوری که الگوی پاکی و پرهیزکاری و اخلاق حسنه و ساده‌زیستی و حیا و عفت و راستی و درستی، برای مردمان بلاد دیگر به شمار آیند و نیاید روزی که آنان دنباله رو شهرهای دیگر و یا دنباله‌رو غربی‌های منحرف و دور از حیا باشند که: ﴿أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾. چنین به یاد می‌آید که مرحوم آقای حاج شیخ مرتضی انصاری، واعظ شهیر قمی رحمته الله در یکی از منابر خود خطاب به مأموران دولتی زمان طاغوت یا خطاب به خصوص رئیس شهربانی می‌کرد و می‌گفت: «شما هر روز اول صبح یک دور تسبیح بگو: این جا قم است، این جا قم است.»

راستی این خود نکته جالبی است و به جاست که مردم قم به ویژه پسران و دختران قمی فراموش نکنند که اهل قم می‌باشند و هر کاری و هر گونه لباسی شایسته شأن آنان نیست، و نیز به جاست که هر کس در قم زندگی می‌کند و در آن اقامت دارد، هر روز به یاد خود بیاورد که این جا قم است و شهر اهل بیت و حرم آنان و مأوی و آشیانه آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است، و در نتیجه حفظ حرمت حرم و حریم اهل بیت و ملاحظه و مراعات احترامات صاحبه البیت و صاحبه البلد؛ یعنی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را بنماید.

چراغ حرم اهل بیت، فاطمه معصومه علیها السلام

فواطم آل هاشم و فاطمه معصومه علیها السلام

در خاندان اهل بیت علیهم السلام بانوانی به نام فاطمه بوده‌اند که شخصیت ممتاز و مقامات عالی داشتند و ممتازترین این بانوان گران‌قدر، پنج نفرند که به اجمال و گذرا به معرفی شخصیت آنان می‌پردازیم:

۱. فاطمه بنت اسد، مادر پرافتخار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

او بانویی سرافراز است که از مزایای گوناگون برخوردار بوده و در میان همه زنان جهان، از اولین و آخرین، تنها زنی است که از جهان غیب، برای مراسم وضع حمل، به داخل کعبه فراخوانده شد و هدایت گردید و در آن مکان فوق‌العاده مقدس، فرزند بی نظیر خود، حضرت علی علیه السلام را متولد ساخت. این جریان را علاوه بر علما و مورخان شیعه، عده‌ای از علما و مورخان اهل سنت نیز نقل کرده‌اند.

او از جمله مهاجران از مکه به سوی مدینه طیبه به شمار می‌رود و قبل از مهاجرت، از روی علاقه و صفا اسلام را پذیرفته

بود. وی اول هاشمیه ای است که فرزند سرافراز او به خلافت اسلامی رسید.

این بانوی با ایمان و مهاجر، در مدینه طیبه، دارفانی را وداع گفت و از دنیا رفت.

ابن اثیر می‌گوید: رسول خدا ﷺ او را در جامه و پیراهن خود کفن کرد و در قبر او خوابید و برای او از خداوند، در خواست جزای خیر فرمود. به آن بزرگوار عرض شد: در مورد جنازه فاطمه، کاری کردید که با هیچ کس دیگر چنین ننمودید؟ رسول خدا ﷺ فرمود:

إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ بَعْدَ أَبِي طَالِبٍ أَبْرَ بِي مِنْهَا إِنَّمَا أَلْبَسْتُهَا قَمِيصِي لِيَتُكْسِنِي مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ وَاضْطَجَعْتُ فِي قَبْرِهَا لِيَهْوَنَ عَلَيْهَا عَذَابُ الْقَبْرِ؛^۱

بعد از ابوطالب هیچ کس درباره من نیکوکارتر از او نبود و من پیراهن خود را به وی پوشاندم تا از حله‌های بهشتی بر او پوشانده شود، و در قبر او خوابیدم تا عذاب قبر بر او آسان گردد.

۲. حضرت فاطمه زهرا، دخت رسول الله ﷺ

او سیده نسای جهانیان، و سرور بانوان بهشتی، و بزرگ‌ترین مظهر قداست در طبقه بانوان است. فاطمه مادر گرامی دو سبط رسول الله، حضرت امام حسن و حضرت امام حسین ﷺ است؛ یازده امام معصوم از بطن پاک او ولادت یافته‌اند، چنان‌که همسر گرامی امام امیرالمؤمنین ﷺ بود.

۱. ابن اثیر، اسدالغابة فی معرفة الصحابة، ج ۵، ص ۵۴۷.

وی در نظر پیامبر گرامی اسلام و حضرت علی ﷺ احترام ویژه‌ای داشت و مورد تکریم و اجلال همه امامان معصوم ﷺ بود؛ بلکه بعضی از آن‌ها مانند حضرت امام محمد باقر ﷺ در حالت تب و کسالت، توسل به حضرت فاطمه پیدا کرده و به یاد او بودند و نام مقدس وی را بر زبان می‌راندند.

۳. فاطمه دختر امیر المؤمنین ﷺ

او از یکی از همسرانی که حضرت علی ﷺ بعد از حضرت زهرا ﷺ اختیار کردند، تولد یافت. چنان‌که عالم بزرگ شیعه، شیخ مفید، به این موضوع تصریح کرده است.^۱

این بانوی معظمه، مورد احترام خاندان پیغمبر و صحابه آن بزرگوار بود و همچون حضرت زینب کبری، مواظبت بر حال بقایای دودمان آل علی ﷺ را بر عهده داشت.

حضرت امام محمد باقر ﷺ نقل می‌کنند که: چون فاطمه، بنت علی بن ابی طالب، نظر به کارهای عبادی و شدت کوشش فرزند برادرش علی بن الحسین (زین العابدین ﷺ) در عبادت، انداخت و دید که او خود را به رنج انداخته است، به نزد جابر آمد و فرمود: ای همنشین رسول الله، برای ما بر شما حقوقی است و از حق ما بر شما این است که چون دیدید یکی از ما خویشتن را برای تلاش در عبادت، به هلاکت انداخته است، مصرّاً او را سوگند دهید و از او بخواهید که خود را از بین نبرد و برنامه عبادت و ریاضت خود را کم کند و این علی بن الحسین باقی مانده و یادگار پدرش

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۳۵۵.

حسین است که بینی او زخم شده و پیشانی و زانوهای او کف دست‌هایش پینه آورده و برای عبادت، خویشتن را بدین حال انداخته است.

جابر به خانه علی بن الحسین آمد. حضرت باقر علیه السلام با چند نفر از کودکان بنی هاشم جلوی در خانه ایستاده بودند. جابر از او پرسید تو کیستی؟ فرمود: محمد بن علی بن الحسین. او گریه کرد و گفت: و الله تو باقری که علم را می شکافی. و سلام پیامبر را به او رسانید، و بعد از او خواست که از پدر بزرگوارش برای وی اذن ملاقات بگیرد. امام باقر رفت و برگشت و اذن داد. او وارد شد و از حضرت علی بن الحسین که عبادت در همه بدنش اثر گذاشته بود، در خواست کرد که برنامه عبادی خود را کم کند ولی حضرت فرمود:

لَا أَرَأَى عَلَى مِنْهَاجِ أَبِي مُؤْتَسِبًا بِهِنَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْنِهِمَا حَتَّى
الْقَاهُمَا...^۱

من پیوسته راه دو پدر بزرگوارم، پیامبر و علی علیه السلام را ادامه می دهم تا به ملاقات آنان برسم، و از دنیا بروم.

۴. فاطمه بنت الحسین علیه السلام

او دختر حضرت سید الشهداء علیه السلام و مورد محبت شدید آن حضرت بود و مجمع کمالات به شمار می رفت. حضرت امام حسین علیه السلام برای شدت علاقه به مادرش حضرت فاطمه زهرا علیه السلام، دختر خود را به نام آن حضرت نام گذاری کرده بود.

۱. شیخ طوسی، الامالی، ج ۲، ص ۲۴۹ - ۲۵۱، با تلخیص.

خطبه ای بس غزا و جالب و کوبنده از آن بزرگ بانوی آل عصمت نقل شده که در کوفه خوانده‌اند و در آن خطابه آتشین، مظلومیت جد بزرگوارش علی علیه السلام و پدر مظلومش حسین علیه السلام را به صورتی بسیار جالب و با عباراتی دل‌گداز، بیان کرده و این خطبه به تنهایی بیانگر شخصیت والا و درخشان، بیان جذاب، شجاعت و قهرمانی آن بانوی بزرگ اسلام است.

۵. فاطمة بنت موسی بن جعفر علیه السلام

شیخ مفید، اعلی الله مقامه، می نویسد: برای حضرت ابوالحسن موسی علیه السلام ۳۷ فرزند پسر و دختر بود و ضمن بر شمردن آنان می فرماید: و فاطمة الكبرى و فاطمة الصغرى...^۱.

ظاهر این است که حضرت فاطمه معصومه، همان فاطمه کبری باشد. هر چند شیخ مفید رحمته الله راجع به این موضوع، سخنی نفرموده است.

بالاخره این بانوی گران قدر، دارای مقامی بس شامخ و رفیع می باشد و ائمه طاهرين علیهم السلام از این بانوی با جلال با تمام تجلیل و تکریم یاد کرده‌اند و حتی پیش از ولادت آن حضرت، بلکه پیش از ولادت پدر بزرگوارش، نام او بر لسان بعضی از ائمه طاهرين علیهم السلام آمده و از مقام شامخ سخن گفته‌اند.

بر اثر همین تجلیات خاصه‌ای که امامان معصوم از او کرده و به اقتضای فضایل ذاتی و منقبت‌های فراوانی که در وجود پاک او متبلور است، شهر قم از عظمت و جلال خاصی برخوردار گردیده، مرکزیت برای جهان تشیع

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۴.

پیدا کرده و امروز، قم، شهرت جهانی دارد و اولین چیزی که از لفظ و واژه «قم» به اذهان مردمان جهان، تداعی می‌شود، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و قبر منور آن حضرت است که به عنوان یک زیارتگاه بسیار مهم در همه جا تلقی می‌شود و شهرستان قم از دیر زمان به عنوان شهر زیارتی، قلمداد می‌شده است که صرفاً برای زیارت قبر منور حضرت معصومه، از راه‌های دور و نزدیک بدان‌جا آمده، این ضریح مطهر و بقعه و بارگاه باشکوه را زیارت می‌کرده‌اند.

چنان‌که قبلاً ذکر شد نام نامی آن بانوی معظّمه، فاطمه است که گاهی هم به عنوان فاطمه کبری از او نام برده شده است، زیرا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام دختر دیگری نیز به نام فاطمه داشته‌اند که برای تمایز آن دو از یکدیگر، فاطمه مدفون در قم را فاطمه کبری نامیده‌اند و در فقره‌ای از فقرات زیارت آن معظّمه به همین نام از آن حضرت یاد شده است؛ آن‌جا که می‌خوانیم: **يَا فَاطِمَةَ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ.**

در عین حال شهرت کامل و گسترده‌ای به «معصومه» پیدا کرده‌اند به‌گونه‌ای که گاهی اسم مبارکشان برای بسیاری ناآشناست، لیکن واژه معصومه برای همگان آشنا بوده، یادآور همین بانوی با عظمت و وقار و یادگار حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد و معرّف و امتیاز روشن قم به شمار می‌رود. بلکه در قسمتی از بلاد جنوبی و احیاناً مناطق دیگر، قم را همراه با نام مقدس معصومه یاد می‌کنند و به عنوان معصومه قم نام می‌برند. و این خود مسئله‌ای قابل توجه و تعمق است که این لقب از کجا نشئت یافته است، آیا لقبی است که از ناحیه قدس پدر بزرگوار یا برادر عالی‌قدرش حضرت رضا علیه السلام یا از امامان بعد علیهم السلام سرچشمه گرفته یا این‌که

این لقب، لقبی مردمی و خود جوش است که بر اثر شدت پاکی و طهارت نفسی که از آن حضرت سراغ داشتند، به وجود آمده و تحقق یافته است و مردم مسلمان و دلدادگان اهل بیت عصمت و خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله او را بدین لقب مقدس و افتخار آمیز خوانده و یاد کرده‌اند؟

احتمال اول: ضعیف است، زیرا اگر این لقب، امری قراردادی از ناحیه امام معصومی از امامان بود، به طور طبیعی نقل می‌شد و در کلمات مورخین و محدثین می‌آمد، در حالی که تاکنون بدین موضوع برخورد نکردیم. چنان‌که شیخ مفید، که همه فرزندان حضرت موسی بن جعفر از پسر و دختر را نام می‌برد و حتی این‌که هر کدام از کدام مادر بوده‌اند را نیز یادآوری می‌نماید، از ذکر معصومه در کلامشان اثری نیست، با آن‌که نام مقدسش را که فاطمه است، ذکر کرده‌اند.

بنابراین، احتمال مردمی بودن این لقب پرافتخار برای آن بانوی مکرمه، بسیار قریب به نظر می‌رسد. چنان‌که می‌دانیم بعضی از شخصیت‌های بزرگ، بر اثر عظمت و جلالت قدر و پایگاه رفیع و موقعیت عظیمی که در جامعه دارند، به لقب افتخار آمیزی در میان مردم، اشتهار پیدا می‌کنند.

در مورد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به لحاظ این‌که به روایت صحیح مستندی در جوامع شیعی برخورد نکردیم، بلکه حتی روایت مرسل را هم در این باب نیافتیم که امام علیه السلام آن حضرت را به این عنوان خوانده و یا این لقب را برای او قرار داده باشند، بنابراین بعید نیست که مردم و علاقه‌مندان خاندان پیغمبر آن قدر عظمت و جلالت و رفعت شأن آن بانوی مکرمه را دریافت کرده و احساس نموده و یا از لسان ائمه طاهرین شنیده بودند که آن معظّمه را تالی و ثانی امامان و معصومین پاک، دانسته و این لقب برای

وی برزبان‌شان جاری شده است و به مرور زمان، بدان، اشتها پیدا کرده باشند.

باری، این لقب مبارک از همان دست القاب خود جوش و الهام مانند است که بدون تشریفات و تبانی اشخاص به ذهن خود مردم آمده و به فکرشان القا شده است و این نوع پیدایش لقب برای انسان، ارزش و اعتبار فوق‌العاده‌ای دارد که نشئت گرفته از الهام درون و ضمیر بیدار جامعه است و بالاخره مستند به ملکات فاضله و مقامات عالی و جایگاه رفیع آن شخص می‌شود که موجب شده، مردم، آن لقب را برای او قرار داده‌اند.

درخشش حضرت معصومه علیها السلام

در میان امامزادگان بزرگوار و واجب‌التعظیم، چند امامزاده، بسیار ممتازند، آنان امامزادگان عالی‌قدر و والا مقامی‌اند که گوی سبقت را در فضایل و مناقب و کرامت نفس و بزرگواری از سایر امامزادگان، ربوده‌اند و مقامات عالی آنان به شرح و بیان نمی‌آید و قلم از نگارش رتبه و الایشان عاجز و ناتوان است. از جمله آنان، حضرت سیده علیا، فاطمه مدفون در قم، معروف به حضرت معصومه علیها السلام است.

در جلالت قدر و رفعت مقام، و مرتبه و الای آن بانوی آسمانی همین بس که مورد احترام و تقدیس حضرات امامان معصوم و پیشوایان آسمانی علیهم السلام بوده و چنان‌که قبلاً اشاره کردیم پیش از آن‌که پا به دنیا نهد، از فضایل و مکرم‌هایش سخن‌ها گفته‌اند و سفارش زیارت قبر شریفش را به دوستان و محبان خود کرده‌اند.

و همه می‌دانیم که مدح و ثنایی که از لسان عصمت، تراوش کند و صادر شود، بزرگ‌ترین شرف و افتخار است.

از جمله مناقب و شرافت‌های افتخار آمیز آن بزرگوار، ورود یک صورت زیارت یا به تعبیر معروف، یک زیارت‌نامه مخصوص برای حضرت معصومه از ناحیه مقدس امامان علیهم السلام می‌باشد.

آری، ورود دستور خاص در کیفیت زیارت آن بانوی بهشتی، حکایت از شأن عظیم و مقام رفیع و رتبه و الای او می‌کند.

از جمله فضایل و مناقب حضرت معصومه علیها السلام علاوه بر انتساب بسیار نزدیک به خانه وحی و تنزیل و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نیز ابوالائمة الطاهرین، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام انتساب بی واسطه به سه نفر از امامان معصوم و حجج بالغه الهیه است که نشان عالی‌ترین شرف خانوادگی آن مجلله گران‌قدر، به شمار می‌رود.

آری، آن سیده و الامقام، دخت بلند اختر حجة الله الاعظم، حضرت ابابراهیم موسی بن جعفر - ارواحنا له الفداء - امام هفتم شیعیان جهان است و نیز خواهر عزیز و گرامی ولی اعظم پروردگار، حضرت علی بن موسی الرضا، علیه آلاف التحية و الثناء، امام هشتم شیعیان عالم است و همین‌طور عمه محترمه و گران‌قدر حجة الله علی العباد، حضرت امام محمد تقی، جواد علیه السلام نهمین امام مفترض الطاعة شیعیان، در اقطار جهان است.

این فضیلت بزرگ، راه‌گشا به سوی فضیلت و جلالت دیگری است و آن، مشابهت به حضرت علیا معظمه، زینب کبری علیها السلام است، زیرا او بانویی است که این سه جهت و این سه امتیاز در وی جمع شده است.

آری، حضرت زینب کبری دختر امام، امیرالمؤمنین علیه السلام است، چنان‌که

خواهر امام، حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام است و نیز عمه امام، حضرت زین العابدین علیه السلام می باشد.

باری، مطلب یادشده یعنی انتساب بسیار نزدیک و بلا واسطه حضرت معصومه علیها السلام نکته ای جالب و روح بخش را در پی دارد و آن این است که این انتساب به مثلث شریف و مقدس، و ارتباط به سه امام معصوم علیهم السلام مقتضی آن است که بزرگداشت و تکریم مقام والای آن خانم با جلالت، صبغه دیگری پیدا کند، و روشن تر آن که بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بزرگداشت مقام این سه امام بزرگوار است و طبیعی است که تکریم و احترام از شخصی، تکریم افراد بسیار نزدیک آن خانواده مانند پدر و برادر و دیگر نزدیکان اوست و به تعبیر دیگر، بزرگداشت آن مکرّمه، بزرگداشت خود آن حضرت در مرحله نخستین، و بزرگداشت مقام رفیع آن سه بزرگوار، در مرحله دوم و بزرگداشت کلّ خاندان پیامبر و بیت جلیل و رفیع رسالت و امامت است؛ چه آن که حضرت معصومه دسته گل زیبای بی مثالی از باغ رسالت و بوستان ولایت علیها السلام است.

مطلبی که در نشان دادن مقام والا و با عظمت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نقش مهمی دارد، فقره ای از زیارت حضرت معصومه است که می فرماید:

إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِّنَ الشَّانِ؛^۱

حقا که برای تو در نزد خداوند، شأنی از شأن معهود و مخصوص است.

۱. این جمله در زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام نیز ذکر شده است.

این جمله در خور دقت و توجه فراوان است و می سزد که اهل معرفت درباره آن بیندیشند و ما در این مقام به ذکر مختصری که فراخور بحث کوتاه ماست اکتفا می کنیم:

چنان که مشهود است، در این جمله، دو مرتبه کلمه شأن، به کار رفته است که نخستین را به صورت نکره آورده و دومی را به صورت معرفه یعنی با لفظ (الف و لام). اکنون نکره آوردن شأن اول، برای تفخیم و تعظیم است و گویا فرموده است: برای تو در نزد خدا، شأنی بس بزرگ و بلند پایه می باشد و از حدّ وصف و بیان خارج است و به شرح نمی آید.

به نظر می آید که مقصود از شأن دوم، که با الف و لام تعریف آمده است، شأن ولایت و امامت و عصمت باشد؛ یعنی از برای تو شأنی عظیم و موقعیتی رفیع، از نوع شئون امامت و ولایت و عصمت و یا سهمی مهم از آن مقام والاست (هرچند بالقوه باشد و بر اثر حکمت هایی به مرحله فعلیت و بروز و ظهور نرسیده باشد).

فاطمه معصومه علیها السلام، مولود بیت وحی و تنزیل، و نشئت گرفته از سلسله امامت و عصمت است. بنابراین ریشه های عمیق ولایت و امامت در جان آن حضرت هست و از این رو نفوذ و تأثیر معنوی و روحانی حضرت معصومه در اعماق جان پیروان خاندان عصمت از نوع تأثیر و نفوذ امامان پاک و معصوم می باشد و آن بزرگوار، به اذن الله، تصرف در جهان و در جان مردم دارند و می توانند در قضای حوایج و رفع گرفتاری ها و اصلاح امور، با عنایت حضرت حق، سبحانه و تعالی، اثر مستقیم داشته باشند.

با این بیان می توان گفت: خداوند بر حسب حکمت بالغه خود کلاً امامت و رسالت را در طبقه زنان قرار نداده است و اگر حکمت الهی ایجاب

و اقتضا می‌کرد و این منصب مقدس را برای زنان نیز مقرر می‌فرمود، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام زمینه‌ای بسیار مساعد داشت و نور ولایت و عصمت در درون پاک آن سیده جلیله به ودیعت نهاده شده و گوهر ذات مقدس، و وجود مطهر بانوی عظیم الشان دودمان وحی و رسالت، فوق‌العاده نورانی و با صفا بوده، تلؤلؤ ویژه‌ای داشته است.

عالم بزرگوار، جناب آقای احمدی میانجی رحمته الله نقل کرده‌اند: مرحوم آیه‌الله آقای آقا میرزا رضی تبریزی رحمته الله از مجتهدان بزرگ، برای فاتحه جناب زکریا بن آدم که در قبرستان شیخان قم مدفون است، به آن جا رفته بودند. در حال قرائت فاتحه به این فکر می‌روند که آیا زکریا بن آدم با آن جلالت قدر و رفعت مقام و روایاتی که در شأن او از ائمه طاهرين علیهم السلام وارد شده، بالاتر است یا حضرت معصومه علیها السلام؟

ناگهان یک نفر که کلاه نمدی بر سر داشته پیش می‌آید و به ایشان می‌گوید: آن بالا را بخوان. ایشان اعتنا نمی‌کند. بعد که آن مرد، می‌رود ایشان نگاه می‌کند می‌بیند، در آن جا نوشته شده است:

السَّلَامُ عَلَيَّ أَرْوَاحِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَرْوَاحِ. السَّلَامُ عَلَيَّ
أَجْسَادِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَجْسَادِ؛

سلام بر ارواح محمد و آل محمد در میان ارواح، و سلام بر اجساد محمد و آل محمد در میان اجساد.

ایشان فرموده‌اند: در این هنگام متوجه شدم که آن شخص به ظاهر معمولی، درون مرا خوانده و از فکر من راجع به افضلیت زکریا بن آدم یا حضرت معصومه آگاهی داشته و با امر کردن به قرائت از موضع مخصوص، خواسته است تا مشکل مرا رفع کند و مسئله مرا پاسخ بدهد که

حضرت معصومه از آل محمد علیهم السلام است و حساب او جداست و هیچ کس را نمی‌توان با آل محمد علیهم السلام مقایسه کرد.^۱

براساس بیانی که راجع به جمله: «فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِّنَ الشَّانِ» آوردیم می‌توان به این نتیجه رسید که دلدادگی به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام شرط در پذیرش و قبولی ولایت معصومین پاک و امامان معصوم شیعه است و بدون علاقه به آن بزرگوار، ولایت آن بزرگواران به ثمر نمی‌رسد و مقبول دربار الهی واقع نخواهد گردید.

احتمال دیگری در جمله مورد بحث است، بدین بیان که مقصود از شأن دوم، مقام والای شفاعت باشد که حضرت معصومه علیها السلام را از آن سهمی، بلکه سهم مهم و شایسته و وافی است. و ما به خواست خداوند، در بحث‌های آینده به آن اشاره خواهیم کرد.

شباهت حضرت معصومه به حضرت زینب علیها السلام

در میان بانوان با جلال و بانوان بیت رسالت و امامت، دو بانوی آسمانی‌اند که از جهات گوناگون شبیه به یکدیگرند و وجه شباهت و قدر مشترک بین آن دو، فراوان است. آن دو بزرگوار، یکی حضرت زینب کبری، عقیده آل هاشم علیهم السلام است و دیگری حضرت فاطمه معصومه علیها السلام.

۱. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَ لَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ؛ یعنی احدی از این امت را با آل محمد علیهم السلام، مقایسه نتوان کرد و کسانی که ریزه‌خوار نعمت آل محمدند، با آنان برابر نخواهند شد. آنان اساس دین و پایه‌های یقین‌اند» (نهج البلاغه، خطبه ۲).

و اما وجه تشابه و جهت مشابهت و مشارکت آن دو بانوی گران قدر الهی و آسمانی:

۱. هر دو سرافرازند که دختر امام معصوم و آسمانی‌اند. زینب کبری، دخت بلند اختر حضرت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و حضرت معصومه، دخت والا گهر حضرت موسی بن جعفر، صلوات الله علیها و علیهم اجمعین.
۲. هر دو بزرگوار، مفتخرند که خواهر امام معصوم‌اند؛ یکی خواهر دو حجت خدا، حسن و حسین علیهما السلام و دیگری خواهر حضرت علی بن موسی الرضا، علیه الصلاة و السلام، است.
۳. هر دو بانوی خاندان وحی، افتخار دارند که عمه امام معصوم می‌باشند: یکی عمه حضرت امام زین العابدین علیه السلام و دیگری عمه حضرت جواد الائمه علیهما السلام.
۴. هر دو، مورد تقدیس و تکریم امام معصوم قرار گرفته و حجت بالغه الهی، زبان به مدح و ثنا و ستایش آن دو گوهر گران بها گشوده است.
۵. هر یک از این دو بانوی بزرگ اسلام، مورد تعظیم و احترام سه امام مفترض الطاعه قرار گرفته‌اند: حضرت زینب علیها السلام از ناحیه پدر بزرگوارش، امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام و از سوی برادرش حضرت سیدالشهدا، حسین علیه السلام و از ناحیه برادر زاده‌شان حضرت امام زین العابدین علیه السلام مورد ستایش قرار گرفتند.

حضرت معصومه علیها السلام از ناحیه جد بزرگوارش، حضرت صادق علیه السلام و از جانب برادر گران قدرش، حضرت رضا علیه السلام و از سوی فرزند برادرشان، حضرت جواد الائمه علیه السلام مورد مدح و ثنا واقع شده‌اند. صلوات الله علیها و علیهم اجمعین.

۶. هر کدام از این دو بانوی با جلالت، علاقه شدیدی به برادر عزیز و والا مقام خود داشتند؛ حضرت زینب، به امام حسین علیه السلام و حضرت معصومه، به امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام.
۷. هر دو معظمه به خاطر علاقه به برادرشان، خانه و زندگی خود را رها کرده، وطن را ترک گفتند و رنج سفر را بر خود هموار نمودند؛ حضرت زینب از مدینه به عراق و بالاخره به شام رفت و حضرت معصومه از مدینه به ایران و بالاخره در سرزمین قم رحل اقامت افکند.
۸. هر دو بانوی بزرگوار، زادگاهشان مدینه، ولی مدفنشان در نقطه‌ای دور از زادگاهشان هست؛ حضرت زینب در شام یا مصر، علی المشهور، و حضرت معصومه در ایران و شهر مقدس قم.
۹. مدفن و مضجع هر یک از این دو بانوی بهشتی، زیارتگاه عاشقان و علاقه‌مندان خاندان پیغمبر است و مرقد مطهر و منور هر یک از آنان، دلدادگان بی‌شمار دارد و مردم مسلمان، حتی از شهرهای دور برای زیارت آن‌ها با تمام اشتیاق، سفر نموده، به تشرّف به اعتاب مقدسه آنان فخر و مباهات می‌کنند.
۱۰. هر کدام از این دو مکرمه، دو محلّ زیارت دارند: حضرت زینب در مصر و در شام، و حضرت معصومه در بیت النور محلّ اقامت و عبادتشان - مدرسه سّتیّه - و دیگر مدفن مقدس و حرم مطهر آن بانوی با جلالت.

وفات کریمه اهل بیت علیهم السلام

مأمون عباسی در سال دویست هجری قمری، حضرت امام رضا علیه السلام را از مدینه به مرو طلبید و آن حضرت به دنبال این جریان، از مدینه به سوی

مرو آمدند. خواهر آن حضرت، فاطمه معصومه در سال ۲۰۱ به خاطر اشتیاق ملاقات برادرش از مدینه به جانب مرو حرکت کرد و چون به ساوه رسید، بیمار شد. در این هنگام پرسش کرد که از این جا تا قم چه مقدار مسافت است؟ گفتند: ده فرسخ. حضرت، خادم خود را فرمود که مرا به جانب قم ببر و بدین ترتیب، خادم، حضرت معصومه را به قم آورده و در منزل موسی بن خزرج بن سعد فرود آورد.

مطلبی که از این نقل، استفاده می‌شود این است که قم از آن زمان، شهری بوده که به علاقه و ولایت اهل بیت رسول الله - صلوات الله علیهم اجمعین - شناخته شده بود و این اسم، برای حضرت معصومه، که تمام گذشته عمر خود را در مدینه، سپری کرده بود، یک مرکز آشنا به شمار می‌آمده است، ولی در این که چطور موسی بن خزرج را شناخته و براو وارد شده‌اند، اجمالی است و ممکن است که در ساوه، راجع به افراد سرشناس و بسیار محترم قم تحقیق شده باشد و او را معرفی کرده باشند یا آن‌که بعد از ورود به قم، پرسش کرده باشند و با معرفی مردم قم و ساکنان آن و شناختی که از موسی بن خزرج برای بانوی اسلام، حاصل گردیده، بر او وارد شده باشند.

البته نقل دیگری در این مورد است که زمینه این سؤال را به کلی منتفی می‌سازد و بعضی از بزرگان آن را صحیح تر از نقل اول می‌دانند و آن این است که چون خبر نزول اجلال حضرت معصومه به ساوه، به گوش آل سعد رسید، همگی متفق شدند که به قصد تشرّف به حضور آن بانوی یگانه، بیرون روند و از وی درخواست نمایند که به قم تشریف بیاورد.

موسی بن خزرج بر این امر، تقدم جست. همین‌که به خدمت حضرت

معصومه رسید، مهار ناقه آن حضرت را گرفت تا وارد قم ساخت و آن سیده جلیله را در خانه خود فرود آورد و جا داد و مدت شانزده یا هفده روز هم چنان باقی بودند و آن‌گاه از دنیا رفتند. پس او را غسل داده، کفن نمودند و نماز بر بدن مقدسش خواندند، و در زمین بابلان که ملک خود موسی بن خزرج بود، و اکنون روضه منوره آن حضرت است، به خاک سپرده و دفن کردند، و سقفی از بوریا بر قبر شریفش بنا نمودند، و هم چنان بود تا زینب، دختر حضرت جواد علیه السلام قبه‌ای بر آن قبر شریف بنا کرد.^۱

نقل شده است که محمد بن حسن بن ولید گفته: چون فاطمه، وفات یافت، او را غسل داده و کفن کردند و جنازه را به سوی بابلان حرکت دادند، آن‌گاه آن حضرت را کنار سردابی که برای وی حفر کرده بودند گذاشتند و آل سعد با هم به گفت و گو پرداختند که چه کسی داخل سرداب شود و جنازه آن حضرت را دفن نماید، بعد از گفت و گوها رأی آنان بر این قرار گرفت که پیر مرد کهن سال «فادر» نام، که خادم خود آنان بود و مرد صالحی به شمار می‌رفت، متصدی دفن شود.

از این رو از پی او فرستادند که ناگهان دیدند دو نفر سوار، که دهان خود را با لگام بسته بودند، با شتاب بسیار، از جانب ریگزار، پیدا شدند و چون نزدیک جنازه رسیدند پیاده شده، بر آن مخدّره، نماز خواندند، داخل سرداب شده و آن بدن مطهر را دفن کردند و آن‌گاه بیرون آمده، سوار شدند و رفتند و هیچ کس نفهمید که آنان چه کسانی بودند.^۲

شایان ذکر است که این جریان، اصلاً قابل استبعاد نیست، زیرا شواهد

۱. ر.ک: سید محسن امین جبل عاملی، اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۹۱.

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۹.

بسیاری در کتب اخبار و تاریخ و سیره و معجزات دارد که ما به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. سلمان فارسی در مدائن از دنیا رفت و در آن هنگام، امام امیرالمؤمنین علیه السلام در مدینه بودند، ولی برای دفن سلمان از مدینه - با تصرف الهی خود و به اذن الله سبحانه - به مدائن آمدند و پس از انجام مراسم دفن او به مدینه بازگشتند.^۱

۲. شطیطه، زن با ایمان نیشابوری در نیشابور از دنیا رفت و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از مدینه طیبه برحسب وعده‌ای که از پیش داده بودند، برای نماز بر جنازه او به نیشابور آمدند؛ در حالی که بر شتر سوار بودند و چون از امر او فارغ شدند، سوار بر شتر خود شده، به طرف بیابان برگشتند و به ابو علی بن راشد فرمودند: سلام مرا به یاران خود برسان و به آنان بگو: من و سایر امامان، ناچاریم که بر جنازه شما حاضر شویم، در هر شهری که باشید. پس در کار خودتان، از خدا بترسید.^۲

۳. در جریان دفن حضرت سید الشهداء علیه السلام از مسلمات است که حضرت امام زین العابدین از زندان کوفه به صحنه کربلا آمد و تجهیزات بدن مبارک پدر بزرگوار خود را انجام داد.

باری، بر حسب ظاهر و به مقتضای این اخبار و روایات، خصوصاً جمله اخیر، از جریان شطیطه، می‌توان حدس زد که آن دو بزرگوار، دو امام معصوم از خاندان حضرت معصومه، مثلاً حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و

۱. همان، ج ۲۲، ص ۳۷۳ و ۳۸۰.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل‌ابی طالب، ج ۴، ص ۲۹۱ - ۲۹۲.

حضرت رضا علیه السلام بوده‌اند که برای دفن بدن مطهر حضرت معصومه علیها السلام آمده اقدام به دفن آن پیکره تقوا فرموده‌اند. و چه کسی به تجهیزات فاطمه معصومه سزاوارتر از آن دو بزرگوار می‌باشد!

گاهی شنیده می‌شد که حضرت معصومه علیها السلام به عزم دیدار برادرشان از مدینه به سمت توس حرکت کرد و در قم خبر شهادت حضرت رضا علیه السلام را شنید و در آنجا بیمار شد و بالاخره از دنیا رفت. ولی این مطلب، خلاف تحقیق است؛ چنان‌که روایت سعدبن سعد از حضرت رضا علیه السلام بر این مطلب دلالت ظاهر دارد که حضرت معصومه پیش از حضرت رضا از دنیا رفته‌اند، زیرا در آن روایت، سعد می‌گوید: من از امام رضا علیه السلام راجع به زیارت فاطمه دختر موسی بن جعفر پرسش کردم.^۱

این سؤال حاکی از آن است که در زمان پرسش، حضرت معصومه از دنیا رفته بودند و مرقد و مضع وی معلوم بوده است.

مرحوم محقق بزرگ، میرزای قمی، اعلی الله مقامه، در جواب سؤالی که از وی راجع به این موضوع شده، به همین روایت، تمسک کرده‌اند، و صورت سؤال و جواب این است:

سؤال: از عیون اخبار الرضا حدیثی نقل شده است که راوی گفت: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَنْ زِيَارَةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بِقُمْ، و آنچه در زبان روضه‌خوان‌ها مشهور است، آن است که حضرت معصومه از مدینه به اراده دیدن برادر بزرگوار خود، بیرون

۱. تمام روایت و روایات دیگری را در بحث زیارت حضرت معصومه، ذکر خواهیم کرد.

آمدند. وقتی که به قم رسیدند، خبر شهید شدن آن حضرت در توس به او رسید، در قم چند روزی مکث نموده و وفات کردند. وجه جمع، چگونه است؟

جواب: آخوند ملاً محمد باقر مجلسی رحمته الله در بحارالانوار، دو حدیث بلکه سه حدیث از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که دلالت می‌کنند بر این که در حیات آن حضرت، فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام در قم مدفون شده بود، و خلاف آن را نقل نکرده است.^۱

علاوه بر این، تاریخ شهادت حضرت رضا علیه السلام مضبوط و در دست است و آن بر حسب نقل مورخان، آخر ماه صفر سال ۲۰۳ هجری قمری است و سال مسافرت آن بزرگوار به توس سال دویست هجری بوده است و حضرت معصومه علیه السلام بر حسب نقل، در پی مسافرت برادرشان و به تصریح بعضی از اهل تاریخ، در سال ۲۰۱ هجری، به عزم دیدار وی حرکت کرده‌اند. بنابراین وفات آن مخدّره حدود دو سال قبل از شهادت حضرت رضا علیه السلام واقع شده است.

نمی‌دانیم که چگونه این جریان به عکس، اشتها پیدا کرده است. این جا این نکته را یاد آور می‌شویم که خوب است خطبا و وعاظ محترم در نقل مطالب، دقت کنند و مطالب را هر چه بیشتر مستند، ذکر نمایند و نکند که یک مطلب خلاف، در طی قرون و اعصاری به وسیله منبر و اهل آن ترویج شود.

۱. میرزا ابوالقاسم قمی، جامع الشتات، ج ۲، ص ۷۸۶. واضح است که مقصود میرزای قمی از آخوند ملامحمد باقر، علامه مجلسی است و اما این که فرمود: سه روایت، مورد اشکال است، زیرا مجلسی، شش روایت را در این باب ذکر فرموده است.

زیارت حضرت معصومه علیه السلام

از جمله زیارات مسلم و مأثور از خاندان وحی، زیارت حضرت فاطمه معصومه علیه السلام است. روایات متعددی از امامان معصوم در ترغیب و تشویق مردم به زیارت آن حضرت و راجع به اجر و ثواب عظیمی که بر زیارت وی مترتب است وارد شده است.

علامه مجلسی، اعلی الله مقامه، از کتاب تاریخ قم نقل کرده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِي حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةُ وَ لِرَسُولِي حَرَمًا وَ هُوَ الْمَدِينَةُ وَ
لِامِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةُ وَ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ قُمْ وَ سَتُدْفَنُ فِيهِ
امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهَا الْجَنَّةُ. قَالَ عليه السلام
ذَلِكَ وَ لَمْ تَحْمِلْ بِمُوسَى أُمُّهُ؛^۱

برای خداوند، حرمی است و آن مکه است، برای رسول او حرمی است و آن مدینه می‌باشد، برای امیرالمؤمنین حرمی است و آن کوفه می‌باشد و برای ما حرمی است و آن قم است و به زودی زنی از فرزندان من به نام فاطمه، در آن، دفن گردد. کسی که او را زیارت کند، بهشت بر او واجب خواهد گردید.

امام صادق علیه السلام این را فرمود، در حالی که هنوز مادر موسی بن جعفر علیه السلام به آن حضرت حمل بر نداشته بود.

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۷ و از این پیش در بحث روایات آن را از ج ۵۷ نقل کردیم.

اهمیت مقام این بانوی مکرمه و عنایت خاصی که روی زیارت آن حضرت است از این روایت به خوبی ظاهر می شود، زیرا:
 اولاً: زمانی امام صادق علیه السلام از این مکرمه و زیارت او سخن می گوید که هنوز انعقاد نطفه پدر بزرگوار او نشده؛ چه رسد به خود او.

و ثانیاً: از دفن فاطمه معصومه در قم، خبر می دهند و ظاهراً به همین لحاظ، قم را حرم امامان قلمداد می کند، در حالی که شهرهای متعدد داریم که مدفن امام زادگان و الامقام، بلکه مدفن امامان است، ولی این وجهه و عنوان را پیدا نکرده اند که حرم امامان باشند.

ثالثاً: وعده صریح و قطعی بهشت به زائران قبر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام داده است.

این روایت، به سند دیگر نیز آمده و در آنجا عبارت چنین است که:
 حضرت صادق می فرماید:

إِنَّ زِيَارَتَهَا تَعْدِلُ الْجَنَّةَ^۱؛

زیارت فاطمه معصومه، معادل و هم تراز بهشت است.

ابن قولویه، متوفای سال ۳۶۷ هـ ق، که خود استاد شیخ مفید، اعلی الله مقامه، بوده نقل کرده است که سعد بن سعد گفته: من از حضرت ابوالحسن، امام رضا علیه السلام راجع به زیارت فاطمه، دختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسش کردم. حضرت فرمود:

۱. همان، ص ۲۶۷.

مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ^۱؛

کسی که او را زیارت کند بهشت از برای اوست.

و نیز از ابن الرضا حضرت جواد علیه السلام نقل کرده که فرمود:

مَنْ زَارَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ^۲؛

کسی که قبر عمه مرا در قم زیارت کند، از برای اوست بهشت.

از تعبیر عمّتی که در روایت حضرت جواد الائمه علیه السلام آمده، به ذهن تداعی می شود که امام جواد به داشتن چنین عمه محترمه ای افتخار می کند و از این رو به جای ذکر نام آن مکرمه، عنوان عاطفی و زیبای «عمّه من» را به کار می برد.
 علامه مجلسی رحمته الله می گویند: در بعضی از کتب و روایات دیدم که علی بن ابراهیم از پدرش از سعد نقل کرده که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

يَا سَعْدُ عِنْدَكُمْ لَنَا قَبْرٌ؛

برای ما در نزد شما [در قم] قبری است.

عرض کردم: جانم فدای تو منظورتان قبر فاطمه بنت موسی علیه السلام است؟

فرمود:

نَعَمْ، مَنْ زَارَهَا غَارِفًا يَحَقُّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ...^۳

آری، منظورم همان است، کسی که او را با شناخت حق و مقامش زیارت کند، بهشت از برای اوست.

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۲۴ و مرحوم شیخ صدوق رحمته الله در عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۷ و در ثواب الاعمال، ص ۱۲۴ به سند معتبر، این روایت را نقل کرده است.

۲. همان.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۵ - ۲۶۶.

در عبارت این روایت، لطایفی است:

۱. طبق این روایت، حضرت امام رضا علیه السلام ابتدا به سعد که قمی بوده فرمود: برای ما قبری است در نزد شما.

عبارت، چنان است که گویی این قبر، مال همه امامان و برای خاندان عصمت و طهارت است و همگی بدان عنایت و توجه دارند.

۲. در این روایت نیز وعده بهشت در مقابل زیارت حضرت معصومه داده شده است.

۳. در خصوص این روایت برای زیارت فاطمه معصومه قید شده است که: «عَارِفًا بِحَقِّهَا»؛ اگر با معرفت مقام والا و شناخت عالی از آن بانوی مکرمه، وی را زیارت کند، بهشت از برای اوست.

طبق این تعبیر، هنگامی بهشت جزا و پاداش زیارت حضرت معصومه است که زائر، عارف به مقام شامخ و مرتبه رفیع و منیع آن بزرگوار باشد.

بنابراین، باید کوشش کرد که قبل از زیارت آن حضرت، شناختی از او پیدا نمود و باید زائر، آشنای به جلالت قدر و منزلت رفیع وی در نزد خدای تعالی شود تا به چنین فوز عظیم و مرتبه والایی نایل گردد.

مطلب بسیار مهم و چشم‌گیری که در این روایات آمده است و قدر مشترک و جامع بین همه آنهاست، وعده بهشت به زائران قبر شریف فاطمه معصومه است. وعده صریح و آشکار به بهشت در مقابل زیارت حضرت معصومه در لسان مبارک سه امام معصوم و مفترض الطاعه آمده است:

حضرت امام صادق علیه السلام این وعده را داد؛ حضرت امام رضا علیه السلام نیز

تصریح به این وعده فرمود و بالاخره حضرت جواد علیه السلام نیز زائران قبر عمه‌اش را نوید به بهشت داد.

بر اساس این روایات شریفه و اخبار عدیده، استحباب زیارت مرقد منور فاطمه معصومه علیها السلام جای اندک تردیدی ندارد و خود، مطلبی روشن و واضح است.

زعیم شیعه و استاد بزرگ ما، مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی - اعلی الله مقامه - نیز در جواب یکی از استفتائاتی که از ایشان شده، بدین موضوع تصریح کرده‌اند و متن سؤال و جواب این است:

سؤال: آیا می‌توان گفت: زیارت حضرت معصومه در قم با ادله اجتهادی ثابت است، بدین ترتیب: آیه: ﴿وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ...﴾.

حدیث: «مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ يَوْمَ فَلَهُ الْجَنَّةُ».

اجماع: اتفاق همگی علمای شیعه از گذشته تا کنون.

سیره تمامی مردم شیعه از قدیم تا حال؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم. استحباب زیارت حضرت معصومه علیها السلام از نظر روایات، مسلم است و حاجتی به استدلال به ادله مذکور نیست. والله العالم؛ ج ۲۴/۲ ج ۱۴۰۸/۲.

مطلبی را در این جا برای اکمال بحث، اضافه می‌کنیم و آن این است که: مرحوم شیخ صدوق رحمته الله در کتاب ثواب الاعمال و نیز ابن قولویه در کتاب کامل الزیارات و علامه مجلسی در بحار الانوار اولاً: زیارت حضرت معصومه علیها السلام را ذکر کرده‌اند و سپس به نقل روایت زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام پرداخته‌اند.

این مراعات تقدیم و تأخیر، آن هم در کتاب‌های علمای کم‌نظیر در عالم تشیع اسراری را کشف می‌کند و خلاصه این ترتیب در ذکر، حاکی از آن است که حضرت معصومه علیها السلام بر حضرت عبدالعظیم - با تمام جلالت قدرش - تقدّم و ترجیح دارد؛ با آن‌که حضرت عبدالعظیم علاوه بر شرافت امامزاده بودن، محدّث نیز بوده است و از جمله راویان معروف اخبار امامان معصوم علیهم السلام به شمار می‌رود.

آری، حضرت معصومه علاوه بر مقامات معنوی، فرزند بلاواسطه حضرت موسی بن جعفر، امام کاظم علیه السلام است ولیکن حضرت عبدالعظیم با چهار واسطه به امام مجتبی علیه السلام می‌پیوندد.^۱ ضمناً حضرت معصومه نیز از محدّثین و روایان اخبار، به شمار می‌رود، چنان‌که در فصل مربوط به این موضوع خواهید دید که روایاتی از روایات مهم را این بانوی با عظمت نقل کرده‌اند.

حضرت ولی عصر و زیارت حضرت معصومه علیها السلام

به مقتضای روایات عدیده‌ای که از امامان بزرگوار، راجع به فضایل و مناقب حضرت معصومه و ثواب زیارت آن مخدّره معظّمه رسیده است، طبعاً ولی عصر، امام زمان، ارواحنا فدا، نیز برای آن بانوی بهشتی احترام و تعظیم فراوان قائلند و از روی همین قرائن و شواهد می‌توان گفت که آن ولی اعظم خدا نیز به زیارت عمّه بزرگوار خود، حضرت

۱. بدین ترتیب: عبدالعظیم (بن عبدالله)، بن علی، بن الحسن، بن زید، بن السبط الاکبر الامام الحسن المجتبی علیه السلام.

معصومه اهتمام دارند و مرقد مطهر وی مورد توجه، عنایات و الطاف امام زمان علیه السلام می‌باشد.

به همین مناسبت، زائران آن بقعه منوره، از زن و مرد نیز مورد لطف خاصّ امام زمان می‌باشند؛ زیرا آن حضرت می‌بیند که دلدادگان آل محمد و شیعیان اهل بیت علیهم السلام سر بر آستان عمّه گران قدرش ساییده و عتبه مبارکه و ضریح مقدّس او را می‌بوسند.

این‌ها مطالبی بود که با ملاحظه اخبار و روایات مربوط به زیارت بی‌بی دو جهان، ذکر کردیم. علاوه که بعضی از مکاشفات و رؤیاهای صادقه نیز که برای اهل دل و صاحبان نفوس زکیّه واقع شده، حکایت از همین معنا می‌کند.

مرحوم آیه‌الله آقای حاج آقا مرتضی حائری علیه السلام فرزند برومند مؤسس حوزه علمیه قم، مرحوم آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری علیه السلام در یادداشت‌های خود نوشته‌اند: من این جریان را که اهل علم و تحقیق و دقّت در این امور، زیارت حضرت معصومه را در قسمت بالا سر حرم - حضرت فاطمه معصومه علیها السلام - انجام می‌دادند نمی‌پسندیدم برای این‌که:

اولاً: سلام، به حسب اعتبار عرفی، باید به طرف آن موجود محترم باشد نه بالای سر و رو به قبله، که جسد مطهر در طرف چپ واقع می‌شود. و تا آن‌جا که می‌دانم در هیچ یک از سلام‌ها، به این شکل نرسیده است. ثانیاً: در خصوص ضریح آن حضرت، که قبر مطهر، انحراف دارد، صورت مطهر، نوعاً در پشت سر، واقع می‌شود.

شبی خواب دیدم که سه نفر مردمان بیابانی و بیابان گشته که یکی از آن سه بزرگوار - در عالم خواب معلوم بود که امام عصر، عجل الله فرجه و

فرجنا بفرجه، بود - در پشت سر حضرت، رو به قبله در طرف سر مبارک، ایستاده‌اند و به حسب ظاهر، زیارت می‌کنند؛ یعنی معلوم بود که برای زیارت ایستاده‌اند، ولی من کلمات آن‌ها را نمی‌شنیدم.

بعداً من به روایت سعد، که دلیل بر زیارت آن وجود مبارک است مراجعه کردم. دیدم «عند الرأس مستقبل القبلة» دارد؛ یعنی نزد سر و جانب سر، رو به قبله. و «فوق الرأس» ندارد که معنای آن، «بالای سر» باشد. و نزد سر، رو به قبله، با توجه به عرفیت سلام که باید رو به جانب جسد مطهر باشد منطبق بر همان موضع می‌باشد که در عالم خواب، امام علیه السلام و دو نفر از یاران آن بزرگوار ایستاده بودند.^۱

بیت النور یا محراب عبادت حضرت معصومه علیها السلام

یکی از مدارس علمیه شهرستان قم، مدرسه مبارکه ستیه است که در محله میدان میر و جنب آن میدان، واقع شده و مشهور است که حضرت فاطمه معصومه در دوران اقامتشان در قم - یعنی در فاصله ورود تا وفاتشان - در این مکان به سر می‌برده و دوران هفده روزه نقاهت و بیماری خود را در آنجا گذرانیده‌اند و برای آن مجلله معظمه، در آن مکان، محرابی بوده است که در آن عبادت می‌کرده‌اند و به گفته بعضی از اهل تحقیق، آن بقعه مبارکه را «بیت النور» خوانده‌اند و آن بقعه، جزء خانه موسی بن خزرج بوده و او از آن حضرت در آنجا پذیرایی می‌کرده است.

۱. یادداشت‌های مرحوم آقای حائری، ص ۱۱۸.

در ذیل روایتی که مرحوم مجلسی، اعلی الله مقامه، در شرح حال حضرت معصومه نقل کرده آمده است که: محراب نماز فاطمه علیها السلام تا هم اکنون در خانه موسی بن خزرج موجود است.^۱

مرحوم محدث قمی علیه السلام بعد از نقل این مطلب، می‌گویند: فقیر گوید: در زمان ما نیز آن محراب، موجود است و آن واقع است در محله میدان میر و معروف است به ستیه و ستی؛ به معنای خانم و بی بی است.^۲ و ما نیز مکرر به زیارت آن مکان مقدس رفته‌ایم. حجره مزبور که محراب مبارک حضرت معصومه در آن قرار دارد در قسمت جنوبی مدرسه، واقع شده است.

این مدرسه شریف، به امر و همّت مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی علیه السلام بازسازی شده است.

در پیشانی درگاه شمالی بقعه، عبارت: «یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة» و در ذیل آن، این بیت، ثبت است:

این جایگاه کیست که آن قدر منور است

این سجده‌گاه دختر موسی بن جعفر است^۳

البته مصرع اول این شعر، موزون نیست و احتیاج به تصحیح و تغییر دارد و می‌توان گفت:

این جایگاه کیست که این سان منور است

این سجده‌گاه دختر موسی بن جعفر است

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۹.

۲. حاج شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۶۲.

۳. عباس فیض، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۷۰.

یادآوری دو نکته ارزشمند

در پایان این بحث، دو نکته را یادآوری می‌کنیم که هر کدام به نوبه خود، مهم، سازنده و قابل توجه است:

۱. دخت بلند مقام حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مدت هفده روز که در قم و در خانه موسی بن خزرج اقامت داشته، محراب مخصوصی برای عبادت و نیایش، ترتیب داده بودند و این درسی بزرگ، برای عموم پیروان مکتب آل محمد علیهم السلام به ویژه زنان و دختران مسلمان است که به نماز و نیایش و بندگی خدای تعالی اهتمام بورزند و آن را امری سهل و آسان، قلمداد نکنند.

۲. الطاف الهی را درباره شیعه بنگرید که این بانوی عظمی از دو نقطه شهرستان قم، فیض بخشی می‌کند: یکی اقامتگاه چند روزه او و دیگری خوابگاه همیشگی و مدفن پیکر پاکش. و هر دو مکان، از قداست خاصی برخوردار است و متوسلان به ذیل عنایت خاندان عصمت و طهارت، گاهی از آن بقعه مبارکه و دیگر گاه از این قبه سامیه و مطهره، توسل پیدا کرده، دست حاجت و نیاز به دربار الهی بلند می‌نمایند و مشمول افاضات غیبی پروردگار بزرگ واقع می‌شوند.

از رهگذر خاک سرکوی شما بود

هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد

موقعیت و محبوبیت حضرت معصومه علیها السلام

معظمه اهل بیت، حضرت معصومه علیها السلام از محبوبیت ویژه‌ای در میان

طبقات مختلف مردم مسلمان، بهره مند و برخوردار بوده و هست. نوع محبوبیت آن مکرمه، نوع محبوبیت امامان معصوم علیهم السلام است.

علاقه و دلدادگی دین‌داران به آن بزرگوار، علاقه‌ای است که هم ریشه اعتقادی و مذهبی دارد و هم جنبه عاطفی، که آن بزرگ بانوی با جلال، از خاندان رسالت و امامت شیعی است و از شفیعان روز رستاخیز باذن الله می‌باشد و نیز جزء طبقه زنان است که غالباً مورد احترام‌اند و هم او بانویی جوان بود که در فصل جوانی از این جهان در گذشت. علاوه که در راه سفر و دور از وطن مؤلوف و اقربا و نزدیکان خود از دنیا رفت.

روی آوردن به حرم حضرت معصومه علیها السلام در مناسبت‌های مختلف

حرم مطهر فاطمه معصومه علیها السلام ملجأ خاص و عام و پناهگاه حاجت‌مندان است و مردم برای گرفتن حوایج خود از خدا و نیل به خواسته‌هایشان رو به آستانه آن مکرمه دوران می‌آورند.

هنگام تحویل سال، شور فوق‌العاده‌ای برای تشرّف به آستانه مبارکه است و آن‌قدر جمعیت از محلات مختلف قم، اطراف و شهرهای دور و نزدیک به این مکان مقدّس روی می‌آورند که علاوه بر حرم مطهر، رواق‌ها و صحن‌های متعدّد نیز مملوّ از جمعیت است و همچون دریایی بی‌کران، موج می‌زند.

آری، آنان همه می‌خواهند لحظه آغازین سال نو خود را در پناه حضرت معصومه باشند و آن لحظه که به نظرشان سرنوشت ساز، و مؤثر در تمام ایام یک سال جدیدشان است، در زیر سایه کرامت وی بگذرانند و خود و بستگانشان را در پرتو آن بزرگ بانوی اسلام، بیمه کنند.

البته آن اجتماع و مراسم هم مثل سایر اجتماعات و بقیه مراسم دینی و مذهبی، خالی از نقایص و کژی‌ها نبوده و آن چنان که باید و شاید مطلوب و ایدئال نیست، اما روی هم رفته، منظره‌ای با شکوه و تماشایی است که از عمق عقیده، ایمان پاک و اخلاص مردم مسلمان، به دختر بلند اختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام حکایت می‌کند.

از مظاهر عمق نفوذ حضرت معصومه در جان علاقه‌مندان به بیت وحی، این است که جوانان آنان، زندگی جدید خود را از کنار روضه مطهر و مرقد منور آن حضرت، آغاز می‌کند، عقد ازدواج عروس و داماد را گاهی با حضور خود آنان و گاهی بدون حضورشان در داخل حرم شریف، یا در رواق‌های مجاور و یادر مسجد بالا سر آن حضرت، اجرا می‌کنند که خود این جانب، مکرر در جریان مراسم عقد ازدواج اشخاص بوده و عقد همسری آنان را انشا نموده‌ام.

و اگر این مراسم در آن جا انجام نشود، بعد از انجام عقد، عروس و داماد برای تبرک و میمنت آغاز زندگی جدید خود، به عنوان زیارت، به حرم شریف، مشرف می‌گردند.

آری، آغاز زندگی مشترک، از کنار حرم دختر جوان حضرت موسی بن جعفر و از کنار قبر منور کریمه اهل بیت، موجب یمن و برکت و بقا و استمرار رشته صمیمیت و کامیابی هر یک از زن و شوهر از دیگری خواهد بود و خود، ضامن سعادت‌مندی آنان است؛ زوجین به برکت آن اختر فروزان آسمان ولایت، به خیرات بی‌شمار دنیا و آخرت دست خواهند یافت و بالاخره ازدواج آنان، ان شاء الله تعالی، موفقیت‌آمیز خواهد بود.

از اموری که در میان مردم قم و دیگر علاقه‌مندان به خاندان رسالت،

مرسوم و رایج است، بردن جنازه و اموات، به سوی حرم مطهر، برای تجدید عهد آنان با حضرت فاطمه معصومه است.

آنان سخت به این موضوع پای بندند که جنازه مردگان خود را پس از انجام غسل و مراسم تکفین، به سوی حرم مطهر ببرند و دور قبر مطهر آن معظمه طواف داده و بگردانند و خلاصه، آخرین زیارت و دیدار او را از حرم شریف، بدین صورت انجام دهند.

آری، وداع و خداحافظی با حضرت معصومه علیها السلام از یک سو و انجام آخرین زیارت از سوی دیگر، نیز استشفاع از آن بانوی بزرگ و رفتن به پناه آن مکرمه و زاد و توشه معنوی برداشتن از کنار قبر شریف آن بانوی یگانه، همه عواملی است که مردم را به پای بندی به آن برنامه مقدس، وادار می‌کند.

البته جنازه‌ای که از کنار قبر فاطمه معصومه، مطاف دائمی فرشتگان، راهی سفر آخرت شود، مورد لطف و رحمت الهی و تجلیل و تکریم فرشتگان مقرب آسمانی است و بعدی ندارد که ملائکه رحمت الهی به استقبال او بیایند و روح وی را به سوی بهشت، که وعده‌گاه زائران فاطمه معصومه و علاقه‌مندان اوست، ببرند.

مرحوم آیه‌الله شیخ غلامرضا خراسانی یزدی، در سال ۱۳۲۲، با فرزند خود و عده‌ای به مکه مشرف شدند. در بازگشت، از کویت به آبادان و از آن جا به کربلا مشرف گردیدند، در بازگشت از کربلا به قم مشرف شدند و مدتی را در قم توقف داشتند، در همین ایام، فرزند او حاج شیخ محمد، دچار سرماخوردگی و تب شدید شد؛ او را به بیمارستان منتقل کردند، ولی مفید واقع نشد و از دنیا رفت. در موقع خاکسپاری او، مرحوم حاج شیخ

غلامرضا به نزدیکان گفته بود: حاج شیخ محمد، سعادت داشت که در جوار دختر موسی بن جعفر فوت نمود.

و بعد به دستور پدر بزرگوار متوفا، این عبارت را روی سنگ قبر او حک کردند: «پسر غلامرضا یزدی خراسانی، پس از مراجعت از بیت الله الحرام و عتبات عالیات، مهمان حضرت معصومه علیها السلام شد.»^۱

بالاخره، چشم علاقه‌مندان، یک‌سره متوجه به عنایات حضرت معصومه علیها السلام است و در حیات، ممات و همه اطوار زندگی، امیدشان به اوست که عندالله تعالی، مقامی بس بلند و والا دارد.

علی‌رضا خان کاشانی، معروف به دکتر شفاء‌الدوله، در ده‌ها سال قبل مطبئی را در خیابان ارم، روبه روی در صحن مطهر، در طبقه دوم عمارت شخصی خود بازکرده و بر نمای دیوار بیرونی، اشعاری را با کاشی‌کاری عالی نوشته است، (طبقه دو که مطب او بوده، درست روبه روی حرم مطهر است و کسی که آن‌جا باشد، مشرف بر رواق آینه و قسمتی از صحن شریف می‌باشد.) و آن اشعار که حاکی از عمق دلدادگی به بانوی اسلام می‌باشد، و بعد از گذشت ده‌ها سال هنوز باقی است، این است:

رواق حکمت این‌جا، کاخ سبط مصطفی آن‌جا

بشارت دردمندان را، دوا این‌جا، شفا آن‌جا

در این‌جا طب یونانی و تشریح اروپایی

فرامین و الهیات و آیات خدا آن‌جا

سبب این‌جاست یعنی حکمت و تدبیر و دانایی

توانایی است یعنی حکم و تقدیر قضا آن‌جا

۱. میرزا محمد کاظمینی، تدیس‌پارسی، ص ۸۲-۸۶.

تواضع بزرگان در آستانه فاطمه معصومه علیها السلام

جلالت قدر و عظمت مقام بانوی اسلام، سیده جلیله طاهره، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از مسلمات است و مورد هیچ‌گونه ابهام و اجمال و یا سخن و اشکالی نیست، از این‌رو رؤسای مذهب و زعمای دین، در همه اعصار، برای آن بانوی آسمانی احترام فوق‌العاده قایل بوده و هستند و همگی در برابر آستان با عظمت و جلالش سر تسلیم فرود می‌آورند و تشرف به حرم مطهر ولیه‌الله را افتخار خود دانسته و به بوسیدن عتاب آن حضرت، سرافرازند و زیارت وی را مایه سعادت و خوشبختی دو جهان و نجات و رهایی خویشتن از عذاب الیم الهی می‌دانند.

از جمله این اعظام و بزرگان، سید الطائفه، مرحوم آیه‌الله العظمی آقای بروجردی - اعلی الله مقامه - است که شخصیت بزرگ جهانی بود و زعیمی بلا منازع و تقریباً متفق علیه به شمار می‌رفت.

او نسبت به مقام والای بانوی عصمت و امامت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام تعظیم و تفخیم خاصی می‌کرد.

یکی از اعلام از حواریین آن زعیم بزرگ، نقل می‌کردند که: صحبت این بود که ابن سعود در سفر به تهران، برای ملاقات با ایشان به قم بیاید. آقا پذیرفتند و موافقت نکرده، فرمودند: چون اگر به قم بیاید، به زیارت حرم حضرت معصومه علیها السلام نمی‌رود و این توهین به آن حضرت است که با من ملاقات کند، ولی به زیارت حرم مطهر حضرت معصومه نرود!

شدت تعظیم و احترام فوق‌العاده آن پیشوای بزرگ اسلامی، نسبت به مقام رفیع حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را بنگرید که از چنین موقعیت مهم

ظاهری و اجتماعی، چشم پوشی می‌کند و از این‌که پادشاه کشور سعودی به زیارتش بیاید می‌گذرد که نکند اندک غباری بر شخصیت والای کریمه آل محمد ﷺ بنشیند؛ در حالی که در آن روز و آن شرایط، آمدن پادشاه سعودی به قم برای دیدارشان، بستر بسیار مساعدی برای ارائه شخصیت جهانی آن مرد خدا بود.

و این درس بزرگی برای همگان است که درست متوجه باشند که نقطه مرکزی و محور همه عظمت‌ها در قم، حضرت معصومه و حرم مطهر اوست و هر شخصیتی در پرتو آن بزرگوار، مورد تعظیم و اجلال است و هر گونه احترام و تکریم از یک شخصیت دینی و روحانی، بدون مراعات مقام والای آن حضرت بی‌ارزش است و قابل قبول و تحمل برای انسان‌های بزرگ و وارسته نیست.

اهتمام شیعه به زیارت حضرت معصومه ﷺ

زیارت حضرت فاطمه معصومه ﷺ در نزد شیعیان، بسیار با اهمیت است و آنان از دیرزمان، بدان اهمیت داده، حتی اگر ساکن قم نباشند، رنج سفر را بر خود هموار کرده برای عرض ادب به پیشگاه مبارک آن حبیبیه دربار خدا به قم مشرف می‌شوند.

بسیاری از شیعیان کشورهای خارج که برای زیارت حضرت رضا ﷺ به ایران می‌آیند، تقید و اهتمام کامل دارند که از مشهد به قم بیایند و قبر منور حضرت فاطمه معصومه را هم زیارت کنند و همان‌گونه که ایرانیانی که به مکه مشرف می‌شوند، اگر قبل از اعمال حج، قبر پیامبر را زیارت نکرده باشند، پس از فراغت از انجام مناسک حج به زیارت رسول خدا در مدینه

می‌شتابند و یا اگر به عراق برای زیارت قبر حضرت امیرالمؤمنین و حضرت سیدالشهدا بروند، مقیدند علاوه بر زیارت آن دو بزرگوار و زیارت کاظمین ﷺ اگر چه یک روز هم که شده به سامرا بروند و قبر مبارک حضرت هادی ﷺ و حضرت عسکری ﷺ و مقام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را زیارت کنند، زایران خارجی حضرت رضا هم سفر زیارتی خود را با زیارت مرقد منور حضرت معصومه ﷺ تکمیل می‌کنند و بالاخره هر سال جماعت بسیاری از شیعیان و موالیان اهل بیت ﷺ از اطراف و اکناف ایران، از اقصی نقاط جهان و از بلاد بعیده و دور دست، برای درک فیوضات بی‌شمار، در پرتو زیارت آن معظمه آل عصمت، به قم آمده، در کنار قبر شریف و مرقد دلربای وی عرض ادب و اخلاص می‌کنند.

عشق و علاقه قلبی و عمیق دلدادگان اهل بیت عصمت و طهارت به زیارت کریمه خاندان وحی، حضرت معصومه چنان است که گاهی خیل عاشقان و علاقه‌مندان آن حضرت، وارد شهر قم می‌شوند و چون در این شهر، آشنایی نداشته و وضع مالی و مادی آنان ایجاب نمی‌کند که در هتل‌ها و حتی مسافرخانه‌های معمولی سکونت کنند، در کنار رواق‌ها و صحن‌های شریف و گاهی در میادین و خیابان‌های مجاور حرم شریف بار می‌اندازند و گاهی کنار خیابان و پیاده‌روی‌ها، مختصر چیزی را انداخته، فرش می‌کنند و با کمبود وسایل و نبود امکانات لازم، همان‌جا مختصر غذایی طبخ و یا تهیه می‌نمایند و مصرف می‌کنند و همان‌جا در گرما و سرما استراحت می‌نمایند.

آری، همه این شداید و سختی‌ها را تحمل کرده و بر خود هموار می‌سازند و دل‌خوشی آنان به این است که توانسته‌اند، قبر

مطهر دختر موسی بن جعفر را زیارت کنند؛ اینها مظاهر عشق و علاقه‌مندی مردم مسلمان و دین‌دار، به زیارت بانوی اسلام و کریمه اهل بیت است.

خانم محترمه و با دیانتی^۱ با گروهی به زیارت قبر حضرت رضا (ع) مشرف شده بودند. در بازگشت، هنگام شب، وارد قم می‌شوند و درب حرم و صحن منور حضرت معصومه بسته بوده است. زائران، می‌خواسته‌اند که راننده اتوبوس تا اذان صبح، توقف کند تا بتوانند حرم مطهر حضرت معصومه را زیارت کنند، ولی او نمی‌پذیرد و به درخواست آنان اعتنا نکرده، به سوی شیراز ادامه حرکت می‌دهد.

آن خانم محترمه برای همیشه دل سوخته و افسرده خاطر بود که موفق به زیارت حضرت معصومه (ع) نشده است.

علمای بزرگ و تراز اول شیعه، همواره، اهتمامی شدید به زیارت حضرت معصومه داشتند؛ از جمله آنان، استاد بزرگ ما، مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی، اعلی الله مقامه، مقید به این موضوع بودند. ایشان سالیان سال، نماز صبح را در مسجد بالا سر می‌خواندند و در همین فرصت، مدتی را نزدیکی قبر مطهر حضرت معصومه می‌نشستند و به زیارت و راز دل‌گویی با آن حضرت می‌پرداختند. در سال‌های اواخر اشتغالشان به تدریس، روز چهارشنبه بعد از فراغت از درس، به حرم مطهر مشرف می‌شدند و مدتی را بالای سر حضرت معصومه، درست متصل به

۱. مرحومه مادر بزرگم، یعنی مادر مادرم - رحمه الله علیها - خداوند اموات همه اهل ایمان، و آن مرحومه مغفوره را در عالم آخرت با حضرت معصومه (ع) محشور فرماید.

قبر مبارک، به زیارت و عبادت می‌پرداختند و خدام محترم حرم، در ساعت زیارت ایشان، قسمت بالای سر مبارک را خلوت می‌کردند و تا پایان برنامه مراقبشان بودند تا هجوم جمعیت به سوی ایشان مانع زیارت و دیگر برنامه‌هایشان نشود، البته به طور متفرق و به مناسبات هم به حرم مشرف می‌شدند ولی این برنامه همواره انجام می‌شد.

یکی از سال‌ها که برای تغییر آب و هوا به جاسب - محلی در اطراف قم - می‌رفتند و شاید آخرین مسافرت تابستانی ایشان بدان جا بود، کسالت و ضعف و خستگی شان شدت داشت، مع ذلک فرمودند: اول به حرم، مشرف می‌شوم و از آن جا به جاسب می‌رویم. بعضی از نزدیکان ایشان، عرض کردند: حالتان مساعد نیست، بنابراین هم‌چنان که اتومبیل از کنار حرم، عبور می‌کند، شما از داخل خودرو، سلام کنید و زیارت نمایید؛ ولی ایشان نپذیرفتند و بالاخره با همان حالت، به حرم رفتند، در حالی که بعد از پایان زیارت نتوانستند مسافت کوتاه ما بین داخل حرم تا درب کنار خیابان موزه را راه بروند. لذا برای ایشان در نزدیکی درب خروجی مسجد طباطبائی - مسجد موزه - صندلی گذاشتند و بعد از مختصر استراحتی، ایشان را به نزدیک ماشین آورده و سوار کردند.

مرحوم آقای حاج آقا حسین فاطمی (ع) راجع به استادش، مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می‌نویسد: برای رفتن به زیارت حضرت معصومه (ع) بسیار جدیت داشتند، با داشتن مرض قلب، همه روزه به حرم مشرف می‌شدند.^۱

۱. سید حسین فاطمی، جامع الدرر، ج ۲، ص ۲۲۸.

اهل سنت و زیارت حضرت معصومه علیها السلام

از بعضی از آثار گذشتگان مانند نوشته شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی استفاده می‌شود که زیارت حضرت معصومه، اختصاصی به شیعه نداشته، بلکه اهل سنت و علما و دانشمندان آنان نیز به زیارت بانوی بهشتیان می‌رفته‌اند و عبارت او در این مورد، چنین است: و اهل قم به زیارت فاطمه، بنت مطهره موسی بن جعفر روند که ملوک و امرا و علمای حنفی و شافعی به زیارت آن تربت، تقرّب نمایند.^۱

بلکه این عبارت، حاکی از آن است که علمای مذاهب مختلف اهل سنت، به زیارت فاطمه معصومه بنت موسی بن جعفر علیها السلام می‌آمده‌اند و چون در مقدمه مصنف آن کتاب، از تاریخ ماه ربیع الاول سال پانصد و پنجاه و شش از هجرت صاحب شریعت، ذکری کرده، باید گفت: علمای اهل سنت از شهرهای سنی نشین ایران در قرن ششم برای زیارت حضرت معصومه به قم می‌آمده‌اند و وقتی علمای سنی مذهب چنین باشند، به طور طبیعی عوام و پیروان آنان نیز این گونه بوده و به زیارت حضرت معصومه علیها السلام اهمیت می‌داده‌اند.

کرامات حضرت معصومه علیها السلام

حضرت فاطمه بنت الکاظم علیها السلام نیز، مانند دیگر اولیای پاک خداوند، دارای کرامت‌های باهره بوده و می‌باشند و در اعصار و قرون مختلف، عموم طبقات از عالم و عامی، شاهد و ناظر بعضی از آن کرامات بوده و

۱. عبدالجلیل قزوینی رازی، النقص، ص ۶۴۳.

گواهی داده‌اند. البته روشن است که در پرتو مقامات عالیه معنوی و تقرب خاصی که آن مکرمه، در نزد خدای تعالی دارند، از موهبت عظیم عنایت‌های الهی و الطاف ویژه پروردگار برخوردار گردیده، دارای چنین کراماتی شده‌اند.

مرحوم قائم مقام فراهانی می‌گوید: جناب امیرزا آقای سرکشیک حضرت معصومه قم می‌فرمود: در سنه ۱۳۰۰، ضعیفه مفلوج‌های را از کاشان به قصد استشفای به قم آوردند دخیل حضرت معصومه شد، شب کشیک من بود. ضعیفه، دور حرم مانده و درب حرم را بستند، چون نصف شب شد آن ضعیفه آواز داد که: حضرت، مرا شفا داد. در را گشودم، دیدم همان طور است که می‌گوید. واقعه را پرسیدم، گفت:

عطش بر من غلبه کرد، خجالت کشیدم آب بخواهم، با آن حالت، خوابم ربود، در واقع، جام آبی به من دادند و گفتند: این آب را بخور شفا می‌یابی. آب را خوردم و از خواب، بیدار شدم، دیدم نه از عطش، خبری است و نه از فلج اثری.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

و می‌فرمود: سالی نیست که دوسه نفر کور و شل از برکت تو سل به آن

معصومه، شفا نیابند.^۱

و هم او در جای دیگر می‌نویسد: کراماتی که در عصر خود این حقیر، از حضرت معصومه علیها السلام ملاحظه نموده زیاد است، خود کتابی لازم دارد، چند فقره آن را در این رساله، درج نموده، من جمله:

۱. میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، اقامه البرهان علی اصول دین الاسلام، ص ۲۸۹.

خاقان مغفور، فتحعلی شاه قاجار، البسه الله حلال النور، در مطلبی، یک صد هزار تومان، نذر نمودند، بعد از رسیدن به مطلب، به علاوه آن وجه را خرج طلای گنبد مبارک و ساختن صحن و مدرسه دارالشفا و غیرها نمودند.

حسین خان نظام الدوله شاهسون که نذری نمودند آن گلدسته‌ها را ساختند.

نواب والا مستطاب اشرف ارفع والا نائب السلطنه کامران میرزا خود می فرمودند: من بعد از زیارت، از قم بیرون آمدم و بر دو فرسنگی، برای صرف نهار، پیاده شدم. دیدم چند تیهو برخاستند، تفنگ را از تفنگ‌دار خواستم و به جانب آن‌ها انداختم و تفنگ دو لوله از میان لول‌ها ترکید. ریزه ریزه شد و آسیبی به من و حاضرین، - محض آن‌که زوار آن حضرت بودیم - وارد نیامد، از همان جا شخصی را فرستادم که گلدسته های حضرت را طلا نماید.

صحن نو را مرحوم مغفور ابراهیم خان امین السلطان ساختند.^۱

مرحوم حاجی نوری رحمته الله داستانی را نقل می‌کنند که چون در زمان خودشان و در نزدیکی محل اقامت ایشان واقع شده و گویا صاحب جریان را می‌شناخته‌اند، داستانی ارزشمند است. ایشان می‌گویند:

در ایامی که ما در کاظمین، اقامت داشتیم و مجاور بودیم، در بغداد یک مرد نصرانی بود به نام یعقوب که دچار بیماری استسقا شد و هر چه مراجعه به اطبا کرد نفعی نداد و بیماری او شدت یافت، چنان رنجور و لاغر

۱. همان، ص ۴۷۸ - ۴۷۹.

گردید که از راه رفتن عاجز شد. او خود می‌گوید: پیوسته می‌گفتم: خدایا، یا شفایم ده یا مرگم را برسان.

تا این‌که شبی هم‌چنان که روی تخت خواب خوابیده بودم، خواب دیدم سید جلیل، نورانی و بلند قامتی نزد من آمده و تخت مرا حرکت داد و گفت: اگر شفا می‌خواهی باید به شهر کاظمین بروی و زیارت کنی که از این بیماری، رها شوی؛ از خواب بیدار شدم و جریان خوابم را برای مادرم نقل کردم. او که نصرانی بود، گفت: این خواب شیطانی است، و رفت صلیب و زنار آورد و به گردنم آویخت.

من دوباره خواب رفتم و در عالم رؤیا بانویی با جلالت و پوشیده را دیدم که آمد و تخت مرا حرکت داد و فرمود: برخیز، چه آن‌که صبح، طالع شد. مگر پدرم به تو فرمود به زیارتش بروی تا تو را شفا دهد؟!

عرض کردم: پدر شما کیست؟

فرمود: امام موسی بن جعفر رحمته الله.

گفتم: تو کیستی؟

فرمود: منم معصومه، خواهر رضا رحمته الله.

من بیدار شدم و متحیر بودم که چه کنم و کجا بروم. پس در قلبم افتاد که به خانه سید محترم، سید راضی بغدادی، که ساکن در محله رواق بغداد است، بروم. به راه افتادم تا به خانه او رسیدم، در را کوبیدم، او گفت: کیستی؟ گفتم: در را باز کن، چون صدای مرا شنید، دخترش را صدا زد که در را باز کن که یک نصرانی است و می‌خواهد مسلمان شود.

من وارد شدم و گفتم از کجا دانستید که نصرانی می‌خواهد مسلمان

شود؟ گفت: جدم - حضرت کاظم رحمته الله - در خواب به من خبر داد.

بعد مرا به کاظمین و به خانه عالم جلیل، شیخ عبدالحسین تهرانی، برد و داستان را به ایشان عرض کردم. به دستور او مرا به حرم مطهر بردند و دور ضریح، طواف دادند، ولی اثری از برای من ظاهر نشد. چون بیرون آمدم و مختصر زمانی گذشت، دچار تشنگی شدم، آب آشامیدم؛ در آن وقت حالم دگرگون شد و به زمین افتادم و آن وقت بود که احساس کردم که بارگرانی چون کوه بر پشتم بود و برداشته شد و ورم بدنم از بین رفت و به کلی کسالت و دردم مرتفع گردید.

به بغداد برگشتم. بستگانم که از جریان، اطلاع پیدا کردند، ناراحت شدند؛ مادرم گفت: خدا رویت را سیاه کند، کافر شدی؟! گفتم: از بیماریم چیزی می‌بینی؟ او گفت: این از سحر است و بالاخره مرا زدند، اذیت کردند و خون آلود نمودند و گفتند: تو از دین ما خارج شده‌ای.

من به کاظمین برگشتم و خدمت شیخ عبدالحسین تهرانی رفتم و او اسلام و شهادتین را به من تلقین کرد و مسلمان شدم و چون خطر، مرا تهدید می‌کرد، مخفیانه مرا به کربلا فرستاد و چون زیارت کردم و برگشتم، مرا با مرد صالحی از اهل اصطهبانات به بلاد عجم فرستاد و یک سال در آن قریه - اصطهبانات - از توابع شیراز ماندم و بعد به عتبات بازگشتم....

مرحوم محدث نوری می‌گوید: و باز به محل هجرت خود برگشت و در آن جا همسر گرفت و مشغول به قرائت مصایب حضرت امام حسین علیه السلام شد و الان در آن جاست و اهل و اولادی دارد....^۱

استاد بزرگوار ما در شیراز در قسمتی از سطوح، مرحوم آیه الله آقای

۱. میرزا حسین نوری، دارالسلام فی الرؤیا والمنام، ج ۲، ص ۱۶۹ - ۱۷۱، با تلخیص.

حاج سید محمد باقر آیت‌اللهی معروف به حاج عالم علیه السلام کرامتی را از حضرت معصومه علیها السلام نقل کرده‌اند که خود در جریان آن بوده و مشاهده کرده‌اند و آن این است که می‌فرماید:

در سال ۱۳۴۹ قمری، به قصد تشرّف به قم از شیراز مسافرت نمودم، در اصفهان برای پیدا کردن وسیله برای قم به گاراژ رفتم، یک ماشین سواری آماده بود. من و یک نفر دیگر که اصفهانی و مرد با وقاری بود سوار شدیم. جوان دیگری هم آمد که سوار شود، مادرش که به بدرقه او آمده بود با چشم‌گریان، روی به حقیر نموده و گفت: آقا! دعا کن فرزندم به سلامت برسد.

ما سه نفر عقب ماشین جا گرفتیم و راننده، جلو ماشین را برای دیگری در نظر داشت، راه افتادیم، چندین کوچه و خیابان گردش کردیم تا درب خانه‌ای نگه داشت و شخصی را سوار نمود و به سمت قم به راه افتادیم. ضمناً معلوم شد آن جوان، از ارامنه و کارمند بانک تهران است و آن شخص آخر، اهل کردستان و رییس دخانیات اصفهان است، رفتیم تا به مورچه‌خورت، که حدود چند فرسنگی اصفهان می‌باشد، رسیدیم. در این جا مأمور تفتیش اثاثیه مسافرین آمد و چون شب تاریک بود چراغ دستی را گرفت و نگاه به داخل ماشین کرد، از من پرسید آقا اسباب شما کجاست؟ گفتم جلوی ماشین روی کاپوت بسته‌اند، برو نگاه کن. از آن جوان پرسید این صندوقچه که روی رکاب ماشین است چیست؟ گفت: مشروب است.

از آقای رییس پرسید: صندوقچه بسته شده چیست؟ آن هم گفت:

مشروب است و ما هم می‌شنیدیم و می‌فهمیدیم، ولی مجبور بودیم خود را

به نفهمی بزینم. بعد، مأمور تفتیش آمد و از این که سؤال از اثاثیه این جانب کرده بود، معذرت خواست.

به هر حال بدون تفتیش از آن جا گذشتیم. هوا بسیار سرد بود. آقای رئیس، - شاید برای دفاع از سرما - بطری را سر می کشید. بوی آن بلند می شد و به مشام آن جوان ارمنی که عقب، سوار بود می رسید و او برای طعنه، به این جانب، صدا می زد: جناب رئیس! بوی خوشی می آید و قاه قاه خنده می کرد و چند مرتبه ای این جریان تکرار یافت و هر چه که تملق جناب رییس گفت: او جرعه ای هم به وی نداد و حتی تعارفی هم به او نکرد، به همین ترتیب رفتیم تا از حدود دلیجان گذشتیم.

در این هنگام، ماشین، پنچر شد، برای پنچرگیری بیرون آمدیم و در سرما نشستیم. جوان ارمنی دم به دم می گفت: البته ماشینی که در آن خلاف شرع بشود، پنچر می گردد و ما را به باد مسخره می گرفت و صدای قاه قاه او و نیز آقای رئیس بلند می شد.

عاقبت این حقیر نزدیک رییس شدم و خود را به دوستی با آقای صدیقی وزیر از اهل کردستان که در دارایی شیراز بود، برای او معرفی کردم و دم و دود رییس را با این بهانه بستم و از تکرار سرکشیدن بطری بازداشتیم و فیما بین او و جوان ارمنی، جدایی افکندم.

پس از اتمام پنچرگیری سوار شده و به طرف قم حرکت کردیم، این حقیر به توجه قلبی، متوسل به ساحت محترم حضرت معصومه علیها السلام شدم و از جریان جوان و رئیس، شکایت نمودم، تا به قم رسیدیم، ماشین، درب گاراژ، سوت زد که درب بسته، باز شود و وارد گردد. درب که باز شد و ماشین خواست وارد شود، ناگهان صندوق های آن جوان و رئیس که در

یک ردیف روی رکاب ماشین بسته بود، اصطکاک با آستانه درب گاراژ پیدا کرد و حساب هر دو صاف شد و از درب گاراژ تا وسط حیاط، یک جدول مشروب به راه افتاد و صدای مسخره حمال های گاراژ برخاست.

این حقیر هم فوراً اثاثیه خود را به شخصی دادم که بیاورد و حسابم را با راننده، تصفیه کردم و بیرون آمدم و آن ها را به حرمان از مقصد، واگذار کردم و از عنایت حضرت معصومه علیها السلام سپاس گذاری نمودم.^۱

آیه الله آقای شب زنده دار، راجع به عموی محترمشان، عبد صالح، مرحوم آقای حاج قنبر علیه السلام نقل کردند که: همسرشان حمل پیدا کرده بوده و بعد از مدتی متوجه می شوند که جنین، حرکت ندارد، مراجعه به دکتر می شود، او می گوید: بچه در شکم مادر، مرده و باید عمل جراحی انجام شود و بچه مرده را بیرون بیاورند. آن زمان - شصت سال قبل - هم که هنوز عمل جراحی شایع نبود و امکانات و وسایل امروز را نداشته اند و از این رو، عمل برای آن خانم و بستگانش گران تمام می شود و بالاخره تصمیم می گیرند که برای استشفای به مشهد مقدس مشرف شوند. لذا حرکت می کنند تا به قم می رسند، خود آن محترمه گفته است: برای زیارت حضرت معصومه روبرو سوی حرم رفتیم و به مجرد این که پا را داخل حرم گذاشتیم، بچه شروع به حرکت کرد و به جنبش آمد. این جریان، موجب شادی آنان می شود و مرحوم حاج قنبر از قم نامه ای به جهرم می فرستد و جریان را اطلاع می دهد و می گوید: ما پیش از آن که به مشهد برسیم، خداوند، لطف کرده و شفا داد.

۱. سید محمد باقر آیت اللهی، سرگذشت نیکان، ص ۱۸۴ - ۱۸۶.

آثار توسل به حضرت معصومه علیها السلام

توسل به خاندان عصمت و طهارت، راه گشای انسان‌ها در مواضع تحیر و حلال مشکلات آنان در دشواری‌ها و سختی‌های زندگی است و این مطلب، کاملاً تجربه شده و قابل تردید نیست و از جمله، توسل به ذیل عنایت علیا معظّمه، حضرت معصومه، بنت موسی علیه السلام از ابواب نجات و از وسایل قضای حاجات، نیل به مقاصد، خواسته‌ها و رفع بلیّات است، حتی بعضی از افراد، بر اثر شدت اتصال روحی و معنوی با آن بانوی یگانه عالم، رسماً با او حرف می‌زنند و به برکت عنایات و افاضات آن حضرت، به سرعت به مطالب و خواسته‌های خویش دست می‌یابند که در این مجال، مواردی را نمونه می‌دهیم و چه بسا که این خود، یاد آور موارد متعدّدی باشد که خوانندگان محترم، دیده و تجربه کرده باشند.

۱. مرحوم مغفور حجة الاسلام آقای سید محمد باقر موسوی گوگدی، والد ماجد مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی علیه السلام گاهی از گلپایگان به عزم زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم می‌آمده‌اند و فرزند گران قدرشان علیه السلام فرمودند: به یاد دارم که یک بار مرا هم با خود به قم آوردند و من با ایشان بودم.

آن سید جلیل و با اخلاص در یکی از سفرهایی که به قم می‌کنند، منزلی را به مبلغی اجاره می‌نمایند که مال الاجاره آن نسبتاً زیاد و گران بوده است. آن مرد با اخلاص و صاحب مقام یقین فرموده بود: ای عجب من از عمّه‌ام - حضرت معصومه علیها السلام - خواستم که منزل خوبی برایم فراهم کنند و ایشان اجابت کردند، ولی یادم رفت از ایشان بخواهم که ارزان هم باشد!

۲. مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا مهدی بروجردی علیه السلام ابوالزوجه آیه الله العظمی گلپایگانی، که در ماه جمادی الاخری سال ۱۳۸۸ ه. ق، درگذشت، راجع به دفن ایشان در حول و حوش حرم مطهر حضرت معصومه، از ناحیه عوامل طاغوت سخت‌گیری و اشکال‌تراشی می‌شد و با آن‌که خود ایشان قبری را برای خود پیش بینی کرده و یا آن را از قبل، خریداری کرده بودند، بعد از درگذشتشان مورد مخالفت مسئولان دولتی، قرار گرفت؛ آقا فرمودند: من به حضرت معصومه علیها السلام عرض کردم: ایشان یک عمر، پناهنده به شما بود و به این مکان مقدس، رفت و آمد داشت، اکنون او را از جوار خودتان محروم نسازید. و بحمدالله خداوند، اصلاح کرد و رفع مانع شد و آن عالم محترم را در آن مرکز مقدس دفن کردند.

۳. برای خود این‌جانب هم شرایطی پیش آمد که از نظر اقتصادی در تنگنا قرار گرفتم و مخارج، تمام شد و مرا که در دوران تجرد بسر می‌بردم، مضطرب و ناراحت کرد؛ وقت عصری بود که از فرط ناراحتی و دل‌تنگی از مدرسه مبارکه رضویه، که محل سکونت بود، بیرون آمدم و به حسب ظاهر به سوی حرم رفتم. دیگر یاد ندارم که چه گفتم و چه کردم، ولی به خوبی در ذهنم مانده است که در بیرون حرم، در خیابان موزه، که دو در از درهای صحن و حرم مطهر حضرت معصومه از آن‌جا باز می‌شود و نیز در اصلی مسجد اعظم در آن قسمت است، در نزدیکی درب مسجد، میان رفت و آمد مردم، کسی رسید و مراسم تعارفات مختصری انجام شد و او دست داد و وجهی در دستم گذاشت و رفت و من او را نشناختم و آن وجه هر چند زیاد نبود، ولی برای دو سه روز یا یکی دو روز در آن شرایط کارگشا بود.

این جانب مدعی نیستم که آن شخص از رجال غیبی و اولیاء الله بوده و با شناخت از بنده این لطف را کرده، ولی این مقدار برایم تقریباً روشن است که عنایت معظّمه دوران، دخت موسی الکاظم علیه السلام موجب شده به دل آن مرد بیفتد که در میان آن رفت و آمد، این وجه را خیلی محترمانه در دست من بگذارد و زود هم برود که البته احتمال اول هم بعدی ندارد، ولی بنده شاهد و مؤیدی برای آن ندارم که موجب اطمینان باشد.

جوان محترم تحصیل کرده‌ای از دوستان، می‌گفت: من هر وقت، برای حاجتی به ویژه تشرف به مشهد، متوسّل به حضرت معصومه شدم، موفق گردیده و مشرف شدم؛ و راستی که حضرت معصومه اخت‌الرضاست. بالاخره توسّل به آن مکرمه یگانه، یکی از مایه های سعادت و رفع مشکلات و نیل به مقاصد است و مقام رفیع و شأن منبع او هم ایجاب می‌کند که اگر مضطر گرفتاری رو به آن بزرگوار بیاورد، به اذن الله به خواسته خود برسد و به حاجتش دست بیابد.

بله، ممکن است در موردی آنچه را که انسان در خواست می‌کند به صلاح او نباشد یا کلاً مصلحت نظامات مقررّه الهی نباشد، در این مورد البته توسّل، بی اثر می‌ماند و یا به کلی حال دعا و توسّل از آدمی گرفته خواهد شد.

چنان‌که مرحوم آقای گلپایگانی نقل فرمود که: در زمان مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، شخصی از اهل علم از من درخواست کرد که از آقای حاج شیخ وجهی برای مخارج او بگیرم؛ من این را به ایشان عرض کردم ولی مؤثر واقع نشد و چیزی ندادند. من با خود گفتم: اکنون که چنین شد، به حرم حضرت معصومه بروم و برای آن شخص، دعا کنم،

شاید کار او بدین وسیله حل شود، به این عزم به حرم مشرف شدم و بسیار دعا کردم، ولی همین مطلب که به خاطر آن رفته بودم، به کلی از یادم رفت و راجع به آن، اصلاً دعا نکردم!

حل مشکلات علمی

آنچه که در تأثیر فراوان توسّل به ذیل عنایات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ذکر شد، منحصر به جنبه های مادی و اقتصادی و ظواهر زندگی نیست و در این محدوده، خلاصه نمی‌شود، بلکه آنانی که تشنه کام مقامات معنوی و یا زلال علم‌اند و دنبال حلّ مشکلات علمی، گام برمی‌دارند نیز از رهگذر توسّل و روی آوردن به حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می‌توانند مشکلات خود را رفع کرده و حجاب‌ها را از روی چهره مطالب علمی بردارند و به مقصد عالی و هدف والای خود نایل گردند؛ بلکه از نظر این‌که سازمان وجودی آن مکرمه و کلاً خاندان پیغمبر با علم و معرفت صورت گرفته و خاندان علم و فضیلت‌اند، طلب نیل به علم و کمال، از آنان، زمینه مساعدتری برای پذیرش و اجابت دارد.

تاریخ نشان می‌دهد که اشخاصی با استمداد از انفاس قدسیّه حضرت معصومه علیها السلام و در پرتو توسّل به ذیل عنایات آن مکرمه، حجاب‌های علمی را کنار زده، حقایق و نکاتی برای آنان از این رهگذر روشن شده است و بالاخره حوایج و درخواست‌های علمی حاجت‌مندان نیز در این جایگاه با عظمت روا شده و درخواست‌کنندگان، به حاجت خود رسیده‌اند.

مرحوم محدث قمی - اعلی الله مقامه الشریف - در شرح حال صدرالمتألهین شیرازی نوشته‌اند:

از بعضی از مشایخ خود شنیدم که مرحوم ملا صدرا به واسطه بعضی از ابتلائات از اقامتگاه خود به دارالایمان قم، که عَش آل محمد و حرم اهل بیت علیهم‌السلام است، مهاجرت کرد و به حکم:

اِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ وَ الْبَلَايَا فَعَلَيْكُمْ بِقَمٍّ وَ حَوَالِهَا فَإِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْهَا؛^۱

هنگامی که فتنه‌ها و ابتلائات، شهرها را فراگرفت، بر شما باد به قم و حوالی آن، زیرا فتنه از آنجا رفع گردیده است.

به قریه‌ای از قرای قم که در چهار فرسخی آن شهر، واقع و موسوم به کهک است، پناه برد و گاه‌گاهی که بعضی مطالب علمیّه بر او مشکل می‌گردید، از کهک به زیارت حضرت سیده جلیله، فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه‌السلام تشرّف می‌یافت و از آن حرم فیض آثار، بر او افاضه می‌شد.

سپس آن محدث بزرگوار در تأیید این جریان می‌گویند:

فاضل اشکوری لاهیجی، در کتاب محبوب القلوب، در احوال خاتم الحکماء الیونانیین، ارسطاطالیس، فرموده است: چون ارسطو در بلده اسطاغیرا از دنیا رحلت کرد، اهل آنجا استخوان‌های او را پس از آن‌که پوسیده شده بود، جمع کردند و در ظرفی از مس گذاردند و آن را در موضعی دفن کردند و آن مکان را مجمع خود قرار داده، از برای مشورت در کارهای بزرگ و امور جلیله در آنجا جمع می‌شدند، و هر وقت مطلبی

۱. حدیث شریف و مدرک آن در بخش اخبار و روایات، گذشت.

از فنون علم و حکمت برایشان مشکل می‌شد، قصد آنجا را نموده، بر سر قبر او نشسته، مشغول به مناظره و مباحثه می‌گردیدند، تا آن‌که مشکل ایشان حلّ و مطلبشان واضح و روشن می‌شد و چنان اعتقاد داشتند که آمدن برسر قبر ارسطاطالیس بر عقل و ذکای آنان می‌افزاید و اذهانشان را پاک و تلطیف می‌نماید.

محدث بزرگ در این جا اضافه می‌کند: پس هر گاه حکمای یونان، این نحو اعتقاد به استخوان‌های پوسیده ارسطاطالیس داشته باشند، عجیبی نیست که حکیم الهی و فیلسوف امامی، [صدرالمتألهین] هرگاه مسئله‌ای علمی بر او مشکل شود، از چهار فرسخی قم، به قصد تشرّف به آستان ملک پاسبان حضرت سیدتنا فاطمه، که مهبط فیوضات ربانیه و تجلیات سبحانیّه است حرکت کند، برای آن‌که علوم، بر او افاضه شده و مطالب عویصه برایش کشف و حلّ گردد.^۱

کسان دیگری نیز در همین موضوع حلّ مشکلات علمی، توسّل به آن بانوی زمانه پیدا کرده، خداوند قادر متعال، به برکت آن وجود پاک و آن گوهر تابناک و بی‌همتای هستی، افاضه مطالب کرده و حلّ قضیه و مشکل علمی و جواب مسئله غامض را به ذهن توسّل جویان، القا و الهام فرموده است.

یکی از علمای برجسته و پرهیزکار در حاشیه کتاب مکاسبی که از روی آن تدریس می‌کرده‌اند، در ص ۱۴۳ (بحث ترتّب عقود متعدده بر مال مجیز) نوشته‌اند:

۱. حاج شیخ عباس قمی، الفوائد الرضویه، ص ۳۸۰.

بسم الله الرحمن الرحيم. دیروز هر چه روی این قسمت، مطالعه و فکر نمودم برایم روشن نشد و موقع مباحثه شد؛ با بنا بر این که با تصریح به ابهام مطلب در این قسمت، درس را بگویم، آماده حرکت شدم و هنگام خروج از منزل، با توسل به حضرت معصومه، خزینه غیر منقوصه الهی علیها السلام دعا نمودم و بیرون رفتم. دیگر حتی فکر مطلب هم نبودم، اما همین که نزدیک صحن مطهر رسیدم، ناگهان خصوصیات مطلب از اول: (و للفقود اللاحقة ...) تا «علی المعوض ابتداء» به ذهنم، به اذن الله تعالی و برکت سیدتنا فاطمه معصومه علیها السلام القا شد و روشن گردید، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى آلَانِهِ وَ نِعْمِهِ، إِلَهِي بِفَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ آلِهِمْنَا كُلِّ خَيْرٍ وَ وَفَّقْنَا لِمَا نَحِبُّ وَ تَرْضَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۲۱ شوال المکرم ۱۴۱۱

این بحث و نکات و مطالبی که پیرامون آن گفته شد، توجه و آگاهی می دهد که علمای اعلام و طلاب و فضلا می توانند علاوه بر مطالعات مستمر، و دقت و باریک شدن در مطالب، از مسیر توسلات، نیز قسمتی از مسائل علمی خود را حل کنند، به ویژه برای روحانیت قم که مهمانان مستمر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بوده، همواره بر سر سفره احسان و لطف آن بانوی بهشتی نشسته و از انواع نعمت های مادی و معنوی برخوردارند، در این نوع مشکلات و مسائل، دست توسل به پیشگاه این کانون خیر و احسان برده و او را در خانه خداوند متعال، واسطه کنند تا به برکت آن بزرگوار، شفاییت ذهن و قوت حافظه، پیدا کرده، قوه دراکه، در آنان نیرومند گردد و به زودی به عمق مسائل و مطالب برسند و یا اگر مشکلی در راه رسیدن به مطلب است، خداوند، مرتفع سازد و راه نیل به مطالب را هموار فرماید.

برکات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

نزول اجلال حضرت معصومه علیها السلام و ورود او به قم، منشأ خیرات و برکات گوناگون و چشم گیر و ماندگار برای قم و اهل و واردین آن، بلکه برای عموم مسلمانان جهان، حتی در اقصی نقاط عالم گردید.

شهر، شهر زیارتی شد و از مشرق و مغرب جهان، مردم علاقه مند به بیت وحی، برای زیارت آن معظمه یگانه، رو به این شهر شریف می آورند و در آمدن این جمعیت های فراوان، چه منافع بزرگی برای شهر و مردم آن تأمین می شود؛ ارتباط بین قم و بلاد و ممالک اسلامی حاصل می گردد، فرهنگ اسلامی از این پایگاه علمی به نقاط مختلف، انتقال می یابد، جنبه های اقتصادی مردم قم رشد می کند و ده ها منافع دیگر که در پرتو زیارتی شدن این شهر، خداوند بزرگ، متوجه مردم این شهر و واردین و دیگر ملت اسلامی گردانیده است.

و از برکات بی نظیر، آن که این شهر قداست پیدا کرده، مورد توجه و اقبال علما و دانشمندان قرار گرفت و بالاخره بزرگ ترین پایگاه دینی و عالی ترین حوزه علمی، در جهان گردید؛ ورود دو شخصیت بزرگ علمی، مرحوم آقای حائری و مرحوم آقای بروجرودی به قم، بدون تردید، از برکات حضرت معصومه علیها السلام است و به نظر ما اندک ابهام و اجمالی ندارد و زمینه هیچ گونه شک و تردیدی در آن نیست.

اینک ما جریان ورود هر یک از آن دو بزرگوار را به صورت گذرا و اجمالی، ذکر می کنیم تا صدق مدعیان ظاهر گردد.

۱. آمدن مرحوم آیه الله العظمی، مؤسس حوزه، آقای حاج شیخ

عبدالکریم حائری، اعلی الله مقامه، به قم و عزم بر اقامت در آن شهر، بر اثر یک استخاره‌ای بوده است که در کنار حرم فاطمه معصومه و با توسل به آن حضرت انجام شده و در نتیجه آن توسل، آیه‌ای آمده که ایشان را موظف به ماندن و جمع کردن علما و فضلا فرموده است، و خلاصه، هدایت بی‌دغدغه‌ای در آن جریان در پرتو حضرت معصومه شامل حال ایشان شده است.

فرزند برومندشان، مرحوم آیه‌الله آقای حاج شیخ مرتضی حائری اعلی الله مقامه - در این باره می‌گویند:

مرحوم والد، رَحِمَهُ الْعَالِي رَحْمَةً وَاسِعَةً، تا آنجا که من یاد دارم با قرآن، استخاره نمی‌کردند؛ می‌فرمود: من درست نمی‌فهمم مثلاً: ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ نسبت به موضوع استخاره، خوب است یا بد، مربوط به موضوع دیگری است.

ولی معروف و مسلم است که برای ماندن در قم، پس از اصرار عده‌ای از علما و اهالی [قم] و اهالی تهران، بالای سر حضرت معصومه علیها السلام، استخاره کرده بودند و این آیه کریمه آمده بوده است: ﴿وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ﴾^۱.

این آیه خطاب حضرت یوسف به برادران است، که به آنان فرمود: همه اهل و بستگان خود را نزد من بیاورید.

این استخاره در کنار قبر حضرت معصومه بدون هیچ‌گونه اجمال و ابهامی مرحوم آیه‌الله حائری را به اقامت در قم و آوردن اهل و بستگان

۱. یوسف، آیه ۹۳؛ یادداشت‌های مرحوم آیه‌الله حائری، ص ۱۳۴.

خود بدان سرزمین مقدّس، فرا می‌خواند. و از این رو آن زعیم بزرگوار بستگان و حواریون خود را به آمدن به قم از اراک، که قبلاً در آنجا برگرد شمع و جودش اجتماع کرده بودند فرامی‌خواند، در نتیجه عزم بر ماندن پیدا کرده و بالاخره چنین حوزه با عظمتی را تشکیل می‌دهند.

آری، تشکیل حوزه در شهرستان اراک قبلاً به وسیله همین شخصیت بزرگ علمی، یعنی مرحوم آیه‌الله العظمی حائری، اعلی الله مقامه، صورت گرفت و دلدادگان علم و فضیلت نیز در آن حوزه جمع شده، گردآمدند و حوزه اراک تحرّک و رونقی پیدا کرد.

نیز تشکیل حوزه علمیه در قم با دست توانای همان عالم ربانی و فقیه با اخلاص، صورت گرفت و حوزه‌ای قوی و نیرومند و با برکت شد و رجال بزرگ و کم‌نظیری را تربیت کرده، تحویل جهانیان داد و برکات و آثار آن چشم‌گیر و مستمر گردید و اکنون متجاوز از چهار ربع قرن است که در جهان اسلام تلؤلوی خاص دارد، به طوری که نه تنها ممالک اسلامی، بدان توجه دارند، که ممالک بیگانه و دور از اسلام، چه کشورهای شرقی و چه غربی، برای این حوزه، اهمیت ویژه، قائل بوده، مرکزیت و محوریت دینی برای آن قائلند و خائنان و ابرقدرت‌های خود سر، از آن بیمناک می‌باشند.

بالاخره هر دو حوزه به دست یک نفر احداث و تأسیس شده است، ولی یکی از آن دو، دچار رکود و وقفه شده و یا به قهقرا بر می‌گردد و دیگری روز به روز، تلؤلو بیشتر پیدا کرد، نور داد و روشنی آفرید و آثار و ثمرات خود را به نقطه نقطه جهان صادر کرد و ندای شیعه را به اقطار عالم

رسانید. این چه سرّی است و چه رمزنهانی دارد؟!

جز این که قم چیزی دارد که اراک و اصفهان و سایر بلاد ندارند و آن بضعه موسی، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می باشد.

مضجع و مرقد مظهر این بانوی بزرگ و با عظمت، روحانیتی خاص و قداست و معنویتی مخصوص و خلل ناپذیر به این شهر داده است که با وجود آن که از نظر جغرافیایی، محیطی مساعد نبوده و از آب و هوای مطلوب و مطبوعی برخوردار نیست، این چنین مورد توجه نفوس، واقع شده، دل ها مجذوب آن گردیده است؛ جمع کثیری از علما، فضلا و طلاب، با محرومیت های گوناگون مادی روی بدین جا آورده اند و اقامت در این کویر را، برای اشتغال و فراگیری، علوم و معارف آل محمد علیهم السلام بر انواع رفاه ها و راحتی ها در سایر بلاد، ترجیح می دهند.

و جان کلام این که آمدن مرحوم آیه الله حائری و تأسیس حوزه و اقبال نفوس، مخصوصاً فضلا و علما، همه از برکات حضرت معصومه علیها السلام است.

۲. جریان اقامت سید الطائفه، مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی، اعلی الله مقامه، نیز مستند به عنایت های حضرت معصومه علیها السلام است؛ بدین ترتیب که ایشان در اواخر سال ۱۳۶۳ هـ ق، مبتلا به بیماری فتق می شوند و قرار می شود که در تهران عمل کنند، هنگامی که به قصد معالجه از بروجرد، خارج می شوند، وضع مزاجشان رضایت بخش نبوده و تقریباً در بی هوشی بوده اند و این حال ادامه داشته تا یک مرتبه در دل شب، چشم گشوده، چراغ های قم را مشاهده می کنند، از همراهان استفسار می فرمایند این جا کجاست؟ عرض می کنند: قم است.

جذبه ای روحانی و کششی معنوی، ایشان را به خود مشغول می کند و

در آن حالت، تصمیم می گیرند که پس از بهبودی، بقیه عمر را در این آستان مقدس بگذرانند.

در عبارت دیگری آمده که: هنگام حرکت از بروجرد، وضع مزاجی ایشان سخت بوده و در حالت بی هوشی می گذرانیدند، ولی ناگهان در وقت شب از خواب بیدار و از داخل اتومبیل نظرشان به چراغ های شهر قم می افتد؛ می پرسند این جا کجاست؟ همراهان، به عرض می رسانند: این جا قم است. منظره چراغ های شهر قم در آن دل شب، اثر عمیقی در دل ایشان می گذارد و قصد می کنند که اگر از این بیماری شفا یافتند، بقیه عمر را در قم و کنار مرقد منور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به سر ببرند.

بالاخره خداوند، به برکت حضرت معصومه علیها السلام آن بزرگوار را شفا می دهد و از این رو بعد از علاج بیماری، به قم می آیند و آن تحوّل عظیم علمی و فرهنگی را در حوزه به وجود می آورند، و علما و مجتهدین بسیاری را پرورش داده، صدای روح بخش اسلام و تشیّع را به گوش جهانیان رسانیدند.

نکته ای را که در مورد آمدن مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، اعلی الله مقامه، ذکر کردیم، در مورد مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی، اعلی الله مقامه، نیز صادق است، آن بزرگوار پس از بازگشت از نجف اشرف، حوزه بروجرد را پس از انطماس و رکود احیا کرد و رونقی داد و جماعتی دور وجود مبارکش جمع شدند و آن مرد بزرگ، حدود چهل سال در آن جا اقامت فرمود - بعد از آن که بروجرد زادگاهشان هم بود - و فیض بخشی فراوانی کرد. سپس به قم آمد، حوزه مبارکه قم،

دست‌آوردِ مرحوم حائری بزرگ را توسعه داد و آبیاری کرد، از ابعاد مختلف، آن را گسترش داد و نام قم را عالم‌گیر کرد، از اکثر شهرها و بلاد ایران، بلکه از قسمتی از روستاهای آن، جوانانی با شور و شوق را به سوی این مرکز علمی جذب نمود تا بالاخره حوزهٔ یگانه و بی‌نظیر جهان تشیع گردید، در حالی که حوزهٔ بروجرد رو به توقف و رکود گذارد و تحرک و پویایی خود را از دست داد.

شگفتا، شخصیتی بزرگ و کم‌نظیر مانند آیه‌الله العظمی بروجردی در رأس دو حوزه قرار می‌گیرد و یکی را در خلال مدت چهل سال، رشد نسبی و زودگذر می‌دهد و دیگری را خلال مدت حدود پانزده سال رشد مطلق می‌بخشد و آن را جهانی کرده، به اوج عظمت و سربلندی می‌رساند.

این چه سرّ نهفته و راز نهانی است، جز این‌که قم، گوهری دارد که بروجرد با همهٔ سوابق درخشانش ندارد؛ چنان‌که در جریان مرحوم حائری، اراک نداشت، و آن مرقد منور دختر بلند اختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد. آری، قم، حضرت معصومه دارد و اراک و بروجرد ندارند.

این بانوی بزرگ و سرافراز، پشتوانه عظیمی است که شخصیت‌های وزین را بدین سو و سمت می‌کشد و متفکران و اندیشمندان را از هر نقطه‌ای جذب می‌نماید و دل‌ها همه در هوای اوست، از این رو تأسیس حوزه به دست مرحوم آقای حائری از برکات حضرت معصومه است و تجدید و تحکیم اساس آن مرکز عظیم، و گسترش چشم‌گیر آن به دست مرحوم آقای بروجردی نیز از برکات آن نادرهٔ دوران است.

کانون هدایت و فیض دائم

حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مرکز افاضهٔ فیوضات ربانی است؛ انوار هدایت، از این کانون نور، پی‌درپی ساطع بوده و همه جا را روشن و تابناک می‌گرداند و پیوسته امواج علم، معرفت و فضیلت از آن محور فضیلت و کمال به اطراف و اکناف جهان می‌رسد و اینک ما، در این مجال، به گوشه‌هایی از این فیض لایتقطع و هدایت مستمر و برکت‌های بی‌شمار اشاره می‌کنیم:

۱. **تدریس و تدرّس:** یکی از پایگاه‌های اصلی برای تدریس آقایان اساتید حوزهٔ مبارکهٔ علمیه، محدودهٔ حرم شریف و مسجد بالاسر و صحن مقدس و حجره‌های آن است. این جریان از دیرزمان تاکنون ادامه داشته و برنامه‌ای رایج و دایر بوده است، هر چند، مراکز مجهزی برای تدریس - مخصوصاً به لحاظ عدم مزاحمت سر و صداها - آماده گردیده و در این سال‌ها دروس بسیار مهم پرجمعیت به آن مراکز سه‌گانه^۱ منتقل شده، لیکن درس گفتن و درس خواندن از محدودهٔ حرم شریف منقطع نگردیده و همواره درس‌هایی برقرار است.

در سابق که مهم‌ترین درس‌ها در همین مرکز با قداست، برگزار می‌شده است؛ مثلاً درس مؤسس حوزه، مرحوم آیه‌الله العظمی حائری، اعلی‌الله مقامه، در مسجد بالاسر و قبة العلماء بوده که بعد هم در همان‌جا دفن شدند.

۱. این مراکز سه‌گانه عبارتند از: الف) مسجد اعظم، ب) مدرسه آیه‌الله گلپایگانی، ج) دارالشفاء و فیضیه.

نیز محل تدریس مرحوم آیه الله العظمی آقای سید محمد حجت کوه کمری رحمته در صحن شریف و مسجد بالاسر بوده است و هم اکنون عکسی موجود است که آن بزرگوار را بر کرسی تدریس در صحن مطهر و کنار ایوان ساعت، نشان می دهد.

مرکز درسی زعیم بزرگ اسلام، مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی، بدو تا سالیان سال در مسجد بالاسر و در تابستان، صحن شریف بوده است. عکس آن بزرگ مرد در حال تدریس، برفراز منبر درس، در کنار ایوان ساعت، موجود و در کتاب‌هایی منعکس شده است، البته در سال‌های آخر عمر شریفشان که شبستان عالی مسجد خودشان آماده شد درسشان را بدان جا منتقل کردند.

مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی رحمته بعد از ارتحال سید الطائفه آقای بروجردی رحمته درس خارج خود را از منزل و از مسجد حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به مسجد بالاسر در زمستان و به صحن مطهر، در تابستان، منتقل کردند و عکس‌های متنوع، آن بزرگمرد را در کنار ایوان ساعت بر کرسی درس و در حال تدریس، نشان می دهد و در بعضی از این تصویرها صورت سنگ قبرهای صحن نیز که قبل از بازسازی صحن شریف بوده، پیداست و به خوبی مشخص است.

باری، این جریان، ادامه داشت تا وقتی که بر اثر ازدحام طلاب و فضلاء شاگردان و جهات دیگر، درس خود را منتقل به سالن بزرگ غربی مسجد اعظم کردند.

مرحوم آیه الله العظمی آقای مرعشی رحمته در مسجد بالاسر حضرت معصومه تدریس می کردند و تا پایان عمر، این برنامه را ادامه دادند و

عکس‌هایی موجود است که ایشان را در حال تدریس در آن مکان مقدس، نشان می دهد.

۲. مباحثه‌ها: مواضع مختلف مسجد بالاسر حضرت معصومه و مسجد طباطبائی - مسجد موزه - و صحن شریف و برخی از حجره‌های آن، غالباً جایگاه مباحثه آقایان طلاب و فضیلاست که هر دو نفر، سه نفر یا بیشتر، در آن مواضع نورانی، سرگرم بحث‌های علمی و دینی و مرور و بازگو کردن و تکرار نمودن درس‌هایی که خوانده‌اند، می باشند.

۳. اذان در مقاطع سه گانه: از برنامه های نشاط انگیز حرم مطهر، پخش اذان در مقاطع سه گانه؛ یعنی طلوع فجر و مقارن زوال یعنی ظهر و دیگر اول مغرب، از بلندگوهای حرم است، صدای روح بخش اذان، به وسیله مؤذنان خوش آهنگ، طنین خاصی دارد، به ویژه هنگام اذان صبح که صوت اذان، در سکوت و آرامش محیط و فضا، تا مسافتی دور می رود و مردم با ایمان را به اقامه نماز، دعوت می کند و اثر مخصوصی در دل و جان اهل ایمان دارد.

۴. پخش مناجات قبل از اذان صبح: لحظاتی قبل از طلوع فجر و اذان صبح، بلندگوهای حرم مطهر مناجاتی را پخش می کند که توسط یکی از آقایان خوش صدا برگزار شده است؛ صدای دلنواز مناجات حرم، در آن ساعت، اثر معنوی ویژه‌ای دارد و روحانیت خاصی را ایجاد می کند و شاید مسافران و زائران کریمه اهل بیت، بیشتر لذت و صف ناپذیر این مناجات سحرگاهی را درک می کنند.

جای تأسف است که به نظر ما این برنامه روح بخش از جهت کم و کیف، کاهش یافته و وضع بسیار عالی سالیان سال قبل از ده یا بیست سال اخیر، رو به ضعف گذاشته است، آن چنان که بنده می فهمم وقت آن کمتر، و

صدای بلندگوها هم ضعیف‌تر است و گاهی در غیر حول و حوش حرم، به گوش نمی‌رسد.

۵. نماز جماعت‌ها در مقاطع سه‌گانه: یکی از برنامه‌های شکوهمند حرم مطهر، نماز جماعت‌های متعددی است که صبح و ظهر و شب در آن مکان مقدس و اطراف و جوانب آن، برگزار می‌شود.

آنچه برای خود بنده به صورت یک خاطره شیرین از دوران تجرد، در ذهنم باقی مانده است، منظره نماز صبح است که اول طلوع صبح، نخست مرحوم آیه‌الله العظمی مرعشی رحمته‌الله نماز صبح را برگزار می‌کردند.^۱ و با فاصله‌ای اندک می‌رفتند و سپس اذان دیگری گفته می‌شد و نماز جماعت، به وسیله مرحوم آیه‌الله العظمی آقای گلپایگانی رحمته‌الله برگزار می‌شد و بعد از فراغت ایشان از نماز و خروجشان از مسجد بالا سر، جماعت سوم و سیله مرحوم آیه‌الله آقای حاج سید احمد زنجانی رحمته‌الله برگزار می‌شد و در هر جماعتی عده‌ای که تازه آمده بودند شرکت می‌کردند و گاهی بعضی از مؤمنین موفق به شرکت در دو جماعت نیز می‌شدند.

راستی آن صحنه، بسیار با شکوه و دیدنی بود و از روحانیت خاصی برخوردار بود؛ یاد آن ایام و ساعات و لحظات عطرآگین بخیر.

۶. دعا: از فیوضات عالی حرم مطهر حضرت معصومه، مراسم مختلف، در اوقات مناسب آن‌هاست که گروه کثیری از ساکنان محترم قم و نیز از زائران حضرت معصومه در آن مراسم روحانی و معنوی شرکت می‌کنند و

۱. البته آن بزرگوار، نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا را نیز در حرم می‌خواندند و نیز مرحوم آیه‌الله العظمی اراکی نماز ظهر و عصر را در آن مکان مقدس می‌خواندند.

دعاهای مبارکه و مأثوره، مانند دعای شریف کمیل در شب‌های جمعه، و دعای مبارک ندبه در صبح جمعه، و در مواقعی دعای شریف توسل را می‌خوانند و از باشکوه‌ترین مظاهر این برنامه، مراسم دعای عرفه امام حسین رحمته‌الله در عصر روز عرفه است که جمعیت عظیمی با شور فراوان، در آن شرکت می‌کنند.

۷. جشن‌ها: از جمله فیوضات و برکات این مرکز نور، بر پا داشتن مراسم اعیاد مذهبی و اقامه جشن‌ها در مسجد بالاسر و احیاناً رواق‌ها و صحن‌هاست. در این مراسم، جمعیت بسیار از زوار و غیر زوار شرکت می‌کنند و به شادی و سرور پرداخته، مداحان آل عصمت، مدیحه‌سرایی نمود، شعرا اشعار نغز خود را ارایه می‌کنند و سخنرانان مذهبی ایراد خطابه کرده، مطالب مربوط به روز خاص و جریان آن روز را ارایه می‌نمایند.

۸. سوگواری‌ها: در همه سوگواری‌های امامان معصوم و کلاً خاندان عصمت و طهارت رحمته‌الله مجالس سوگواری و عزاداری، برای عزیزان خدا برگزار می‌شود؛ در ماه محرم و صفر، مجالس عزاداری در آن روضه منوره، منعقد است، نوحه‌خوانان، نوحه‌خوانی و مرثیه‌سرایان، مرثیه‌سرایی می‌کنند و گاهی تهییجی در مستمعین ایجاد می‌شود که صدای گریه و زاری، فضا را می‌گیرد و بالاخره خطبا و وعاظ برفراز منبر قرار گرفته، پیرامون خاندان رسالت و نبوت با مردم سخن می‌گویند و فضایل و مناقب آن معصومین پاک را برای مستمعین تبیین کرده و ذکر می‌نمایند، در بسیاری از این مراسم یا قسمتی از آن‌ها جمعیت‌های متراکم از مجاورین و مسافرین جمع می‌شوند و آن را به صورت مطلوبی برگزار می‌نمایند.

۹. **زیارت مقابر علما:** زیارت قبور مبارک علمای اعلام و زعمای دینی و رجال بزرگ مذهبی که در اطراف قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفونند، از برکات حضرت معصومه و از فیوضات این حرم شریف است. و شاید این خصوصیات در حرم حضرت معصومه علیها السلام بیش از حرم‌های شریف امامان بزرگوار، معمول و مرسوم است، زیرا این همه علما و مجتهدین و مراجع بزرگ شیعه در حرم‌های دیگر در کنار هم، آن هم با فاصله مختصری از حرم مطهر به صورت مشخص، مدفون نمی‌باشند و این خصوصیات، در حرم قم هست.

و از این رو غالباً کسانی که قبر مطهر حضرت معصومه را زیارت می‌کنند، بلافاصله کنار قبور علمای بزرگوار، حضور یافته و فاتحه می‌خوانند و عرض ادب به آن رجال بزرگ علمی می‌کنند. بالاخره زیارت مقابر رجال بزرگ علمی و زعمای گران‌قدری که در اطراف و جوانب مضجع فاطمه معصومه مدفونند، یادآور زحمات آن بزرگواران در مقاطع خطرناک، برای حفظ اصول دین و صیانت احکام، مقررات و مقدسات دینی است و خود نوعی قدردانی و حق‌شناسی از خدمات بی‌دریغ آن عزیزان، تجدید عهد دائمی مردم مسلمان، با آن ارواح پاک و پاکیزه است و همه این‌ها در پرتو عنایت‌های حضرت فاطمه معصومه می‌باشد.

۱۰. و از برنامه‌هایی که مستقیم، از ناحیه مردم در حرم مطهر و صحن‌ها انجام می‌شود، آمدن هیئت‌های مذهبی و دسته‌های سینه‌زن و زنجیرزن است که در ایام سوگواری، خصوصاً در تاسوعا و عاشورا و اربعین و ۲۸ ماه صفر و دیگر مناسبات مربوط به امامان و معصومین علیهم السلام این مراسم، با فروغ و شکوه مخصوص برگزار می‌شود و بالاخره صحن شریف حضرت

معصومه و حرم مطهر آن بانوی سرفراز، کانون علم و عمل و مرکز نور و هدایت به صور گوناگون است: تدریس، تدرّس، مباحثه، مناجات، دعا، اذان، نمازجماعت، اقامه عزاو سوگواری عزیزان خدا، مراسم جشن و سرور در اعیاد مذهبی، سخنرانی‌های سودمند مذهبی، ارشاد، وعظ و خطابه، قرائت قرآن کریم، ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام مدیحه و مرثیه‌سرایی خاندان عصمت، نشر معارف اهل بیت، آشنایی ملل مسلمان جهان با یکدیگر و ده‌ها عنوان افتخارآمیز دیگر از فیوضات این کانون فیض لاینقطع و گسترده الهی است.

در کنار این برنامه‌ها مراسم دیگری می‌باشد که جنبی است و آن‌ها نیز بالاخره بازگشت به الطاف و مرحمت‌های حضرت فاطمه معصومه می‌کند؛ مانند اطعامی که از ناحیه آستانه مقدسه می‌شود و علاقه‌مندان خاندان علی و اولاد علی علیه السلام بر سر سفره ضیافت بانوی عالم علیها السلام می‌نشینند و بهره‌مند می‌شوند، طبعاً این برنامه هم خالی از مراسم معنوی نیست. و مانند نذوراتی که تقدیم حرم مطهر می‌شود که ما در این باب، سخنی داریم و مطالبی را ذکر خواهیم نمود.

و مانند انفاقاتی که زائران و واردان برای فقرا و ضعفا و مستمندان دارند که غالباً در خود حرم مطهر و رواق‌ها و صحن‌ها و مساجد داخلی حرم صورت می‌گیرد.

۱۱. **نذورات و موقوفات:** از جمله مظاهر برازندگی و قداست حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و موقعیت بسیار رفیع آن بانوی یگانه و پایگاه منبع او در اعماق جان مردم، موضوع نذرهایی است که برای آن مخدّره می‌شود و در طول سال و هر روز و شبی به انواع مختلف، جریان دارد.

یکی از مجاری این نذورات و شاید مهم‌ترین و بیشترین آن‌ها، نذورات مالی است که طبقات مختلف از عالم و عامی و ثروتمند و یا مردم متوسط و احیاناً ضعفا و کسانی که خود مشکل مالی دارند، انجام می‌دهند.

علاقه‌مندان به خاندان پیغمبر ﷺ و علی الخصوص فاطمه معصومه علیها السلام احیاناً نذورات مطلقه می‌کنند که نذرشان بدون قید و شرط است، ولی غالباً نذرهای مقید می‌نمایند؛ یعنی وجهی را مقید به رسیدن به حاجتشان؛ مثلاً بچه‌دار شدن یا سلامت مسافرشان و یا پیشروی تجارت و کارشان و یا موفقیت در ازدواج و یا تحصیل، یا شفا گرفتن و درمان شدن بیمارانشان یا مرتفع شدن درد و بیماری خودشان و یا آزاد شدن گرفتاران و محبوسینشان و ده‌ها و صدها حاجت و خواسته، به مناسب زمان و مکان، نذر می‌کنند و در بسیاری از موارد، به خواسته‌های خود می‌رسند و به برکت فاطمه معصومه علیها السلام و در پرتو الطاف بی‌دریغ آن مکرمه حاجتشان برآورده می‌شود و لذا نذر خود را هم انجام می‌دهند.

و نحوه پرداخت و جوهی که نذر حضرت معصومه علیها السلام می‌شود، دوگونه است: الف) مراجعه به دفتر مخصوص نذورات و صندوق ویژه آن نموده و نذر خود را ادا کرده، وجه مربوط را تحویل می‌دهند که در این مورد همراه با اخذ قبض رسید می‌باشد.

ب) خود نذرکنندگان وجه منذور را به داخل ضریح مبارک می‌اندازند و می‌ریزند و گاهی اگر مثل پارچه یا فرش کوچکی باشد، به بالای ضریح می‌اندازند و روی همین جهت بعد از مدتی خدام محترم و یا اشخاص دیگری پس از مراسم خلوت کردن حرم، درب ضریح را باز کرده و وجوه نذری را بیرون می‌آورند و تحت مراسم خاصی آن را به مصارف مقرر می‌رسانند.

شبکه‌های نذورات، بسیار سرشار و پردرآمد است و مقادیر زیادی مال از همین رهگذر در هر ماه و سالی در اختیار آستانه مبارکه قرار می‌گیرد و این نذورات، منحصر به خود مردم شریف قم نیست؛ بلکه از بلاد دیگر و حتی گاهی از شهرهای دور و از ممالک خارج نیز این نمونه نذرهای انجام می‌شود و مبالغی را تقدیم آستانه مبارکه حضرت معصومه و حرم شریف او می‌کنند و آن را با دست خود یا به وسیله دیگران، تحویل می‌دهند.

البته این نذورات، منحصر به پول و مال و خوردنی‌ها نیست، بلکه گاهی نذر تعمیر حرم شریف می‌شود، که در سابق، این جریان، زیاد بوده و گاهی نذر نماز و تلاوت قرآن، و تقدیم ثواب آن به روح منور حضرت معصومه علیها السلام است و احیاناً نذر زیارت آن معظمه را می‌کنند و در جای خود انجام می‌دهند. چنان‌که گاهی نذر اقامه عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام یا دیگر از معصومان پاک و یا ذکر مصایب خود حضرت معصومه علیها السلام می‌کنند و در حرم مطهر یا رواق‌های مجاور، انجام می‌دهند.

اخیراً ورقه‌ای به دست آمد که مربوط به دوران فتحعلی شاه است و حاکی از مرسوم بودن نذر زیارت حضرت معصومه در آن زمان است و متن آن این است:

و بعد حاضر گردید احقر عباد و اقل السادة، خادم خدام و الامقام سرکار فیض آثار، حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر - علیها و علی آباءها آلاف التحية و الثناء، «سید محمد بن سید علی الرضوی» در محکمه بندگان عیوق‌شان عالی جناب مقدس القاب فضائل و فواضل اکتساب حقایق و معارف انتساب، حاوی الفروع و الاصول، جامع المعقول و المنقول، مجتهد العصر و الزمان، میرزائی میرزا علیرضا - دام فضله العالی، و به عنوان نذر

برخود واجب و لازم و محتتم نمود که از غرّه شهر رمضان المبارک هذه السنة و ما بعدها مادام الحیاة، هر روزی یک زیارت، به جهت بندگان سکندر نشان، دارا دربان، ملائک پاسبان، آسمان مکان، سلطان الاعظم و خاقان الاکرم، السلطان العادل، فتحعلی شاه، نیابتاً، و دو زیارت که ثواب آنها عاید رضوان آشیانان والد و والده حضرت شاهنشاهی، روحی فداه، نماید و صیغه نذر را جاری ساخت که هرگاه، العیاذ بالله، بدون عذر شرعی خلاف نذر به عمل آمد، مبتلا به کفّاره حنث نذر گردد.

و این چند کلمه به رسم یادداشت، قلمی و تحریر شد و به نظر مبارک واقفان انجمن حضور معدلت دستور رسیده که به علاوة احتیاط از گرفتاری کفّاره، چنانچه تساهل و مسامحه نماید، مورد مؤاخذه و عقوبت حضرت شهریار باشد. ۷ رجب المرجّب من شهر ۱۲۴۷ و در ذیل، مهر امضایی است و بر بالای آن صفحه، دو نفر از علما امضا و مهر کرده اند؛ یکی از آنها نوشته است: قَدْ جَرَتِ الصَّيغَةُ عِنْدِي. و دیگری چنین نگاشته است: قَدْ تَقَوَّهَ بِصَيغَةِ النَّذْرِ بِمَحْضَرِي.

و اما موقوفات؛ شدت نفوذ و قداست حضرت فاطمه معصومه علیها السلام چنان است که از دیر زمان، اموال فراوان، از منقول و غیر منقول، به وسیله اشخاص خیر و با ایمان بر آن حضرت، وقف شده است، اراضی بسیار و خانه های متعدد، مغازه های بی شمار، باغ، بستان های عدیده، امروز در قم و چه بسا در جاهای دیگر است که وقف بر آن بانوی بزرگ می باشد و وقف نامه های بسیار و صورت های وقف فراوان با مهر و امضا های مهم و معتبر در دست رس است، به طوری که می توان به صورت کتاب های بزرگ و متعدد در آورد و قسمت هایی از آنها در کتاب های مربوط چاپ شده است.

محدثه آل محمد علیهم السلام

یکی از فضایل و مناقب بزرگ حضرت فاطمه معصومه علیها السلام محدثه بودن آن بانوی بزرگوار است. بضعه موسی بن جعفر علیه السلام روایاتی نقل فرموده و کلمات گران بهای خاندان وحی را به علاقه مندان، منتقل کرده اند و از این رهگذر نیز اهل ایمان را متنعم و بهره مند ساخته است و این هم خود یکی از جهاتی است که ما را رهین منت بانوی جهان، حضرت معصومه علیها السلام قرار می دهد.

ما در این مقام، چهار مورد را که حضرت فاطمه معصومه، در سند روایت قرار گرفته و آن حضرت، ناقل روایت می باشند ذکر می کنیم و آن چهار مورد، حدیث غدیر، حدیث منزلت، حدیث معراج و حدیث شهید بودن محبان آل محمد علیهم السلام است.

۱ و ۲. علامه بزرگ و مجاهد و مورد تأیید الهی، مرحوم آقای میرزا عبدالحسین امینی، اعلی الله مقامه، به سند مفصّلی که همه سلسله سند، از عامه و اهل سنت اند، از شخصی به نام بکر بن احمد قصری نقل کرده که او گفته است:

حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ وَ زَيْنَبُ وَ أُمُّ كُلْثُومِ بَنَاتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیهم السلام قُلْنَ حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، حَدَّثَتْنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، حَدَّثَتْنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ حَدَّثَتْنِي فَاطِمَةُ وَ سَكِينَةُ ابْنَتَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أُمِّ كُلْثُومِ بِنْتِ فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ عَنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ رَضِيَ عَنْهَا فَالَتْ: أَنْسَبْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ. وَ قَوْلُهُ صلی الله علیه و آله: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى علیه السلام؛^۱

۱. عبدالحسین امینی، الغدير، ج ۱، ص ۱۹۷.

حدیث کردند برای ما دختران موسی بن جعفر، فاطمه و زینب و ام کلثوم، و آنان گفتند: فاطمه دختر امام صادق علیه السلام برای ما نقل نمود و او گفته است: که فاطمه دختر امام باقر نقل کرد که فاطمه دختر علی بن الحسین از فاطمه و سکینه دختران امام حسین و آنها از ام کلثوم دختر فاطمه، دختر پیامبر، و او از فاطمه دخت رسول الله نقل فرمودند: که فرمود: آیا گفتار پیغمبر را در روز غدیر فراموش کردید که فرمود: هر کس من مولای اویم علی مولای اوست. و از یاد بردید سخن پیامبر را که فرمود: تو - یا علی - نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی علیه السلام می باشی؟! ^۳

۳. علامه نامدار، مرحوم مجلسی، اعلی الله مقامه، از کتاب مسلسلات، با ذکر سلسله سند، از بکر بن احنف نقل کرده که او نیز از فاطمه دختر حضرت رضا علیه السلام نقل نموده که گفته است: حدیث کرد مرا فاطمه و زینب و ام کلثوم، دختران موسی بن جعفر علیه السلام و آنان گفته اند که حدیث کرد ما را فاطمه دختر امام جعفر صادق علیه السلام و او می گوید: حدیث کرد مرا فاطمه دختر محمد بن علی علیه السلام و او نقل کرده از فاطمه دختر علی بن الحسین علیه السلام و ایشان فرموده اند: حدیث کرد مرا فاطمه و سکینه، دختران حسین بن علی علیه السلام از ام کلثوم دختر علی علیه السلام از فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمود: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: چون مرا به آسمان سیر دادند، داخل بهشت شدم. در آن جا قصری بود از درّ سفید و مجوّف و دری داشت که مزین به درّ و یاقوت بود و بر آن در، پرده ای بود. پس سر را بلند کردم، دیدم بر آن درب نوشته بود: «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی القوم»، و بر آن پرده، مکتوب بود:

بَحٌّ بَحٌّ مَنْ مِثْلُ شَيْعَةٍ عَلِيٍّ؟

به به، چه کسی همچون شیعه علی خواهد بود؟! ^۱

آن گاه من داخل شدم قصری را دیدم از عقیق سرخ مجوّف و در آن، از نقره مزین به زبرجد سبز بود و بر آن پرده ای بود. پرده را بالا زدم، بر آن در نوشته بود: محمد رسول الله، علی وصی المصطفی؛ محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست و علی وصی پیامبر می باشد. و بر آن پرده نوشته بود:

بَشَّرُ شَيْعَةَ عَلِيٍّ يَطِيبِ الْوِلَادَةَ؛

بشارت ده شیعه علی را به پاکی ولادت!

من داخل آن قصر شدم. ناگهان قصر دیگری از زمرد سبز مجوّف نمودار شد، که من نیکوتر از آن ندیده بودم و برای آن قصر، دری بود از یاقوت سرخ مزین به لؤلؤ، و بر آن در، پرده ای بود. پس سرم را بالا نموده، دیدم بر آن پرده نوشته بود:

شَيْعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ؛

شیعیان علی سعادت مند و رستگارانند.

من گفتم: حبیبم جبرئیل! این قصر از آن کیست؟ گفت: یا محمد، برای پسر عمّ و وصی تو علی بن ابی طالب علیه السلام، مردم همه در روز قیامت عریان و پابرهنه اند، جز شیعه علی، و مردم به نام های مادرانشان خوانده می شوند، جز شیعه علی علیه السلام که به نام پدرانشان خوانده می شوند.

گفتم: حبیبم جبرئیل! این مطلب چگونه است؟ گفت: زیرا آنان علی را دوست داشتند، پس ولادت آنان پاکیزه است و پدری معلوم و مشخص دارند، لذا به نام آنها خوانده می شوند.^۱

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۷۶ - ۷۷ و محدث قمی، سفینه البحار، ج ۱، ماده شیع، ص ۷۲۹.

۴. علامه محدث، شیخ محمد بن محمد بن احمد داغستانی، در کتاب اللؤلؤة الثمينة فی الآثار المعنونة المروية، که در سال ۱۳۰۶ هـ ش، در مصر چاپ شده از فاطمه بنت الحسین رضوی نقل نموده است و او از فاطمه، دختر محمد رضوی، از فاطمه دختر ابراهیم رضوی، از فاطمه دختر حسن رضوی، از فاطمه دختر محمد موسوی، از فاطمه دختر عبدالله علوی، از فاطمه دختر حسن حسینی، از فاطمه بنت ابی هاشم حسینی، از فاطمه دختر محمد بن احمد بن موسی مبرقع، از فاطمه بنت امام ابی الحسن مبرقع، از فاطمه دختر موسی مبرقع، از فاطمه بنت امام ابی الحسن الرضا علیه السلام از فاطمه دختر موسی بن جعفر، از فاطمه دختر جعفر بن محمد صادق، از فاطمه دختر محمد بن علی باقر، از فاطمه دختر علی بن الحسین سجّاد زین العابدین، از فاطمه دختر ابی عبدالله الحسین، از زینب دختر امیر المؤمنین، از فاطمه بنت رسول الله ﷺ که رسول خدا ﷺ فرمود:

أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا^۱

آگاه باشید هر کس که بر محبت و دوستی آل محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته است.

و طبق نقل، این روایت را فاطمات خوانده‌اند؛ زیرا راویان آن، جز یکی دو نفر، همه فاطمه نام می‌باشند.

باری، براساس مطالب این بخش، بضعة موسی، حضرت معصومه، بانویی عالمه و محدّثه از خاندان عصمت و طهارت محسوب می‌شوند و علاوه بر فضایل ذاتی و واسطه فیض ربوبی بودن، وساطت در رساندن اخبار و احادیث شریفه به دست شیعه نیز دارند و باید محدّثین بزرگ و اهل

۱. رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۱۶ و ۱۷.

روایت، فخر و مباهات کنند که همچون حضرت معصومه، حبیبۀ خدا، جزء محدّثین و راویان اخبار و ناقلان روایات می‌باشند. چنان‌که پیش از او فاطمه بنت الحسین علیها السلام و بعضی دیگر از فواطم خاندان پیامبر، افتخار بزرگ محدّثه بودن را داشتند و از همه مهم‌تر، جدّه گران‌قدر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یعنی حضرت صدیقه کبرا فاطمه زهرا علیها السلام محدّثه و اهل حدیث و روایت بود و در این عمر کوتاه خود، مطالب و روایات بسیاری را از پدر بزرگوارش حضرت خاتم النبیین ﷺ روایت فرموده که در کتاب‌های مربوط، ثبت و ضبط است.

آری، شیعه افتخار دارد که در بین طبقه بانوان، زنانی با جلالت قدر و فخامت شأن، مانند حضرت فاطمه زهرا و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دارد که احادیث و کلماتشان، راه‌گشای زندگی انسان‌هاست.

فاطمه معصومه علیها السلام شفیعه روز جزا

یکی از معتقدات شیعه و از مباحث کلامی، موضوع شفاعت است که اصل آن از قرآن کریم به خوبی استفاده می‌شود.

پیروان مکتب تشیع و دلدادگان خاندان پیغمبر ﷺ با اتکای به آیات کریمه قرآنی و روایات شریفه، این موضوع را حتمی دانسته و بدان اعتقاد قلبی دارند.

خداوند، در قرآن کریم، خطاب به رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^۱

۱. اسراء، آیه ۷۹.

پاسی از شب را از خواب برخیز و به قرآن و نماز بگزران. این یک وظیفه اختصاصی برای توست. امید است که پروردگارت تو را به مقامی قابل ستایش برساند.

در تفسیر آیه، از اهل بیت عصمت علیهم السلام آمده که مقصود از این مقام محمود، مقام شفاعت است.^۱

شفعاء یوم القیامه متعددند و در رأس همه، رسول خدا، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می باشند؛ چنانکه علاوه بر آیه یادشده، روایات متعدّد، دلالت بر این موضوع دارد و نیز ائمه طاهرین، جزء شفعاى عندالله می باشند و این مقتضای آبرومندی آنان در نزد خدای تعالی و رأفت آنان نسبت به بندگان خداست و در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می خوانیم:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ...؛

بار خدا! شفاعت حسین علیه السلام را در روز ورود بر خودت، روزیم فرما. بالاخره در طبقه مردان، انبیا و اوصیا و ائمه طاهرین و برخی دیگر، شفاعت می کنند و نیز در میان زنان و طبقه بانوان کسانی هستند که دارای مقام والای شفاعتند و شخصیت های گران قدری که به اذن الله تعالی در قیامت، شفاعت می کنند.

و آنچه که در این جا مسلم است، این است که دو معظّمه دوران و افتخار بانوان جهان، دو شخصیت بی نظیر فاطمه نام، یکی حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا، صلوات الله علیها و علی ابیها و بعلها و بنیها، و دیگری کریمه آل محمد و بضعه حضرت موسی بن جعفر، حضرت فاطمه معصومه علیه السلام صاحب مقام شفاعتند.

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۱۴؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۴۰ و تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۸۵.

آنچه که حکایت از مورد اوّل می کند، روایات بسیاری است که در ابواب معاد و قیامت و نیز در ابواب فضایل حضرت فاطمه زهرا علیه السلام رسیده است و از جمله، روایت جابر از حضرت باقر علیه السلام است که در یکی از فقراتش آمده است: ای جابر! والله که فاطمه شیعیان و محبان خود را، التقاط می کند آن گونه که مرغ، دانه های خوب و سالم را از میان دانه های بد، جدا نموده و انتخاب می کند.^۱

و اما راجع به حضرت فاطمه معصومه علیه السلام، بعضی از روایات، که از خاندان پیغمبر، نقل شده، صریح در این معناست. چنانکه سید عالم شهید، مرحوم قاضی نورالله شوشتری رحمته الله نقل فرموده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «آگاه باشید که برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مدینه است. آگاه باشید که برای امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه است. آگاه باشید که حرم من و حرم فرزندان من، بعد از من، قم است. آگاه باشید که قم کوفه کوچکی است. آگاه باشید که برای بهشت، هشت در است که سه تای آن به سوی قم، مفتوح می باشد.» [بعد فرمود:]

تُقَبَّضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي وَ اسْمُهَا فَاطِمَةٌ بِنْتُ مُوسَى تَدْخُلُ بِسَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِاجْمَعِهِمْ؛^۲

در سرزمین قم، زنی از فرزندان من که نام او فاطمه و دختر موسی - بن جعفر - است از دنیا خواهد رفت و شیعیان من همگی به برکت شفاعت او داخل بهشت خواهند گردید.

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸، ص ۵۲.

۲. قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۸۳.

و نیز در زیارت آن مکرمه علیها السلام که خود از امام علیه السلام مأثور است می خوانیم:

يَا فَاطِمَةَ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ...؛

ای فاطمه! برای من در مورد بهشت، شفاعت کن....

بنابراین، حضرت فاطمه معصومه همچون جدّه معظّمه اش فاطمه زهرا، از شفعاى محشر است.

آنچه که در این جا بسیار قابل توجه است این است که برحسب ظاهر روایاتی که در دو مورد، ذکر شد، نه تنها آن دو حبیبۀ خداوند، صاحب مقام شفاعتند، بلکه شفاعت آنان در سطحی وسیع و گسترده می باشد.

چنان که در روایت مربوط به حضرت معصومه علیها السلام کلمه «اجمعهم» به کار رفته که کاملاً ظاهر در این است که همه شیعیان، به شفاعت آن بزرگوار می رسند و عامۀ شیعه، از آن بهره مند و برخوردار خواهند گردید.

این تعبیر، بسیار ارزشمند است، زیرا از یک سو مقام والای حضرت فاطمه، بنت موسی، را ابراز می دارد که شفاعت آن حضرت، نوع خاصی از شفاعت است: گروهی، نیست و طایفی، نمی باشد. بلکه فراگیر و عمومی است و به کافۀ شیعه خواهد رسید.

و از دیگر سو، تعبیری امید بخش و فرح انگیز است و نور امید در دل های همه شیعیان ایجاد می کند. شفاعت حضرت معصومه، شعاع رحمت و اسعه الهیه است که همه را زیر پرو بال خود خواهد گرفت.

بنابراین اگر در زیارت آن مکرمه بی بدیل می خوانیم: «يَا فَاطِمَةَ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ»، و درخواست شفاعت، از آن خزینه رحمت الهی می کنیم، تقاضایی به جا و به مورد است که او صاحب شفاعت کبری و تامه است و

دامنه شفاعتش آن قدر گسترده و وسیع است که به هر کسی که در زیر لوای مقدّس تشیّع و ولایت آل محمد علیهم السلام باشد خواهد رسید.

بله! در این جا یک مطلب را نباید از یاد برد و آن این است که در همان روایت مخصوص، می فرماید: «شیعیان من به شفاعت او داخل بهشت خواهند گردید» و اکنون باید همه در حال خود فرو رویم و بنگریم که آیا در زمره شیعیان امام صادق علیه السلام هستیم؟ و آیا این عنوان و واژه درباره ما صادق است؟ و آیا آن امام بزرگوار، تشیّع ما را امضا می کند؟ اگر خدای نخواستہ این مطلب، مورد تردید قرار گرفت یا این عنوان منتفی شد، حکم و اثر آن نیز در پی آن منتفی خواهد گردید. ملاک شیعه بودن را ما خود نمی توانیم تفسیر کنیم و به دست بدهیم، ملاک آن طبق تفسیر خاندان پیغمبر باید در عمل، روشن گردد و عمل ماست که معیار تشیّع ما خواهد بود.

بالاخره فیض، فیضی مستعد است و اقتضای شمول آن نسبت به همه افراد شیعه، محقق است. اکنون بکشیم که حداقل در ردیف ضعفای شیعه - از نظر فکر و عمل - باشیم تا مشمول لطف عمیم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قرار بگیریم.

تکریم حریم قم و حضرت معصومه علیها السلام

قم از آغاز امر و خصوصاً از هنگام ورود حضرت فاطمه بدان سرزمین و دفن بدن مطهر آن بانوی بزرگ در این خاک، قداستی خاص داشته و مورد احترام ویژه بوده است؛ چنان که حرم مطهر، قبه سامیه، بقعه منوره و صحن شریف حضرت معصومه از احترام خاص عموم طبقات، برخوردار بوده است و چنین در ذهن دارم که در طول سالیانی که در قم مشرف می باشم،

احیاناً دیده‌ام مؤمنان پاک‌دلی را که برای ورود به صحن و تشرّف به حرم مطهر، از محلّ ورود خود پا را برهنه کرده و برای زیارت، مشرّف شده‌اند. شهرستان قم مورد تقدیس و احترام طبقات مختلف و حتّی سلاطین بوده است؛ چنان‌که مسلم است که بعضی از فراریان از دستگاه‌های حکومتی در ادوار مختلف، رو به قم کرده و پناه به آن می‌آورده‌اند.

یکی از نویسندگان می‌نویسد: به پاس حرمت این سرزمین که حرم اهل بیت معصومین، نامیده شده، حضانت آن مورد تأیید کلیّه سلاطین گردیده بود، تا جایی که پادشاه متعصّب و مقتدر حنفی، یعنی اتابک صاتماز بن قایماز هم در نیمه قرن ششم، شهر قم را به عنوان مهد امنیت شناخته، حضانت آن را محترم می‌شناخت، از این روی کمتر زمانی بود که قم مجمع وزرای مغضوب و امرای منکوب و رجال شکست خورده سیاسی نباشد. ولی در عصر صفویّه، محیط بست، به مرافق آستانه تخصیص یافت و عمارت ساروتقی به جای دارالشفای کنونی مرکز سکونت متحصّنین گشته، در همان جا از مطبخ خیرات هم اطعام می‌شدند و از آن پس، کلیّه پادشاهان ایران هم در رعایت حرمت حرم فاطمه از نظر حفظ حضانت کوشا بودند و...^۱

و هم او از قول بعضی از سیّاحان خارجی نقل کرده است که این شهر را معمولاً دارالامان می‌گویند، ولی این کلمه نسبت به عیسویان یا پیروان سایر مذاهب، صدق نمی‌کند، بلکه فقط دارالامان بزه کاران و جانپان است که برای فرار از مجازات، به این شهر می‌آیند و در زیر دیوارهای مقبره، پناهنده می‌گردند.^۲ و گویا مطلبی را که این نویسنده محترم از پادشاه حنفی نقل کرده است

۱. عباس فیض، گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۵۸.

۲. همان، ص ۴۲۵.

مستند به نوشته ملک الوعظ، شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی، دانشمند بزرگ قرن ششم هجری است؛ او کتابی ارزنده به نام النقض در ردّ نوشته گمراه کننده بعضی از علمای عامّه، به نام «بعض فضایح الروافض» نوشته، و چون آن گمراه، گفته است: در هر شهری که رافضیان (شیعیان) غلبه دارند، دین و شریعت را آن جا جمال و رونقی نباشد و بعد به قم و بعضی از شهرهای شیعه مثال زده است. ایشان در جواب او فصل مشبعی راجع به آثار فراوان و روشن دیانت در قم، بحث کرده تا بدین جا که می‌گویند: در این تاریخ که این نقض را می‌نویسم، مثالی رسیده از قم که مقطع قم: امیر غازی عادل صاتماز بن قایماز الحرامی ضاعف الله دولته به قم فرستاده است اولش این عبارت که اهل قم از خدای تعالی به نزدیک ما ودیعت‌اند. و ما را رعیتی مبارکند و تا قم نامزد و دیوان ما کرده‌اند هر روزه ما را منزلتی و مرتبتی پدیده آمده است و ما ایشان را به فال کرده‌ایم.

بعد شیخ عبدالجلیل می‌گوید: چون چنین پادشاهی حنفی متعصّب، ملحدکش، در حق قم و قمیان چنین نویسد، الا از سر بصیرت و حقیقت نباشد چه پادشاه از رعیت، تقیه نکند و هزل ننویسد...^۱

هتک حریم قم و حضرت معصومه علیها السلام

احترام مخصوص قم و اجلال ویژه حضرت معصومه، از نظر معنوی و

۱. عبدالجلیل قزوینی رازی، النقض، ص ۱۶۷ و ۱۶۸ و در پاورقی آمده که یا مراد به مقطع در این جا کسی است که سلطان، منافع و عایدات قصبه‌ای یا شهری را به یکی از درباریان خود واگذار کند در مقابل این که او نیز پیوسته یا در موقع لزوم، عده‌ای حاضر در رکاب را تحت اختیار سلطان بگذارد.

در نظر مردم و جوامع از بحث‌های گذشته، روشن گردید. اکنون یادآور می‌شویم که در مواردی شهر قم و یا حرم مطهر آن بانوی جهانی، مورد هتک و بی‌حرمتی قرار گرفت.

از مواردی که شهر قم در معرض تعدی، تجاوز و تهاجم واقع شد حادثه هولناک حمله تیمور گورکان است که طبق نقل، این شهر را به کلی ویران ساخت، هر چند در این نقل چیزی راجع به قبه سامیه حضرت معصومه نیامده است، کما این‌که اصل جریان، نیز مورد تردید، واقع شده است.

و دیگر، فتنه افغان‌هاست که در سال ۱۷۲۲ م برابر ۱۱۳۵ قمری و ۱۱۰۲ شمسی، این شهر را پس از آن‌که رو به آبادی گذاشته بود مورد حمله قرار داده، آن را مجدداً خراب کردند و شقاوت و بی‌رحمی نسبت به ساکنان قم از تیمور بیشتر شد، به طوری که یکی از سیاحان اروپایی که یک قرن پس از حمله افغان‌ها، از این شهر، عبور کرده، می‌نویسد: از شهر آباد قم، فقط توده خاکی بر جای مانده است.^۱

و مواردی دیگری نیز در تواریخ ذکر شده و گویا رمز این حملات وحشیانه و قتل عام مردم قم اشتهار آنان به تشیع و پیوند دل و جان آنان با خاندان علی علیه السلام بوده است.

و اما راجع به هتک حریم مقدس حضرت معصومه و شکستن احترام حرم شریف، دو مورد را ذکر می‌کنیم:

۱. هتک و سوء ادبی که به وسیله شخص رضاخان پهلوی صورت گرفت: بدین بیان که تحویل سال و نوروز سال ۱۳۰۶ شمسی که مصادف با ماه مبارک رمضان سال ۱۳۴۶ هجری قمری بوده، زنان و دختران فاسد او

۱. عباس فیض، گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۴۲۴-۴۲۵.

بدون ساتر و پوشش، وارد آستانه مقدس شده، بی‌شرمانه در غرفه بالای ایوان آینه که در صحن بزرگ، قرار دارد جای گرفته و مشغول تماشای مردم بودند و یک جا، هم حرمت ماه مبارک رمضان را شکستند و هم احترام مخصوص مکان مقدس و آستان ملک پاسبان بانوی اسلام را از بین بردند. مردمان علاقه‌مند به دین، از این ماجرا ناراحت شده، و مطلب را به مرحوم شیخ محمد تقی بافقی رحمته الله رساندند. او که انسانی بسیار غیرتمند بود به آنان پیغام فرستاد که شما اگر بر غیر دین اسلامید، در این مکان شریف، چه کار دارید و اگر مسلمانید چرا بی‌حجاب و با سر و موی باز در حضور چندین هزار نفر در غرفه نشستید!؟ مردم هم سر و صدا کردند.

شیطان صفتان آتش افروزی نموده، خانواده سلطنتی را مرعوب ساخته و اظهار داشتند که این آخوند، مردم را تحریک کرده که شما را اذیت کنند. آن‌ها تحت تأثیر این تحریکات، واقع شده، تلگراف تحریک‌آمیزی به دربار کردند و در پی آن تلگراف، پهلوی با عده زیادی از افراد ارتش، حرکت کرده، به قم آمد. اطراف صحن، به فرمان او محاصره شد و خود برای گرفتن آن عالم محترم، وارد صحن شد و با کفش، وارد ایوان حرم مطهر گردید و به تیمورتاش فرمان داد که او را احضار کند.

آن خائن، با کمال بی‌ادبی با کفش، به مسجد بالاسر حضرت معصومه رفت و آقای بافقی که به رسم همه روزه مشغول موعظه بود را گرفته و او را بیرون کشید و در ایوان آینه نزد آن طاغوت از خدایی خبر آورد و او تا چشمش به این روحانی پاک افتاد، با شدت بغضی که داشت شروع به فحش و جسارت و گفتن کلمات کفرآمیز کرد و عمامه او را به گردنش انداخت و با حرابه‌ای که در دست داشت، به سر و صورت او زد و با لگد

وی را به زمین انداخت و لگدهای زیادی به شکم و پهلوئی او زد و او پیوسته می‌گفت: یا صاحب الزمان!

آری، این هتک بزرگ را در جلو قبر مبارک حضرت معصومه کرد و آن عالم پرهیزکار را در آن مکان مقدس که جای امن بود، بدان‌گونه مورد ضرب و شتم و آزار قرار داد و آن وضع وحشت بار را در محل نزول فرشتگان آسمانی، به وجود آورد.

و تازه دستور داد او را به تهران ببرند و مأموران خبیث، آن روحانی محترم را با توهین فراوان و آزار بسیار به تهران بردند و در زندان شهربانی کل، زندانی کردند شش ماه، زندانی بود و بعد او را به حضرت عبدالعظیم بردند و او در آن‌جا به صورت اقامت اجباری، سکونت یافت تا در سال ۱۳۶۵ هـ. ق، از جهان درگذشت و جنازه شریفش را به قم حمل داده، در جوار حضرت معصومه علیها السلام و نزدیک مدفن مرحوم آیه‌الله العظمی آقای حائری دفن کردند.

نویسنده محترم شرح حال ایشان، مرحوم آقای شیخ محمد رازی رحمته الله دو خواب را نقل می‌کند که یکی راجع به حادثه هولناک ضرب و شتم و حبس کردن مرحوم بافقی است و دیگری راجع به آزاد شدن ایشان، و چون از رؤیاهای صادقانه است هر دو را نقل می‌کنیم:

الف) یکی از سادات عظام و اختیار قم، حکایت کرد که یک شب قبل از آن حادثه، خواب دیدم که در حرم حضرت معصومه ایستاده و مشغول به گریه و زیارت می‌باشم. ناگاه دیدم جمعی به زنی جباره و فسّاق آمده، ضریح آن حضرت را برداشتند و بعد قبر مطهر حضرت معصومه را خراب و بدن او را بیرون آورده و بردند و من هر چه جزع کردم که بدن حضرت را

کجا می‌برید التفاتی به من ننمودند. صبح آن روز، خواب خود را برای آقای شیخ مهدی مجتهد و جمعی دیگر نقل نمودم آنان گفتند: پیش آمد بزرگی خواهد شد.

اتفاقاً شب بعد، آن قضیه، رخ داد و آقای بافقی را به تهران بردند و خواب من تعبیر شد و دانستم که ایشان چقدر ارتباط با حضرت معصومه علیها السلام دارند.^۱ ب) مرحوم سید مرتضی قمی، معروف به ساعت ساز گفت: چون ایام زندان آقای بافقی به طول انجامید و خبری از او نبود، من بی‌اندازه مضطرب بودم. تا شبی در خواب دیدم که حضرت بقیة الله صاحب الامر، صلوات الله علیه، از سمت قبله می‌آید، در حالی که سوار اسب نجیب عربی است و خطی بر دست گرفته و نیزه خود را حرکت می‌دهد و از شدت سرعت، گویا در فضا راه می‌پیماید و به صدای بلند ارجوزه فارسی می‌خواند و از ایباتی که شنیدم می‌خواند، این بود:

باز آمدم موسی صفت از خود ید بیضاکنم

فرعون و قومش سر به سر مستغرق دریا کنم

آمد تا رسید روی پل یا محاذی پل رودخانه و رو را به حرم مطهر

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام گردانید و با حال گریه فرمود:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّتِي الْمَظْلُومَةَ، لَعَنَ اللَّهُ قَوْمًا هَتَكُوا حُرْمَتَكَ وَ
كَسَرُوا حِصْنَكَ؛

سلام بر تو ای عمه مظلومه من، خدا لعنت کند کسانی که هتک حرمت

تو را کرده و قلعه محکم تو را شکستند.

۱. محمد شریف رازی، مجاهد شهید آیه الله بافقی، ص ۹۴.

اشاره به آن ظالمین که با کفش، قدم جسارت در حرم او گذارده و دوست او را توهین و اذیت نمودند.

و پس از این سلام، مانند برق لامع، به طرف تهران رفت و من در خواب، گمان می‌کردم که به شهر می‌آید، از دیدن این صحنه، خوشحال از خواب بیدار شدم و به اهل خانه گفتم: ایشان از زندان خلاص شد، گفتند: از کجا می‌گویی؟ گفتم: خواب دیدم که امام زمان، عجل الله فرجه، به طرف تهران برای خلاصی او می‌رفت.

اتفاقاً روز دیگر خبر رسید که همان روز، از زندان بیرون آمده است.^۱

۲. هتک حرمت و بی‌حرمتی که از سوی عمال محمد رضا شاه پهلوی، صورت گرفت و آن جریان تأسفانگیر حمله اشرا و مزدوران رژیم، به مدرسه فیضیه بود. اتفاقاً آن هم دوم فروردین ۱۳۴۲ و مصادف با روز شهادت حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام بود. آن روز از سوی مرجع بزرگ، مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی رحمته الله مجلس سوگواری در مدرسه فیضیه برقرار بود، جمعیتی بسیار عظیم در آن جا گرد آمده و جلوی منبر یعنی ما بین حوض بزرگ سابق تا جلو درب کتابخانه را کماندوها و مأموران شاه اشغال کرده بودند. در اثنای سخنرانی واعظ شهیر، مرحوم آقای حاج انصاری قمی رحمته الله آن جنایت کاران شروع به اخلاص گری و به هم زدن نظم مجلس کردند، گاهی با صلوات‌های بی‌مورد و زمانی با سردادن شعار، ایجاد اغتشاش کردند تا بالاخره کنترل مجلس را از دست گوینده گرفتند، ایستادند و شعارهای شرک آلود خود را علیه علمای دین و به نفع شاه و خاندان پهلوی سردادند و بعد دیوانه‌وار به جان

طلّاب، علما، مجتهدین، محصلین و مردم مسلمان افتاده، هر کس را که به دستشان می‌افتاد محکم می‌زدند. صحنه چنان بود که قابل توصیف نیست و آنچه بنده خود دیدم به وصف نمی‌آید. بالاخره عده زیادی را مجروح و مصدوم ساختند و آن، ماجرا کشته‌ای نیز برجای گذاشت.

شایان ذکر است که مدرسه فیضیه، متصل به صحن عتیق حضرت معصومه علیها السلام است و بالاتر آن که دری از درهای مدرسه، به آن صحن مبارک، باز می‌شود و اتفاقاً آن در، درست محاذی با ایوان طلا و حرم مطهر و قبر منور حضرت فاطمه بنت موسی علیه السلام است.

و بعضی از نویسندگان محترم و اهل تحقیق گفته‌اند: این مدرسه تا قرن یازدهم به نام مدرسه آستانه، موسوم بوده و تا این اواخر هم مردم قم، آن را مدرسه صحن نیز می‌گفتند.^۱

بنابراین، جنایت مزبور، درست پیش چشمان حضرت معصومه و در حرم امن و امان آن بانوی بهشتی به دست عمال پهلوی، صورت گرفت و حرمت آن حرم محترم را شکستند و در حریم صغیه الله، دختر موسی بن جعفر علیه السلام مرتکب شتم، سب، ضرب و قتل که عظیم‌ترین جنایات است شدند، و این حادثه، نفرت مردم مسلمان را از آن سفاکان بی‌رحم برانگیخت و مقدمات زوال و اضمحلال آن رژیم منحط را فراهم آورده، زمینه‌ای مساعد برای انقراض آنان گردید و صدق آن حدیث شریف، ظاهر شد که فرمود: هر جباری که قصد سوء درباره قم کرد، خداوند، او را در هم شکست و نابود گردانید.

آری، هتک مستقیم و سوء ادب آشکار به قبر منور فاطمه معصومه و

شکستن حرمت مسلم آن بانوی دوسرا به وسیله این پدر و پسر بی‌ایمان، صورت گرفت، یک بار، پدر، آن اقدام غیر انسانی را کرد و بار دوم، پسر، این برنامه ننگین را انجام داد و در نتیجه این پدر و پسر، ننگ هتک حرمت بانوی بهشتی و بی‌احترامی به مهبط انوار الهی و فرشتگان آسمانی را برای خود کسب کردند و علاوه بر عذاب الیم و دردناک پروردگار، فضاحت و رسوایی این عمل را برای خود خریدند و به جای آن همه اجلال، احترام، بنا، تعمیر و تقدیسی که از سلاطین صفوی و قاجار، نسبت به آن بانوی بهشتی صورت گرفت، این دو موجود بخت برگشته، دست به چنین اقدام زشتی زدند و لعن و نفرین مردم مسلمان و دلدادگان حضرت فاطمه معصومه علیها السلام برای ابد متوجه آنان گردید و این است عاقبت ستمگرانی که به حریم قدس ناموس خدا و دختر گران‌قدر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام اهانت کنند.

بخشی از افتخارات و گروهی از مفاخر قم

برای قم و مردم آن افتخارات و مفاخر فراوانی است؛

از جمله این است که اول کسانی‌اند که برای امامان معصوم، خمس فرستاده‌اند و از جمله آن‌ها این که بعضی از آنان مورد اکرام و احترام خاص ائمه علیهم السلام قرار گرفته، انگشتر یا خلعتی از ناحیه آن بزرگواران به آن‌ها عطا شده است.

و از جمله این که بعضی از امامان علیهم السلام، جماعت بسیاری از آنان را اکرام کرده، هدایا و تحفی به آن‌ها عطا فرموده‌اند و به بعضی از آنان کفن داده، یا کفن برای‌شان فرستاده‌اند.

به طور کلی شهرستان قم سابقه‌ای بسیار درخشان در ارتباط با علی و آل علی علیهم السلام دارد و در این باب، داستان‌ها نقل شده است که از جمله آن‌ها قضیه دعبل خزاعی است. وی اشعار جالبی راجع به اهل بیت سرود که در حدود ۱۲۰ بیت است و طبق نقلی، او از حضرت رضا علیه السلام جامه‌ای را خواست که آقا پوشیده باشند تا آن را جزء کفن خود قرار دهد؛ حضرت رضا، علیه آلاف التحية و الثناء، پیراهنی که در تن داشتند را در آورده، به او

مرحمت فرمودند. مردم قم از این جریان آگاه شدند و از دعبل درخواست کردند که آن را به سی هزار درهم به آنان بفروشد و دعبل نپذیرفت. آنان آمدند و راهی را که او عبور می‌کرد، بستند و به زور آن جبّه را از او گرفتند و به او گفتند: اگر می‌خواهی این پول را بگیر و گرنه خودت بهتر می‌دانی.^۱

او گفت: به خدا سوگند که من از روی رضا و رغبت آن را به شما نخواهم داد و به صورت غضب هم که نفعی از برای شما ندارد و من شکایت شما را به حضرت رضا خواهم کرد. بالاخره با او مصالحه کردند که سی هزار درهم و یک آستین پیراهن از ناحیه آستر به او بدهند و بر این مطلب توافق کردند و به او دادند و او راضی گردید و دعبل آن آستین پیراهن حضرت رضا را در کفن خود قرار داد.^۲

و اینک به ذکر اسامی چند نفر از مفاخر و رجال بزرگ علمی و مذهبی قم از قدما و متأخرین می‌پردازیم و شرح حال مختصری از آنان را ارائه می‌دهیم:

۱. زکریا بن آدم قمی

او از اصحاب حضرت رضا و حضرت جواد است و حضرت رضا علیه السلام نکاتی راجع او فرموده‌اند که حاکی از اوج مقامات علمی و معنوی اوست.

علی بن مسیب می‌گوید: «به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: مسافت من

۱. معلوم می‌شود آن زمان هم مثل زمان ما دوستی‌ها گاهی با طغیان‌گری همراه بوده است.

۲. عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۲، ص ۳۵۱ و در نقلی، هزار دینار طلا، به جای سی هزار درهم آمده است.

بسیار زیاد و راه من دور است و برایم فراهم نیست که هر زمان بخواهم به حضور شما برسم. بنابراین، از چه کسی احکام دین خود را فراگیرم؟ فرمود: از زکریا بن آدم قمی که مورد اعتماد بر دین و دنیا است. علی بن مسیب می‌گوید: چون به وطن خود بازگشتم، به حضور زکریا بن آدم رسیده و همه مسائلی که مورد نیازم بود از او پرسش کردم.^۱

محمد بن اسحاق و حسن بن محمد می‌گویند: «سه ماه بعد از درگذشت زکریا بن آدم به سوی حج رفتیم، در اثنای راه، نامه حضرت رضا علیه السلام به دستمان رسید و در آن نوشته بودند: یاد جریانی کرده بودید که از قضای الهی در مورد آن مرد از دنیا رفته - زکریا - صورت گرفت. رحمت خدا بر او باد در آن روز که به دنیا آمد و روزی که از دنیا رفت و روزی که زنده شده و مبعوث می‌گردد! پس به حقیقت که او ایام زندگی خود را گذرانید، در حالی که عارف به حق و قایل به آن و صابر بود و مشکلات را به پای حق حساب می‌کرد. به هر چه که خدا و رسول واجب گردانیده بود، قیام می‌نمود؛ رحمت خدا بر او باد که درگذشت، در حالی که نقض احکام نکرد و آن را تبدیل ننموده و تغییر نداد. پس خداوند، پاداش نیت او را بدهد و مهم‌ترین آرزوی او را به وی عطا کند.»^۲

زکریا بن آدم، خود می‌گوید: «به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: من تصمیم دارم که از میان بستگان و خانواده‌ام بیرون روم، چه آن‌که سفها و اهل گناه در آن‌ها زیاد شده‌اند. حضرت فرمود: نه، این کار را مکن، زیرا بلا

۱. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۹۵.

۲. همان، ص ۵۹۵.

به سبب تو از اهل بیت و بستگان دفع می شود، آن چنان که از اهل بغداد به برکت موسی بن جعفر علیه السلام دفع بلا می شد.^۱

و در نقلی آمده است که حضرت امام رضا علیه السلام به زکریا بن آدم فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ بِكَ عَنْ أَهْلِ قَوْمٍ كَمَا يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادَ بِقَبْرِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام؛

راستی که خداوند به وسیله تو از اهل قم، بلا را دفع می کند، چنان که از اهل بغداد، با قبر موسی بن جعفر علیه السلام بلا را دفع می فرماید.

سالی حضرت رضا علیه السلام از مدینه به حج رفتند که زکریا بن آدم، زمیل؛

یعنی هم محمل حضرت بود تا به مکه رسیدند.^۲

و بالاخره از این روایات، استفاده می شود که آن بزرگوار، در اعلا درجه وثاقت و اطمینان است.

قبر شریف او در مقبره مبارک شیخان قم، نزدیکی قبر مرحوم میرزای قمی است و در زیر بقعه ای قرار دارد که آن بقعه، تجدید بنا شده، نمای خارجی آن را کاشی کاری کرده اند.

۲. زکریا بن ادريس يا ابو جريير القمي

گفته شده است که او از حضرت صادق و حضرت کاظم و حضرت رضا علیهم السلام روایت کرده و کتابی نیز داشته است.^۳

از زکریا بن آدم نقل شده که گفته است: «اول شب وارد بر حضرت

۱. همان، ص ۵۹۴.

۲. محمد بن علی الاردبیلی، جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۳۰.

۳. رجال کتبی، ص ۱۷۳.

رضا علیه السلام شدم، و تازه جریان درگذشت ابی جریر واقع شده بود. آقا راجع به او از من پرسش کرد، و آن گاه بر او ترحم فرموده و طلب رحمت کردند و هم چنان با من سخن گفتند، و من با ایشان؛ تا صبح شد و حضرت برخاستند و نماز صبح به جای آوردند.^۱

قبر شریف او در مقبره الشیوخ، یعنی شیخان قم و نزدیکی قبر زکریا بن آدم و میرزای قمی است و گفته شده است که سال رحلتش سال ۲۰۱، پس از رحلت حضرت معصومه بوده است.^۲

۳. احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد اشعری قمی

او از محدثین اهل قم است؛ از حضرت جواد و حضرت هادی علیهم السلام روایت کرده است و از خواص حضرت عسکری علیه السلام به شمار می رفته و از ایشان نیز روایت دارد؛ او علاوه بر این که از اصحاب سه امام معصوم بوده، به عنوان شیخ القمیین نیز اشتهار پیدا کرده است. دو جریان، راجع به این مرد بزرگ، نقل شده که هر کدام برای بیان مقام رفیع و شأن والای او کافی است.

۱. تشرّف او به حضور امام عسکری علیه السلام و دیدار امام زمان حجت بن الحسن، عجل الله تعالی فرجه، به وسیله آن بزرگوار:

شیخ صدوق نقل کرده که احمد بن اسحاق گفته است: وارد بر امام عسکری علیه السلام شدم و تصمیم داشتم که راجع به جانشین پس از وفات آن

۱. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۶۱۶.

۲. عباس فیض، گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۲۲۳.

حضرت، از وی پرسش کنم، ابتدا به سخن کرده و فرمود: ای احمد بن اسحاق! خدای تبارک و تعالی زمین را از آغاز خلقت آدم، از حجت خود بر خلق، خالی نگذاشت و تا قیام قیامت هم خالی نخواهد گذاشت، به برکت آن حجت، بلا را از اهل زمین دفع کرده و باران، نازل می نماید و برکات زمین را به وسیله او بیرون می آورد.

عرض کردم: ای زاده پیامبر! پس امام و خلیفه بعد از شما کیست؟ حضرت، با سرعت برخاسته، داخل اتاق شدند و چون بیرون آمدند، پسر بچه ای بر دوش گرفته بودند که صورتش همانند ماه شب چهارده بود و به کودکان سه ساله می برد. فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر به خاطر آن احترام و بزرگداشتی که از طرف خدا و حجت های او داری نبود، من این فرزند خود را به تو نشان نمی دادم. او همانم و هم کینه پیامبر ﷺ است که زمین را پر از عدل و داد می کند، آن چنان که پر از ظلم و جور شده باشد. ای احمد بن اسحاق، مثل او در این امت، مثل خضر علیه السلام و مثل ذوالقرنین است. به خدا سوگند، چنان غیبتی داشته باشد که در آن غیبت، کسی از هلاکت نجات پیدا نکند، مگر کسی که خداوند، او را بر عقیده امامت وی ثابت گردانیده، او را به دعای تعجیل فرج وی موفق بدارد.

احمد بن اسحاق می گوید: عرض کردم: ای مولای من آیا نشانه ای هست که قلب من بدان مطمئن شود؟ ناگهان آن پسر بچه به زبان آمد و با زبان عربی فصیح گفت:

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ آثَرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ؛^۱

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۳۸۴.

منم بقیه الله در زمین و انتقام گیرنده از دشمنان خدا، پس بعد از مشاهده عین، در پی اثر نباش، ای احمد بن اسحاق!

احمد می گوید: من با فرح و شادمانی از نزد حضرت عسکری بیرون آمدم. ۲. شیخ صدوق رحمته الله حدیث مبسوطی را نقل کرده که در آخر آن آمده است: احمد بن اسحاق در سر من رأی از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام پارچه ای به جهت کفن خود خواست. حضرت، سیزده درهم به او داده و فرمود: این را خرج مکن مگر برای مصارف خودت و آنچه را که خواستی هم به تو می رسد.

سعد بن عبدالله، راوی خبر می گوید: «چون از خدمت مولایمان مراجعت کردیم و به سه فرسخی حلوان - سر پل ذهاب - رسیدیم، احمد بن اسحاق، تب کرد و سخت بیمار شد، به طوری که از او مایوس گردیدیم و چون وارد حلوان شدیم، در کاروانسرای منزل کردیم، احمد فرمود: امشب مرا تنها بگذارید، از این رو هر کس به خوابگاه خود رفت. نزدیک صبح در فکر افتادم، پس چشم باز کردم که ناگاه کافور، خادم مولایم امام عسکری علیه السلام را دیدم که می گوید:

أَحْسَنَ اللَّهُ بِالْخَيْرِ عَزَاكُمْ وَ جَبَرَ بِالْمَحْبُوبِ رَزِيَّتَكُمْ؛

خداوند، سوگ و عزای شما را به خیر و خوبی قرار دهد و مصیبت شما را با آنچه که محبوب است جبران فرماید.

و بعد گفت: از غسل و کفن رفیق شما، احمد، فارغ شدم، اکنون برخیزید و او را دفن کنید، راستی که او عزیزترین شما در نزد آقایتان - امام عسکری - است، آن گاه از چشم ما غایب شد.^۱

۱. همان، ص ۲۶۴ - ۲۶۵.

آری! امام عسکری کافور خادم را با کفن از سامرا به آنجا فرستاده بود تا او را غسل دهد و کفن کند.

۴. علی بن ابراهیم قمی

او از اجلّه روات امامیه و معاصر با حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. مرحوم شیخ کلینی، اعلی الله مقامه، در کتاب شریف کافی روایات بسیاری را از او نقل کرده است و این خود حکایت از کمال وثوق و اعتماد شیخ کلینی بر آن بزرگوار می‌کند.

آثار متعدد علمی و روایتی از آن بزرگوار باقی مانده و نام برده شده است،^۱ لیکن شاید معروفترین آنها کتاب تفسیر اوست که در دو جلد، طبع شده و متکی بر روایات شریفه‌ای است که از طریق پدر بزرگوارش، ابراهیم بن هاشم، از حضرت باقر و حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است و چون وسایط بین ایشان و امام معصوم علیه السلام کم است، از ارزش بالایی برخوردار خواهد بود. ضمناً پدر او از اصحاب حضرت رضا علیه السلام بوده است. او در قم از دنیا رفت و دارای قبه شریفی است و نزدیک مقبره شیخان قرار دارد و محل زیارت اهل ایمان و علاقه‌مندان به اهل بیت است.

۵. علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی

آن بزرگوار، معروف به ابن بابویه است و از او به عنوان صدوق اول، نام برده می‌شود. رجالی بزرگ و مشهور، نجاشی، راجع به او می‌گوید: شیخ القمیین در زمان خودش و متقدم و فقیه وثقه آنان. او به عراق آمد و با

۱. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۲۶۰.

حسین بن روح - وکیل ناحیه مبارکه - ملاقات کرد و مسائلی از او پرسش نمود. سپس با او به وسیله علی بن جعفر اسود، مکاتبه کرد و از او خواست که عریضه‌ای را که به حضرت صاحب علیه السلام نوشته بود، به آن حضرت برساند و در آن نامه از آقا خواسته بود که از خدا بخواهند پسری به او عطا فرمایند، و بعد، جواب از ناحیه مقدسه آمد که ما دعا کرده و خدا را در مورد حاجت تو خواندیم و به زودی دو پسر نیکو کار به تو عطا خواهد شد. و آن‌گاه، دو پسر یکی ابو جعفر، صدوق معروف، و دیگری ابو عبدالله برای او متولد شدند.^۱

و همو حدود بیست کتاب را از آن بزرگوار اسم می‌برد. ولیکن از کلام فرزند برومندش، صدوق معروف، - بنا بر آنچه که از فهرست ابن ندیم نقل شده - استفاده می‌شود که او دویست کتاب و تألیف داشته است.^۲ ولی متأسفانه آن آثار، ضایع شده و چیزی از آنها در دست نیست. مرحوم علامه، اعلی الله مقامه، در مختلف، فتاوی او را نقل کرده است، و یکی از افاضل حوزه علمیه قم، حجة الاسلام و المسلمین مرحوم آقای شیخ عبدالرحیم بروجردی رحمته الله فتاوی او را جمع‌آوری کرده و به ضمیمه فتاوی ابن ابی عقیل یک‌جا به نام (فتاوی العلمین) چاپ و منتشر ساخته است.

فتاوی این بزرگوار، از اعتبار خاصی برخوردار بوده و هست، به طوری که طبق نقل فقیه تراز اول شیعه، مرحوم شهید اول، اعلی الله مقامه، اصحاب، به آنچه که در کتاب شرایع شیخ، ابن بابویه علیه السلام بود، به هنگامی که نصی را در مسئله‌ای نمی‌یافتند، تمسک کرده، فتاوی او را مانند روایت وی

۱. رجال نجاشی، ص ۲۶۱.

۲. عبدالرحیم ربانی شیرازی، مقدمه معانی الاخبار، ص ۸۲ - ۸۳.

به حساب می‌آوردند و این به خاطر حسن ظنی بود که به او داشتند.^۱
در جلالت قدر آن بزرگوار، همین بس که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در توفیق شریفی که برای او فرستاده، در خطاب به او مرقوم فرموده‌اند:

يَا شَيْخِي وَ مُعْتَمِدِي وَ فَقِيهِي؛

ای شیخ من و محل اعتماد من و فقیه من!

گروهی از اهل قم می‌گویند: ما در سال وفات ابن بابویه در بغداد بودیم و علی بن محمد سمري - از وکلای ناحیه مقدسه - پیوسته از ما راجع به ابن بابویه سؤال می‌کرد و ما می‌گفتیم: نامه رسیده و او سالم است و کارهای خود را تدبیر می‌کند. گذشت تا روزی از ما همان پرسش را کرد و ما هم بدان‌گونه جواب دادیم. او گفت: خداوند در مورد علی بن الحسین - ابن بابویه - به شما اجر و پاداش دهد، چه آن‌که او در همین ساعت، قبض روح شد.
آنان می‌گویند: ما آن تاریخ را از نظر ماه و روز و ساعت، ثبت کردیم و بعد از هفده یا هیجده روز که نامه آمد، خبر داده بودند که آن بزرگوار، در همان ساعت، از دنیا رفته بوده است.^۲

باری، آن عالم جلیل‌القدر و متقدم، در قم که زادگاه و پایگاه اصلی وی بوده، از دنیا رفت و دارای بقعه و بارگاهی است و قبر شریفش زیارتگاه اهل دل و حاجت‌مندان و علاقه‌مندان است.

۶. محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، معروف به صدوق

او در شهرستان قم، تولد یافت و وجود او به برکت دعای حضرت

۱. شهید اول، ذکری الشیعه، ص ۴.

۲. ر.ک: شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۵۷.

صاحب الامر، صلوات الله علیه، بود، که به درخواست پدر محترم او از امام علیه السلام صورت گرفت.

و در شرح حالات صدوق اول، جریان دعای امام زمان را ذکر کردیم و دنبال همان قضیه دارد که شخصی به نام حسین بن عبیدالله گفته است: «من شنیدم که ابو جعفر - شیخ صدوق - می‌فرمود: من به دعای صاحب الامر علیه السلام ولادت یافتم. و بدین مطلب، افتخار می‌کردم.»^۱

آن بزرگوار در قم، رشد یافت و از علما و مشایخ عصر خود در قم استفاده وافر برد و به درخواست اهل ری به آنجا مهاجرت کرد، تاریخ مهاجرتشان به صورت مشخص ذکر نشده است، اما طبق استظهاری که محقق جلیل، مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی علیه السلام از مواضعی از کتاب‌های عیون اخبار الرضا و خصال و امالی - که هر سه از تألیفات آن بزرگوار است - کرده‌اند، مهاجرت ایشان به ری، بعد از ماه رجب سال ۳۳۹ ه. ق، و قبل از رجب ۳۴۷ ه. ق، بوده است.^۲
آثار و تألیفات آن مرد بزرگ، بسیار زیاد است و ظاهراً در میان علمای امامیه، کسی مانند ایشان، در کثرت تألیف نداریم.

نجاشی در حدود دو صفحه، اسامی کتاب‌های شیخ صدوق را ذکر کرده است. و در حالات او آمده است که در سال ۳۵۵ ه. ق، وارد بغداد شد. شیوخ طایفه، از او استماع حدیث و مطالب می‌کردند و حال آن‌که او خود تازه سال بود. مصنفات او بسیار است و در میان قمیین کسی مانند او در حفظ حدیث و روایت و مطالب و کثرت علم، دیده نشده است.^۳

۱. رجال نجاشی، ص ۲۶۱.

۲. مقدمه معانی الاخبار، ص ۱۸ - ۱۹.

۳. همان، ص ۱۰.

مباحثات و مناظرات او بسیار ارزنده است و در مقام مناظره، بسیار قوی و نیرومند بوده است.

بر اثر شدت اعتماد علما بر روایات و نقل هایش، اشتها به صدوق پیدا کرد و او را رییس‌المحدثین خوانده‌اند.

شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی، در جواب یکی از علمای سنی، که شیعه را متهم کرده که ایشان را درسی نباشد، می‌گوید: «... و فضل و بزرگی شیخ کبیر، ابو جعفر بابویه علیه السلام را خرد چگونه انکار توان کرد از تصانیف و وعظ و درس، و از ری تا بلاد ترکستان و ایلان، اثر علم و فضل و برکات زهد و امانت او پوشیده نیست.»^۱

و در جای دیگر در جواب سخن دیگری از آن منحرف، می‌گوید: «و ابوجعفر بابویه، شیخی بزرگوار است و استاد همه طایفه.»^۲

و نیز می‌گوید: «ابوجعفر الکبیر بابویه مصنف سی صد مجلد از اصول و فروع.»^۳ و بالاخره آن بزرگوار در سال ۳۸۱ هجری قمری، در حالی که عمر شریفش به هفتاد و چند سال رسیده بود از دنیا رفت و قبر شریفش در شهر ری، نزدیک قبر حضرت عبدالعظیم حسنی می‌باشد و دارای قبه و بارگاه و حرم و صحن است و دلدادگان مکتب علی و آل علی علیهم السلام به زیارتش می‌روند و بدان تبرک می‌جویند.

۷. آخوند ملا محمد طاهر قمی

او از علمای بزرگ قم در زمان صفویه بوده است. شیخ حر جبل عاملی او را با عناوین: عالم، محقق، مدقق، ثقه، فقیه،

۱. عبدالجلیل قزوینی رازی، النقص، ص ۵۱.

۲. همان، ص ۱۵۹.

۳. همان، ص ۱۷۹.

متکلم، محدث، جلیل‌القدر، عظیم‌الشان یاد کرده است. او صاحب تألیفات متعددی بوده است، از قبیل:

۱. شرح تهذیب الحدیث
۲. حکمة العارفين فی رد شبه المخالفين
۳. الاربعین فی فضایل امیرالمؤمنین
۴. رسالة الجمعة
۵. الفوائد الدینیة در ردّ بر حکما و صوفیه
۶. حجة الاسلام و کتاب‌های دیگر.^۱

و بنابر نقلی که کرده‌اند، میان این بزرگوار و محدث و مفسر نامی، فیض کاشانی علیه السلام اختلاف در عقیده و نظر بوده و بر او خرده می‌گرفته است.

صاحب کتاب روضات، بعد از نقل این جریان می‌گوید: «گفته شده که او در آخر عمر، از عقیده و روش خود برگشت و نسبت به فیض کاشانی خوش بین گردید. و بالاخره از قم به عزم کاشان بیرون رفت تا حضوراً از او اعتذار بجوید و تمام این مسافت را با قدم پیمود تا به کاشان رسید و بر در خانه او آمد و ندا در داد: یا مُحْسِنُ قَدْ آتَاكَ الْمُسِيئُ - نام مرحوم فیض، محسن بوده است - ای محسن و نیکوکار، آدم بد کار به در خانه تو آمده است. ملا محسن فیض بیرون آمد و با هم مصافحه و معانقه کردند و هر کدام از دیگری حلیت می‌طلبید و بعد از آن، ملا محمد طاهر بدون درنگ برگشت و فرمود: من از آمدنم از قم بدین جا خواستم هضم نفس و تدارک گناه خود را بکنم و این‌که جلب رضوان الله را بنمایم.»^۲

۱. حر عاملی، امل الآمل، ج ۲، ص ۲۷۷.

۲. میرزا محمد باقر موسوی خوانساری، روضات الجنات، ص ۵۱۷.

بالاخره این بزرگوار در قم، پایگاه خود، از دنیا رفت و در نزدیکی قبر زکریا بن آدم و در بقعه او مدفون گردید.

۸. شیخ غلامرضا قمی معروف به حاج آخوند

آن بزرگوار، فرزند حاج رجب علی قمی، از اهل قم بوده و اشتها به حاج آخوند داشته است. مرحوم آقای شیخ آقا بزرگ تهرانی از او به «عالم محقق و فقیه متبحر از اعظام»، یاد کرده است.

او از قم برای تکمیل مراتب علمی به نجف می‌رود و دو سال درس شیخ مرتضی انصاری را درک کرده است. بعد از آن، در درس مرحوم میرزای شیرازی، شرکت نمود و در آخر، دو سال هم - دورانی که میرزای شیرازی در سامرا تشکیل حوزه داده بود - به سامرا رفت و آن‌گاه به قم برگشت و مرجع امور مردم گردید و مشغول تدریس و وعظ و اقامه جماعت گردید، تا در شانزدهم ذی الحجّه سال ۱۳۳۲ هجری قمری از دنیا رفت^۱ و در ایوان آینه، در صحن بزرگ اتابکی، مدفون گردید.

البته در عصر ما علامتی برای قبر شریف او نیست.

آن بزرگوار دارای آثار علمی متعددی است؛ از قبیل: ۱. صلاة، ۲. صلاة مسافر، ۳. اجتماع امر و نهی، ۴. مسأله ضدّ، ۵. کتاب قضاء، ۶. قلائد الفرائد.

در میان این آثار، کتاب اخیر که حاشیه بر فرایند استادش شیخ مرتضی انصاری است چاپ شده و چند سال قبل به همت نوادگان محترمش به صورت افسست، مجدداً چاپ شد و منتشر گردید.

۱. آقا بزرگ تهرانی، نعبه البشر، ج ۴، ص ۱۶۵۷.

کتاب مزبور، حاشیه‌ای ارزشمند است که در بعضی از مواضع، به تبیین کلمات شیخ پرداخته است.

و از خاطرات این جانب در ایام تحصیل و دوران تجرّد در مدرسه رضویه، این است که نسخه‌ای از چاپ قدیمی این کتاب در کتاب‌خانه آن مدرسه بود و این جانب هنگام اشتغال به رسائل، پیوسته بدان مراجعه می‌کردم و قسمتی از مطالب آن را در حاشیه کتاب رسائلم یادداشت نموده‌ام.

شایان ذکر است که نسخه‌ای از بحث قضای آن بزرگوار، در نزد یکی از فضلا بود و بنا بود توسط نوادگان مرحوم آخوند چاپ شود. متأسفانه آن‌قدر تسویف و تأخیر شد تا آن آقا از دنیا رفت و به کلی، قضیه، منتفی گردید؛ آری، وَ فِي التَّأخِيرِ آفَات.

۹. حاج میرزا محمد ارباب

مرحوم آیه‌الله آقای حاج میرزا محمد ارباب، فرزند محمد تقی بیک ارباب، در سال ۱۲۷۳ ه. ق، در قم و در یک خانواده کشاورز تولد یافت. پس از تعلم مقدمات و سطح، به عتبات عالیات رفت. از محضر مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی و مرحوم آقای آخوند خراسانی استفاده کرد و مدتی از محضر افادات مرحوم میرزای بزرگ شیرازی بهره‌مند گردید.

مرحوم علامه تهرانی او را از تلامذه میرزای شیرازی می‌شمارد و می‌گوید: «حاج میرزا محمد ارباب قمی، با آقا حسن قمی و مولا عبدالله قمی به سامرا آمد و سال‌های کمی در آن‌جا بود، بعد با مولا عبدالله به نجف

رفت و سالیانی در نجف بود. آن‌گاه به قم بازگشت و امروز او در قم از مروجین و محققین و مصنفین است...»^۱

آن بزرگوار، دارای تألیف ارزنده‌ای است به نام اربعین حسینه یا چهل حدیث حسینی، و آن، کتابی است در مقتل، و تحقیقات فراوانی در فضایل و مناقب و مصایب امام شهید حضرت امام حسین علیه السلام و روایات وارده درباره آن حضرت دارند و تاکنون دو بار چاپ شده است و مرحوم تهرانی می‌گوید: «آن را در سال ۱۳۲۸ به نام متولّی‌باشی، سید محمد باقر حسینی، که از اولاد علی بن الحسین علیه السلام است نگاشت.»

از خصوصیات و مزایای آن بزرگوار این است که در بزرگداشت مقام ارجمند مرحوم آیه‌الله العظمی حائری چیزی کم نگذاشته است، زیرا او به هنگامی که آقای حاج شیخ عبدالکریم به قم آمده و رحل اقامت افکنده‌اند، خود از علمای برجسته، نافذ‌الکلمه و محترم شهر به شمار می‌رفته است، مع ذلک زعامت آن مرد بزرگ را پذیرفته و با او همکاری نموده و بسیار نسبت به وی تواضع می‌کرده است.

او هر وقت می‌خواست به جایی برود سوار مرکب متداول آن عصر می‌شده است؛ گاهی که در مسیر خود به آقای حاج شیخ عبدالکریم برخورد می‌کرده، از حیوان سواری خود پیاده می‌شده و ادای احترام می‌نموده، دوباره سوار می‌شده و به راه خود ادامه می‌داده است.

و نیز مرحوم آقای ارباب منبر نمی‌رفته‌اند، جز در مجلس روضه‌ای که از سوی مرحوم آیه‌الله العظمی حائری، که به مناسبت سوگواری حضرت زهرا

۱. آقا بزرگ تهرانی، هدیه‌الرازی الی الامام الشیرازی، ص ۱۴۷ - ۱۴۸.

طاهره علیها السلام در مسجد بالاسر حضرت معصومه منعقد می‌شده است که استثنائاً در این مجلس، به احترام آقای حاج شیخ عبدالکریم، منبر می‌رفته‌اند.^۱ آن بزرگوار طبع لطیفی داشته و اشعار در مدایح و مرثیاتی اهل بیت علیهم السلام می‌گفته است و از جمله اشعارشان قطعه شعر معروفی است در خطاب به حضرت ولی عصر و یاد آوری مصایب کربلا که مطلع آن این است: چه خوش باشد که بعد از انتظاری به امید رسند امیدواران و این شعر، در بسیاری از مجالس خوانده می‌شود و وعظ و خطبای قم و گاهی مداحان، آن را با سوز مخصوص می‌خوانند و اثر خاصی در مستمعین دارد.

آن روحانی بزرگوار و موجه در جمادی الاولی سال ۱۳۴۱ هجری، یک سال بعد از مهاجرت مرحوم حائری به قم، در سن ۶۸ سالگی درگذشت و در قبرستان شیخان قم که مدفن بسیاری از علمای بلندپایه است دفن گردید. رحمة الله و رضوانه علیه.

۱۰. مرحوم شیخ ابوالقاسم قمی

آن بزرگوار فرزند ملا محمد تقی (قمی)، از اعظام علمای بلدة طیبه قم بوده‌اند. او در سال ۱۲۸۱ هجری قمری در قم تولّد یافت، مقدمات را در نزد علمای قم، مانند شیخ محمد جواد و شیخ محمد حسن قمی فراگرفت، مدتی نیز در تهران از محضر مرحوم حاج میرزا محمد حسن آشتیانی

۱. دو مطلب اخیر را خطیب بزرگ اسلام، مرحوم آقای فلسفی - رحمة الله علیه - در جلسه فاتحه مرحوم آقای اشراقی - نوه مرحوم آیه‌الله ارباب و داماد مرحوم امام - و مرحوم شهید مدنی که در فیضیه، از طرف آیه‌الله العظمی گلپایگانی منعقد بود و در سخنرانی خود، از قول معظم له نقل کردند.

استفاده کرد و سپس به عتبات عالیات رفت و از درس بزرگانی مانند میرزا حسین خلیلی و حاج آقا رضا همدانی و مرحوم سید محمد کاظم یزدی و مرحوم آقای آخوند خراسانی، اعلی الله مقامهم جمیعاً، بهره‌های فراوان گرفت.

از عبارت علامه تهرانی استفاده می‌شود که او در دوران تحصیل در نجف، در کمال فقر و تنگ‌دستی بوده و با این وضع، ادامه تحصیل داده است تا از علمای بزرگ و برجسته گردیده، به مقام الای اجتهاد، نایل شده است. او در سال ۱۳۲۲ ه. ق، به زادگاه خود مراجعت کرد و سرگرم تدریس و تربیت نفوس و افتا و امامت جماعت گردید.

او علاوه بر مراتب عالیة علمی، صاحب مقامات معنوی بالایی بوده و عمل وی در تربیت نفوس، اثر به‌سزایی داشته است، و این مطلب مسلم است که هنگام ورود مرحوم آية الله العظمی حائری به قم، او رئیس مطلق و شخصیت یگانه علمی و دینی قم بوده و حداقل از رؤسا و علمای تراز اول شهر به شمار می‌رفته و با این وصف، با اخلاص عجیبی در برابر آن مرد بزرگ، تواضع می‌کرده، در حمایت و پیشبرد زعامت او فروگذار نمی‌کرده است تا بالاخره ریاست و زعامت، برای آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری محرز می‌گردد و علی التحقیق یکی از عوامل مهم، در پیشروی مرحوم آقای حائری، فداکاری کم نظیر آقای حاج شیخ ابوالقاسم قمی بوده است. شگفتنا! او خود مرجع تقلید بوده و چنان‌که نقل شده است اکثر مردم قم و نواحی، - یا حداقل، گروهی از آنان - از او تقلید می‌کرده‌اند و محبوب و مقبول عموم طبقات، از مردمان عادی و طبقه فضلا و علما بوده است. به طوری که نقل شده است، گروهی او را بر مرحوم آية الله العظمی حائری ترجیح می‌داده‌اند، علاوه که خود قمی الاصل و اهل این سرزمین بوده

است، مع ذلک نه تنها از آمدن آية الله حائری به قم و اقامت او باکی نداشته، بلکه ترویج می‌کرده و زمینه استقرار ایشان را فراهم می‌آورده است.

نقل شده که یکی از شاگردان آن بزرگوار، پای درس ایشان مطلبی را گفت و برای این‌که بتواند مطلب خود را به ایشان برساند، گفت: حضرت آية الله! ایشان فرمودند: آية الله، آقای حاج شیخ عبدالکریم است. و در نقلی خواندم که در مجلسی شرکت کردند. واعظ با تعبیر حضرت آية الله... از ایشان تجلیل کرد. ایشان فرمودند: (آية الله) آقای حاج شیخ عبدالکریم است.

از یکی از اعظام و مراجع درگذشته نقل شده که فرمودند: روزی هم‌چنان که پای درس آقای حاج شیخ عبدالکریم نشسته بودیم، ناگهان ایشان از منبر، پایین آمدند، همه متحیر شدند که چه شد. بعد دیدیم آقای حاج شیخ ابوالقاسم آمده‌اند و در درس آقای حاج شیخ - به عنوان احترام از ایشان - شرکت کرده‌اند و آقای حاج شیخ به احترام ایشان درس را قطع کرده و از منبر پایین آمده بودند.

اجازه و تصدیق اجتهادی از آن بزرگوار برای مرحوم آية الله آقای میرزا احمد سلطانی جهرمی صادر شده که صورت آن نزد این‌جانب موجود است و مرحوم آية الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم در ذیل آن نوشته‌اند: «آنچه را مرقوم فرموده‌اند صحیح است؛ الاحقر عبدالکریم الحائری.»

باری، آن بزرگوار در سال ۱۳۵۳ قمری برابر با سال ۱۳۱۳ شمسی دارفانی را وداع گفت و در مسجد بالاسر، نزدیکی موضعی که بعداً، قبر مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم واقع شد، مدفون گردید.

۱۱. حاج شیخ مهدی حکمی قمی

او که فرزند آخوند ملا علی اکبر حکمی است، در شهرستان قم و در سال ۱۲۸۰ یا ۱۲۸۱ ه. ق، تولد یافته است. مقدمات را در قم و تهران فرا گرفته و سپس در سال ۱۳۱۰ ه. ق، به سامرا رفت و در درس مرحوم میرزای بزرگ شیرازی و پس از وفات او در درس مرحوم سید محمد فشارکی، حاضر شد و استفاده کرد. سپس به نجف آمد و از درس مرحوم آقای آخوند خراسانی و مرحوم میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نمود، چنانکه قبلاً علوم عقلیه را در تهران، از مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه فرا گرفته بود - بالاخره در سال ۱۳۲۲ ه. ق، بازگشت به قم کرد و بر اثر علمیت بالا و مقامات زهد و تقوای معنوی‌ای که داشت، در نزد عموم طبقات، از احترام خاصی برخوردار بود و محلّ وثوق و اعتماد مردم قرار داشت؛ در مسجد جامع قم، که در قسمت پایین شهر قم واقع است، اقامه جماعت می نمود و عهده دار قضا و فصل خصومات و منازعات بین مردم بود.

و از چیزهایی که راجع به ایشان معروف و مشهور است، جریان عقرب گزیدگان است که به آن بزرگوار رجوع می کرده‌اند و او دعایی می داده یا انگشت را بر موضعی که عقرب گزیده بوده، می گذاشته و به اذن الله در اسرع وقت، درد، بر طرف می شده است.

ضمناً آن مرد بزرگ، در سامرا و در درس مرحوم فشارکی یا میرزای شیرازی با مرحوم آیه الله العظمی حائری، اعلی الله مقامه، آشنا می شوند و مصاحبت و صمیمیت بین آن دو بزرگوار، برقرار می گردد.

و این خود از عوامل زمینه ساز برای مهاجرت مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم به قم می شود و نقل شده که در ورود ایشان به قم، نخستین بار آقای شیخ مهدی حکمی پایین شهری^۱ بر اثر سوابق مصاحبت از حوزه سامرا - به میزبانی ایشان پرداختند و خلاصه برای اقامت آقای حاج شیخ عبدالکریم، اقدام و همکاری می کرده است و این نکته از افتخارات خاصه است که خداوند، نصیب ایشان فرموده و ان شاء الله در اجر و ثواب‌های حوزه و آثار آن شریکند.

بالاخره آن بزرگوار در مسافرت تابستانی که به محلات داشته‌اند، در سال ۱۳۶۰ ه. ق، از دنیا رفتند و جنازه شریفشان به قم حمل داده شد و ضمن تشییع باشکوهی، در رواق حرم، نزدیکی قبر مرحوم آقای حائری مدفون گردید.^۱

۱۲. حاج میرزا محمد فیض قمی

مرحوم آقای فیض^۲ فرزند آقا میرزا علی اکبر - از ادبای قم - و از احفای مرحوم ملامحسن فیض کاشانی^۳ بوده است. وی در سال ۱۲۹۳ ه. ق، در قم به دنیا آمد. مقدمات را در نزد علمای قم، مانند مرحوم آقا میرزا محمد ارباب خواند و مدتی در تهران، اشتغال پیدا کرد و از محضر مرحوم آشتیانی و دیگران بهره‌مند گردید و در سال ۱۳۱۷ ه. ق، به نجف مشرف گردیده، از محضر مرحوم سید محمد کاظم یزدی، صاحب عروه، و مرحوم آقای آخوند خراسانی و نیز شیخ الشریعه اصفهانی و محدث بزرگ، حاجی

۱. ر.ک: کتاب‌های مسلسلات، اثر آقای دکتر حاج سید محمود مرعشی نجفی، ج ۲، ص ۳۴۳ -

۲۴۴ و گنجینه دانشمندان، آیینه دانشوران و تاریخ مذهبی قم.

نوری استفاده کرد و در سال ۱۳۰۳ ه. ق، به سامرا رفت و مورد توجه و عنایت میرزای دوم، آقا میرزا محمد تقی شیرازی قرار گرفت. بعد به قم، زادگاه خود مراجعت کرد و سرگرم تدریس و تربیت طلاب و افتا و امامت جماعت و ارشاد مردم گردید. نسخه‌ای از مناسک حج ایشان، در نزد این جانب موجود است.

او در مهاجرت مرحوم آیه الله حائری به قم اقداماتی داشته است که شرح آن در کتاب نفیس گنجینه آثار قم، که اثر فرزند آن مرحوم، نویسنده محقق، آقای عباس فیض رحمته می باشد، آمده است و بالاخره آن بزرگوار در ۲۵ ماه جمادی الاولی ۱۳۷۰ قمری، اول اسفند ۱۳۲۹ شمسی، دار فانی را وداع گفت و مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی، اعلی الله مقامه، بر او نماز خواند و در ایوان طلا، صحن کهنه، محاذی قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

این نکته، جالب است که فرزند ایشان نقل کرده که وفات ایشان در موقع ادای فریضه و در قنوت، در حالی اتفاق افتاد که جمله *إِلَهِنَا غَامِلُنَا بِفَضْلِكَ* را به زبان می راند.^۱

۱۳. حاج آقا حسین قمی

مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی، اعلی الله مقامه، فرزند مرحوم حاج سید محمود، از علمای اعلام و رجال علمی قم در اعصار اخیر است.

۱. ر.ک: آیینہ دانشوران، ص ۳۵۲-۳۵۳ و گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۲۸-۳۳۷.

پدر ایشان، مرحوم حاج سید محمود، از تجار محترم قم بوده است. فرزندان او که همگی از صلحا و اخیار و اکثر آن‌ها از علمای اعلام بوده‌اند، عبارتند از: حاج آقا احمد، حاج سید ابوالقاسم، حاج سید ابراهیم، حاج سید فخرالدین، آقای حاج آقا حسین، اعلی الله مقامهم، لیکن حاج آقا حسین از همه آنان در مقامات علم و فضل برتر و بالاتر بلکه سرآمد بسیاری از علمای عصر خود بوده است.

آن بزرگوار، علوم مقدماتی را در قم فرا گرفته و سپس به نجف اشرف رفته، از محضر درس مرحوم آقای سید محمد کاظم یزدی در فقه، و آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در اصول، و آقای حاج میرزا حسین نوری در روایه و درایه بهره‌مند شده، سپس به سوی مرحوم میرزای دوم آقای حاج میرزا محمد تقی شیرازی شتافته، از محضر وی استفاده کرده است. در سال ۱۳۳۱ قمری به مشهد مهاجرت کرده، بیست و چند سال به تدریس و وظایف مقررّه سرگرم بود و مقبول عموم و مورد توجه علما و فضلا و مردم مشهد قرار داشت و بعد علیه رضاخان و حرکات ناشایست او قیام کرد، به تهران آمد و بالاخره غایله خراسان پیش آمد و منجر به تبعید ایشان به کربلا شد. ده سال در کربلا اقامت کرد تا در سال ۱۳۶۳ قمری، به عزم زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به ایران آمد و استقبال بسیار گرم و باشکوهی در شهرهای مختلف از قصر شیرین تا قم و تهران از ایشان به عمل آمد و به مشهد رفته، یک ماه توقف کرده، به تهران برگشت و بار دیگر دنبال مطالب قبلی خود را گرفت و با کمک مرحوم آیه الله العظمی بروجردی و ملت مسلمان، موفق شد که کشف حجاب اجباری را بردارد و بعد به کربلا برگشت.

درباره مقامات علم و کمال و تقوای ایشان بسیار مطالب گفته شده

است؛ در این میان، مرحوم محدث قمی، اعلی الله مقامه، که نمونه صدق و عدالت بوده کلامی دارد که ما به همان اکتفا می‌کنیم. او می‌گوید: «از الطافی که خدا به برکت حضرت رضا علیه السلام در باره من - در مشهد مقدس - کرد این بود که مرا فرود آورد در منزل السید الأجلّ، و الکهف الأظّل، العالم المحقق، و الفاضل المدقّق الورع البارع، التقی الزکی، ثقة الإسلام، ملاذ الانام، أبوالمکارم و المحاسن، حجة الاسلام، و سیدنا الحاج آقا حسین القمی.

و راجع به پدر آن بزرگوار می‌فرماید: السید الحسیب الجلیل، ذی الشرف الاصل، غرّة ناصیه العزّة و الجلال، و قدوة ارباب الشرف و الکمال و الواصل الی رحمة ربّه الودود، المرحوم المغفور السید محمود عطر الله مرقده و نور مضجعه.

بعد می‌گویند: و از سعادت این سید سعادت مند این است که فرزندان به او عطا شد که علما و فقها و اتقیا هستند.»

بار دیگر به ذکر آیه الله قمی می‌پردازد و می‌گوید: از جمله فرزندان سید محمود، سید اجل یاد شده - آقای حاج آقا حسین - است؛ الذی هو من اعظم فضلائنا المتأهلین للثناء بکلّ جمیل عادم العدیل و فاقد الزمیل، مسلماً تحقیقه فی الاصول، بل ماهراً فی المعقول و المنقول حسین الاسم، حسن الرسم و الاخلاق جید الخلق طیّب الخلق و الأعراق.

و در این جا می‌گوید: من در قدسیّت ذات، دومی برای او ندیدم، و در ملکات و صفات انسانی کسی را که حتی نزدیک به او باشد نیافتم. گویا وجودش سرشته به رضا و تسلیم است و به سوی خدا نیامده است، جز با قلب سلیم.^۱

۱. حاج شیخ عباس قمی، الفوائد الرضویه، ص ۳ و برای مطالب قبلی به کتاب‌های گنجینه آثار قم و نیز گنجینه دانشمندان رجوع فرمایید.

باری، زعیم بزرگ شیعه، مرحوم آیه الله العظمی آقای سید ابوالحسن اصفهانی علیه السلام در نهم ذی الحجه ۱۳۶۵ ه. ق، دارفانی را وداع گفت و بعد از وفات او مرجعیت مرحوم حاج آقا حسین قمی رسمی و عمومی گردید، به خصوص که از قبل، مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی مردم مشهد را در احتیاطات خود ارجاع به آن بزرگوار فرموده بود و خلاصه چند نفر از اعظم بودند که در این هنگام در مقام مرجعیت عامه واقع شدند و دونفر از آنان دو سید جلیل طباطبائی و الامقام و بلند پایه، هر دو حسین نام، یکی حاج آقا حسین بروجردی، و دیگری حاج آقا حسین قمی، بیشتر در معرض قرار گرفتند، هر چند عدّه زیادی آقای بروجردی را، بالخصوص برای مرجعیت، نام می‌بردند، ولی گروهی هم آقای قمی را مقدّم می‌دانستند و رسماً ایشان را می‌گفته‌اند. ولی بالاخره مرجعیت ایشان دوامی نیافت، زیرا حدود سه ماه و ده روز بعد از وفات مرحوم اصفهانی، آقای قمی هم در بیمارستان بغداد در ۱۴ ربیع الاول ۱۳۶۶ ه. ق، از دنیا رفت و جنازه شریفش را از کاظمین به نجف آوردند و در صحن مقدس، در حجره مرحوم شریعت اصفهانی مدفون گردید.

آن بزرگوار از علمای کثیرالاولاد بوده‌اند که مشهورترینشان حضرت آیه الله حاج آقا حسن قمی، ساکن مشهد مقدس، از مراجع عالی قدرند، که یک بار در چند سال قبل توفیق زیارتشان را در رواق حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام پیدا کردم.

در پایان این بحث دو مطلب را ذکر می‌کنم که یکی مربوط به زندگی بی‌آلایش و سراسر صداقت و یک‌رنگی آن بزرگوار است و دیگری مربوط به حال احتضار ایشان می‌باشد:

۱. مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی رحمته فرمودند:

روزی برای صرف ناهار از مرحوم آقای حاج آقا حسین قمی و از مرحوم آقای صدر، دعوت کرده بودیم. اتفاقاً آن روز آقای صدر روزه گرفته بودند و نیامدند. آقای حاج آقا حسین قمی آمدند و ما آش پخته بودیم و ایشان میل کردند، بعد که رفتند فرستاده مرحوم آقای صدر آمد و گفت ایشان می فرمایند: یک مقداری از آن آش برای من بدهید که از بس آقای حاج آقا حسین از آش منزل شما تعریف کردند، من هم میلم کشید. سبحان الله! از این پاکی و بزرگواری و یک‌رنگی مرحوم آقای قمی و صفا و صمیمیت آقای صدر و دوستی این سه شخصیت علمی با هم!

۲. آن بزرگوار در آخر عمر، دچار سرطان شده و در بیمارستان بغداد بستری گردیده و از دنیا رفتند. در روزهای واپسین عمر در حالت اغما بودند، مرحوم آیه الله سید محمد شیرازی رحمته از قول حاضران کنار بستر ایشان نقل می کردند که: آن بزرگوار در ساعات آخر و در همان حالات، ناگهان فرموده بودند: مرا بنشانید. حاضران خیال کردند که این سخن از عوارض حالت بی هوشی و اغمای اوست. بار دیگر به طور جدی فرمود: مرا بنشانید که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده‌اند.

ایشان را نشاندهند، در این حالت به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سلام کرد و سپس خوابید و از دنیا رفت.

۱۴. محدث قمی

محدث بزرگوار، صاحب مقامات معنوی، مرحوم آقای حاج شیخ عباس قمی، اعلی الله مقامه الشریف، از ارکان علم حدیث و روایت در

اعصار اخیر، بلکه خود رکن اصلی در این موضوع به شمار می رود. او در سال ۱۲۹۴ هجری قمری در شهرستان قم پا به دایره وجود نهاد و چون ایام کودکی را پشت سر نهاد، شروع به تحصیل علوم دینی کرد و تا سال ۱۳۱۶ قمری همچنان در قم سرگرم اندوختن علوم اهل بیت علیهم السلام بود. در آن سال به عراق رفت و در نجف به مرحوم حاج میرزا حسین نوری، اعلی الله مقامه، متصل شد و شدت پیوند و رابطه بین این استاد و شاگرد پیدا شد و محدث قمی استفاده فراوان از آن بزرگوار کرد، تا در سال ۱۳۲۰ ه. ق، که استادش از دنیا رفت او هم به قم، مراجعت کرد و سرگرم تحقیق و تألیف شد.

در سال ۱۳۳۲ ه. ق، به مشهد مقدس رفت و در آن ارض اقدس، ساکن گردید و به کار تألیف و تصنیف و درس اخلاق و موعظه اشتغال داشت و در مدرسه میرزا جعفر، که در مجاورت بقعه مبارکه است، برای طلاب درس اخلاق می گفت. در حالاتشان نوشته‌اند که: حدود هزار نفر در محضر شریف او حضور می یافتند و آن بزرگوار، نزدیک سه ساعت یک‌سره به افادات خود ادامه می داد و مستمعین با اقبال تام و توجه کامل، سخنان او را استماع می کردند. رسم او این بود که کتاب حدیث را با خود می آورد و عین عبارت مبارک روایت را با سلسله سند آن از روی کتاب می خواند و به شرح آن می پرداخت.

چند موضوع در زندگی این مرد بزرگ بسیار قابل توجه است:

۱. استقامت و پشت کار او در زندگی؛ او چنان اهتمام به امر تألیف و تصنیف داشت که تمام عمر خود را وقف آن کرده بود و هیچ‌گاه در کار خود سستی نکرد و حتی در سفرهای خود و در بین راه‌ها هر جا اندک فرصتی پیدا می شد، او سرگرم کار خود می گردید و یکی از بزرگان گفته

است که: در بیابان او را دیدم که وقتی ماشین حامل ایشان، خراب شده بود و مشغول اصلاح و تعمیر آن بودند، او مشغول نوشتن بود.

۲. موفقیت ایشان؛ او به راستی از موفق‌ترین علما و محدثین اعصار اخیر است، زیرا در عمر ۶۵ ساله خود علاوه بر تربیت نفوس بسیار، ۳۳ جلد کتاب ارزشمند مطبوع و چاپ شده دارد، که بعضی از آن‌ها خود دو جلد یا سه جلد است، چنان‌که کتاب گران‌سنگ سفینة البحار، دو جلد قطور است و کتاب پرارزش الکنی و اللقب او سه جلد می‌باشد، و هفده کتاب تمام شده دارد که چاپ نشده و یازده کتاب دارد که موفق به اتمام آن‌ها نشده و ناتمام مانده است. ضمناً کتاب‌های این روحانی بزرگوار از اتقان و استحکام خاصی برخوردار است و عموم طبقات از آثار قلمی او بهره‌مند و برخوردارند.

۳. اخلاص او؛ محدث قمی، اعلی الله مقامه، به مرتبه عالی یقین و اخلاص واصل شده بود و در این موضوع، حکایت‌هایی نقل شده است، از جمله مطلبی که مرحوم دکتر شهابی، در مقدمه کتاب الفوائد الرضویه محدث قمی نقل کرده است هر چند که در بعضی از چاپ‌های آن کتاب، مقدمه مزبور اسقاط گردیده است. در هر حال ایشان می‌گویند: ماه رمضان فرا رسید، طلاب و مؤمنین از وی درخواست می‌کنند که در مسجد گوهرشاد، اقامه جماعت کنند. او هم پذیرفت و در آن مسجد حضور می‌یافت و اقامه جماعت می‌کرد و جمعیتی انبوه در آن جماعت، شرکت می‌کردند. یک روز پس از پایان نماز ظهر برمی‌خیزد و می‌گوید: من نمی‌توانم نماز عصر بخوانم و بیرون می‌رود و دیگر به کلی آن جماعت را ترک می‌کند و بعد که علت را از او می‌پرسند می‌گوید: در رکوع رکعت

چهارم بودم که هم‌چنان صدای «یا الله» و «ان الله مع الصابرين» از اقتداکنندگان به گوشم رسید و به ذهنم آمد که جمعیت بسیاری در نماز شرکت کرده‌اند و نوعی انبساط برایم دست داد و من که این چنین باشم، شایستگی اقامه جماعت ندارم و از این‌رو آن جماعت را ترک کردم.

داستان دیگری را فرزند برومند آن بزرگوار، خطیب و واعظ پاک‌نهاد و پرهیزکار، مرحوم آقای حاج میرزا علی آقا محدث زاده علیه السلام نقل کرده است و طبق آنچه که در دفتر یادداشت‌هایم آمده و با یک واسطه نقل کرده‌ام، این است: ایشان از پدرشان - محدث قمی - نقل کرده‌اند که مرحوم کربلایی محمد رضا - پدر محدث قمی - روزی در صحن شریف حضرت معصومه، پای منبر مرحوم شیخ عبدالرزاق نشسته بوده و او احادیثی را از روی کتاب منازل الاخرة می‌خوانده است که بسیار برای ایشان جالب بوده و تحت تأثیر مطالب و روایات آن کتاب که پیرامون قبر و قیامت است واقع می‌شود و نمی‌دانسته که آن کتاب یکی از تألیفات فرزند خودش حاج شیخ عباس است و چون به خانه می‌آید و می‌بیند فرزندش محدث قمی مشغول نوشتن است به او می‌گوید: ... مثل آقا شیخ عبدالرزاق هم نشدی، چه روایت‌هایی از کتاب منازل الاخرة می‌خواند! محدث قمی فرموده‌اند: من آدمم بگویم که این کتاب، نوشته و تألیف من است، ولی دیدم که اگر بگویم اولاً: شاید منافات با اخلاص داشته باشد و ثانیاً: ممکن است موجب شرمندگی پدرم بشود و از اظهار این موضوع، خودداری کردم!

۴. او برای کتاب‌های روایی و نیز برای علمای اعلام احترام فراوانی قائل بوده است.

مرحوم آقای حاج میرزا علی آقا فرزند آن بزرگوار، نقل کرده‌اند که:

شبی در تهران در منبر، این حدیث را خواندم که امام صادق علیه السلام شبانه غذا برای گروهی از مستمندان می‌برد که در مکانی خوابیده بودند و شخصی که همراه حضرت بوده پرسیده است که آیا این‌ها از دوستان شمایند؟ حضرت فرموده: اگر از موالیان ما بودند «لَوَاسِينَاهُمْ بِالذِّقَّةِ»؛ در نمک طعام هم با آنان مواسات می‌کردیم.

و چون مرحوم مجلسی با کسر دال ضبط کرده (الدِّقَّة) من گفتم: مجلسی اشتباه کرده و این کلمه مضموم است به معنای «نمک».

مجلس تمام شد و من به منزل رفته و استراحت کردم، همان شب در عالم رؤیا دیدم پدرم را که به من فرمود: پسرک، به تو چه مربوط که مجلسی اشتباه کرده؟! او در صدر علمای اسلام است، زود برو و از او عذر بنخواه! من بیدار شدم و صبر کردم تا صبح فردا رسید و فقط به مادرم گفتم: من رفتم و زود حرکت کردم و به اصفهان آمدم و سر قبر علامه مجلسی رفته و از سخن خود اعتذار جستیم.

باری، مرحوم محدث قمی در اواخر عمر، مشهد را به قصد عتبات ترک کرد و در نجف مقیم شد و در شب ۲۳ ذی‌الحجه سال ۱۳۵۹ هجری قمری از دنیا رفت، و مرحوم آیه‌الله العظمی آقای سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله بر او نماز خواند و در کنار استادش، حاجی نوری دفن گردید.^۱

۱. ر.ک: حاج شیخ عباس قمی، الانوار البهیة، مقدمه.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. سید رضی، نهج البلاغه.
۳. آقا بزرگ تهرانی، شیخ محمد محسن، نقباء البشر، دارالمرتضی للنشر، چاپ دوم، مشهد ۱۴۰۴ ه. ق.
۴. _____، هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی، مکتبه المیقات، ۱۴۰۳ ه. ق.
۵. آیه‌اللهی (عالِم) شیرازی، سید محمد باقر سرگذشت نیکان، ۱۳۷۴.
۶. ابن اثیر، عزالدین ابی‌الحسن علی بن ابی‌الکرم، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۳۷۷ ه. ق.
۷. ابن شهر آشوب سروری مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، انتشارات علامه، قم [بی‌تا].
۸. ابو قولویه قمی، جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی، کامل الزیارات، نشر صدوق، ۱۳۷۵.
۹. اشعری قمی، حسن بن محمد بن حسن بن سائب بن مالک، تاریخ قم،

۱۰. امین، سید محسن، **اعیان الشیعه**، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت [بی تا].
۱۱. امینی تبریزی، عبدالحسین، **الغدیر**، دارالکتاب العربی، بیروت ۱۳۸۷ هـ. ق / ۱۹۶۷ م.
۱۲. بافقی، شیخ محمد تقی، **التقوی و ماادریک ماالتقوی**، محمد رازی، پیام اسلام، قم ۱۳۵۸ هـ. ش.
۱۳. حر عاملی، محمد بن الحسن، **آمل الآمل**، مطبعة الآداب النجف الاشرف، [بی تا].
۱۴. رازی، شیخ عبدالجلیل، **التقص**، تحقیق و تصحیح محدث ارموی، تهران.
۱۵. ریحان یزدی، سید علیرضا، **آئینه دانشوران**، چاپ دوم، چاپخانه مصطفوی، تهران ۱۳۵۴ هـ. ش.
۱۶. شریف رازی، شیخ محمد، **گنجینه دانشمندان**، اسلامیة، تهران ۱۳۵۲.
۱۷. شوشتری، قاضی سید نورالله، **مجالس المؤمنین**، اسلامیة، تهران ۱۳۵۴.
۱۸. شهید اول، محمد بن مکی العاملی، **ذکر الشیعة فی احکام الشریعة**، طبع قدیم، مکتبه بصیرتی، طبع جدید، مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیة، قم ۱۴۳۰ هـ. ق / ۲۰۰۹ م.
۱۹. شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، **ثواب الاعمال**، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۱ هـ. ق.
۲۰. _____، **عیون اخبار الرضا**، دارالعلم، قم ۱۳۷۷ هـ. ق.
۲۱. _____، **کمال الدین و تمام النعمة**، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۰ هـ. ق.
۲۲. _____، **معانی الاخبار**، منشورات جماعة المدرسین، قم ۱۳۶۱ هـ. ش.

۲۳. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی، **اختیار معرفة الرجال**، دانشگاه مشهد، مشهد ۱۳۴۸ هـ. ش.
۲۴. _____، **امالی**، منشورات مکتبه الداوری، قم.
۲۵. _____، **غیبت**.
۲۶. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، **الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، مؤتمر العالمی لالیفة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۲۷. عیاشی، ابی النصر مسعود بن عیاش السلمی السمرقندی، **تفسیر عیاشی**، کتاب فروشی علمی اسلامی، ۱۳۸۰ هـ. ق.
۲۸. فقیهی، علی اصغر، **تاریخ مذهبی قم**، زائر، قم ۱۳۷۸.
۲۹. فیض، عباس، **گنجینه آثار قم**، مهر استوار، قم ۱۳۴۹.
۳۰. فیض کاشانی، ملا محسن، **تفسیر صافی**، کتاب فروشی اسلامیة، تهران ۱۳۷۵.
۳۱. قائم مقام فراهانی، میرزا بزرگ، **اقامة البرهان علی اصول دین الاسلام**، انتشارات وحید، ۱۳۶۶.
۳۲. قمی، شیخ عباس، **الانوار البهیة**، مؤسسه منشورات دینی مشهد.
۳۳. _____، **الفوائد الرضویة**، ۱۳۶۷ هـ. ق.
۳۴. _____، **سفینه البحار**، انتشارات کتابخانه سنائی.
۳۵. _____، **منتهی الآمال**، اسلامیة، تهران ۱۳۷۱ هـ. ق / ۱۳۳۱ هـ. ش.
۳۶. کاظمینی، میرزا محمد، **تندیس پارسائی (شیخ غلامرضا یزدی)**.
۳۷. گلپایگانی، آیه الله سید محمد رضا، **استفتائات**، خطی.
۳۸. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ هـ. ق / ۱۹۸۳ م.
۳۹. مرعشی، سید محمود، **المسلسلات فی الاجازات**، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم ۱۴۱۶ هـ. ق.

۴۰. موسوی خوانساری اصفهانی، سید محمدباقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، ۱۳۶۷ هـ. ق.
۴۱. میرزای قمی، ابوالقاسم بن حسن گیلانی قمی، *جامع الشتات*، منشورات شرکتة الرضوان، تهران [بی تا].
۴۲. نوری طبرسی، میرزا حسین، *دارالسلام فی الرؤیا والمنام*، مطبعة علمیه، قم ۱۳۷۸.
۴۳. یادداشت‌های مرحوم شیخ مرتضی حائری، مخطوط.

سيدة الملكوت

(نظرة إلى الحياة المعنوية لكريمة آل محمد السيّدة فاطمة المعصومة عليها السلام)

آية الله علي كريمي جهرمي

مؤسسة بوستان كتاب

١٣٩٦ / ١٤٣٨

ملخص

الروضة الخضراء لسيدة الملكوت، السيّدة فاطمة المعصومة عليها السلام، صورة عن الجنّة الالهية التي وعد بها الله العظيم عباده الصالحين. فكلّ زائر يرجو في ما يتلوه من معاني زيارتها جميل شفاعتها، ويهفو إلى كريم عطائها. كتاب سيدة الملكوت يقدّم نظرة عامّة حول مدينة قم من خلال ما جاء فيها من الروايات وتحليل لما ورد بشأنها من الأخبار، ثم يسلّط الضوء على الجوانب المختلفة من الحياة الطيبة لكريمة آل محمد، السيدة فاطمة المعصومة عليها السلام. ثم يستعرض في الختام لمحات من حياة ثلّة ممن ادركوا رشحات من علم ومعنوية كريمة أهل البيت، ورددوا إلى الأبد قرناء السعادة إلى جوار ضريح السيدة بنت موسى بن جعفر.

مؤسسة بوستان كتاب

مركز الطباعة والنشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي

الناشر الأفضل على المستوى الوطني

عنوان المكتب المركزي: إيران، قم، أول شارع شهداء، ص ب: ٩١٧ / ٣٧١٨٥

الهاتف: +٩٨٢٥٣٧٧٤٢١٥٥، الفاكس: +٩٨٢٥٣٧٧٤٢١٥٤، التوزيع: +٩٨٢٥٣٧٧٤٣٤٢٦

The Celestial World's Lady

**(A glance at the spiritual life of the generous lady of Prophet
Mohammad's family, Lady Fatima Ma'soumah (PBUH))**

Ayatollah Ali Karimi Jahromi

**Bustan-e Ketab Publishers
1396/2017**

Abstract

The shrine of the lady of celestial world, Lady Fatima Ma'soumah is a picture from God's heaven which is promised to be his meritorious servants' haven. There the enthusiast pilgrims' hearts are pleading for intercession and look to her for graciousness.

The Celestial World's Lady, after having a glance on Hadiths about Qom and analyzing them, will scrutiny different aspects of the pure life of the gracious lady of Prophet Mohammad's family, Lady Fatima Ma'soumah, and the epilogue is dedicated to reminiscing about scholars that were blessed by the knowledge and spirituality of Lady Fatima Ma'soumah, those who rest in peace by the side of Musa-ibn-Ja'far's daughter.

Būstān-e Ketāb Publishers

Frequently selected as the top publishing company in Irān, Būstān-e Ketāb Publishers is the publishing and printing house of the Islāmic Propagation Office of Howzeh-ye Elmīyeh-ye Ghom, Islāmic Republic of Irān.

P.O. Box: 37185-917

Telephone: +98 25 3774 2155

Fax: +98 25 3774 2154

E-mail: info@bustaneketab.com

Web-site: www.bustaneketab.com